



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

گزیده‌ای از  
گزیده‌ای از  
فقه طه و آل یاسین  
فقه طه و آل یاسین  
صلوات الله علیهم اجمعین  
صلوات الله علیهم اجمعین

شاکر و مومنه

حضرت آية الله حیدر ترمذی کربلائی  
حضرت آية الله حیدر ترمذی کربلائی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# گزیده ای از فقه طه و آل یاسین : مناسک حج و عمره

نویسنده:

حیدر تربتی کربلایی

ناشر چاپی:

مؤلف

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۱۰	گزیده ای از فقه طه و آل یاسین : مناسک حج و عمره
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۴	فهرست مطالب
۲۳	مقدمه
۲۴	وجوب حج
۲۴	اشاره
۲۵	شرایط وجوب حجة الإسلام
۲۵	اشاره
۲۵	۱- بلوغ
۲۷	۲- عقل
۲۷	۳- آزادی
۲۷	۴- استطاعت
۲۷	اشاره
۲۷	الف: قدرت بدنی
۲۸	ب: نبودن مانع راه
۲۸	ج: سعه وقت
۲۸	د: زاد و راحله
۲۹	ه: رجوع به کفایت
۳۱	احکام استطاعت
۳۴	حج بذلی
۳۷	اذن شوهر
۳۷	حج نذری

۳۸	نایب گرفتن
۴۸	چند مسأله
۴۹	اقسام حج
۴۹	اشاره
۵۱	۱- حج تمتع
۵۱	اشاره
۵۱	اعمال عمره تمتع
۵۱	اعمال حج تمتع
۵۳	شرایط حج تمتع
۵۴	چند مسأله
۵۵	۲- حج افراد
۵۵	کیفیت «حج افراد»
۵۶	۳- حج قران
۵۶	کیفیت حج قران
۵۸	عمره تمتع
۵۸	اشاره
۵۸	تفصیل اعمال عمره تمتع
۵۸	۱- احرام
۵۸	اشاره
۵۸	میقات های احرام
۶۰	احکام میقات ها
۶۴	احرام حج تمتع
۶۴	واجبات احرام
۶۴	اشاره
۶۴	۱- پوشیدن لباس احرام
۶۶	۲- نیت

- ۶۷ ..... ۳-تلبیه
- ۷۰ ..... تروک احرام
- ۷۰ ..... اشاره
- ۷۲ ..... ۱-شکار حیوان صحرائی
- ۷۲ ..... اشاره
- ۷۳ ..... کفاره شکار و کشتن حیوانات
- ۷۵ ..... ۲-جماع
- ۷۷ ..... ۳-بوسیدن
- ۷۷ ..... ۴-لمس
- ۷۷ ..... ۵- نگاه کردن به زن و ملاعبه با او
- ۷۸ ..... ۶-عقد نکاح
- ۷۸ ..... ۷- استمناء
- ۷۹ ..... ۸-بوی خوش
- ۷۹ ..... ۹- پوشیدن لباس دوخته برای مردان
- ۸۰ ..... ۱۰-چکمه و جوراب
- ۸۰ ..... ۱۱- سرمه کشیدن
- ۸۱ ..... ۱۲-نگاه در آینه
- ۸۱ ..... ۱۳- دروغ و دشنام
- ۸۱ ..... ۱۴- جدال
- ۸۲ ..... ۱۵-کشتن جانوران بدن
- ۸۲ ..... ۱۶- زینت کردن و حنا گزاردن
- ۸۲ ..... ۱۷- مالیدن روغن
- ۸۳ ..... ۱۸-جدا نمودن مو
- ۸۴ ..... ۱۹-پوشاندن سر برای مردان
- ۸۴ ..... ۲۰- پوشاندن صورت برای زنان
- ۸۴ ..... ۲۱- زیر سایه رفتن برای مردان

۸۵	۲۲-خون
۸۶	۲۳-ناخن گرفتن
۸۶	۲۴- غسل به کافور
۸۶	۲۵- همراه داشتن سلاح
۸۷	کارهایی که انجام آنها در حرم برمحرم و غیر محرم حرام است
۸۷	۱- شکار
۸۷	۲- کندن درخت و گیاه و گندم
۸۸	۲- طواف
۸۸	اشاره
۸۸	شرایط طواف
۹۴	واجبات طواف
۱۰۱	چند مسأله
۱۰۴	شک در عدد اشواط
۱۰۶	۳- نماز طواف
۱۰۹	۴- سعی
۱۱۳	۵- تقصیر
۱۱۷	حج تمتع
۱۱۷	اشاره
۱۱۷	تفصیل اعمال حج تمتع
۱۱۷	۱- احرام
۱۱۹	۲- وقوف در عرفات
۱۲۱	۳- وقوف در مشعر الحرام (مزدلفه)
۱۲۴	۴- رمی جمره عقبه
۱۲۶	۵- قربانی
۱۲۶	اشاره
۱۳۱	مصرف قربانی



- ۶-حلق یا تقصیر ..... ۱۳۱
- ۷-طواف زیارت ..... ۱۳۳
- ۸-دو رکعت نماز طواف ..... ۱۳۵
- ۹-سعی بین صفا و مروه ..... ۱۳۵
- ۱۰-طواف نساء ..... ۱۳۵
- ۱۱- نماز طواف نساء ..... ۱۳۵
- ۱۲-بیتوته در منی ..... ۱۳۷
- ۱۳-رمی (پرتاب سنگ ریزه) جمرات ..... ۱۳۸
- عمره مفرده ..... ۱۴۱
- احکام عمره مفرده ..... ۱۴۱
- اعمال عمره مفرده ..... ۱۴۲
- اشاره ..... ۱۴۲
- احکام مصدود ..... ۱۴۵
- احکام محصور ..... ۱۴۶
- نماز در شهرهای مدینه و مکه ..... ۱۴۸
- درباره مرکز ..... ۱۴۹

## گزیده ای از فقه طه و آل یاسین : مناسک حج و عمره

### مشخصات کتاب

گزیده ای از فقه طه و آل یاسین صلوات الله علیهم أجمعین

مناسک حج و عمره

حضرت آیه الله شیخ حیدر تربتی کربلائی

خیراندیش دیجیتال : انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ص: 1

اشاره



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ

فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ

وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَانِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا

حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا

وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا

ص: 3



## فهرست مطالب

مقدمه...11

وجوب حج...12

شرایط وجوب حجة الإسلام...13

1- بلوغ

2- عقل...15

3- آزادی

4- استطاعت

1- قدرت بدنی

2- نبودن مانع در راه...16

3- سعه وقت

4- زاد و راحله

5- رجوع به کفایت...17

احکام استطاعت...19

حج بذلی...22

اذن شوهر...25

حج نذری

ص: 5

نایب گرفتن...26

چند مسأله...35

اقسام حج...37

1- حج تمتع...39

اعمال عمره تمتع

اعمال حج تمتع

شرایط حج تمتع...40

چند مسأله...41

2- حج افراد...42

کیفیت «حج افراد»

3- حج قرآن...43

کیفیت «حج قرآن»

عمره تمتع...45

تفصیل اعمال عمره تمتع

1- احرام

میقات های احرام

احکام میقات ها...47

احرام حج تمتع...51

واجبات احرام

1- پوشیدن لباس احرام

2- نیت...53

3- تلييه...54

تروك احرام...57

ص:6



- 1- شکار حیوان صحرائی...58
- کفاره شکار و کشتن حیوانات...59
- 2- جماع...61
- 3- بوسیدن...63
- 4- لمس
- 5- نگاه کردن به زن و ملاحظه با او
- 6- عقد نکاح...64
- استمناء
- 8- بوی خوش...65
- 9- پوشیدن لباس دوخته برای مردان
- 10- چکمه و جوراب...66
- 11- سر مه کشیدن
- 12- نگاه در آینه...67
- 13- دروغ و دشنام
- 14- جدال
- 15- کشتن جانوران بدن...68
- 16- زینت و حناگزاردن
- 17- مالیدن روغن
- 18- جدا نمودن مو...69
- 19- پوشاندن سر برای مردان...70
- 20- پوشاندن صورت برای زنان



22- خون...71

23- ناخن گرفتن...72

24- غسل به کافور

25- همراه داشتن سلاح

کارهایی که انجام آن ها در حرم بر محرم و غیر محرم حرام است:....73

1- شکار

2- کندن درخت و گیاه و گندم

چند مسأله

2- طواف...74

شرایط طواف

واجبات طواف...80

چند مسأله...87

شک در عدد اشواط...90

3- نماز طواف...92

4- سعی...95

5- تقصیر...99

حج تمتع...103

تفصیل اعمال حج تمتع

1- احرام

2- وقوف در عرفات...105

3- وقوف در مشعر الحرام (مزدلفه)...107

4- رمی جمره عقبه...110

5- قربانی...112

مصرف قربانی...117

ص: 8

6- حلق یا تقصیر

7- طواف زیارت...119

8- دو رکعت نماز طواف...121

9- سعی بین صفا و مروه

10- طواف نساء

11- نماز طواف نساء

12- بیتوته در منی...123

13- رمی (پرتاب کردن سنگ ریزه) جمرات...124

عمره مفرده...127

احکام عمره مفرده

اعمال عمره مفرده...128

احکام مصدود...131

احکام محصور...132

نماز در شهر مدینه و مکه...134

ص: 9



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آله الطيبين الطاهرين، و لعنة الله على أعدائهم أجمعين إلى أبد الآبدين آمين.

این مجموعه قسمتی از جلد دوم کتاب «گزیده ای از فقه ظه و آل یاسین صلوات الله علیهم اجمعین» می باشد و شامل اهم احکام مناسک حج و عمره برگرفته از ثقلین - دو یادگار رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم: قرآن کریم (کلام الله صامت) و قرآن ناطق (حضرات معصومین طه و آل یاسین، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و حضرت فاطمه زهراء و امام حسن مجتبی و امام حسین سید الشهداء و نه امام از فرزندان آن حضرت، علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و امام حجة بن الحسن المهدي صلوات الله وسلامه علیهم). است و به قدر امکان مراعات احتیاط شده است، آن را برای خود نوشته ام. ان شاء الله تعالی مجزی و مبرء ذمه باشد. از حضرت الله تبارک و تعالی توفیق عمل به آن را با معرفت و اخلاص خواستارم.

عبد الله الأكبر يوم الغدير سنة 1430 على مهاجرها و آله آلاف الصلوات و السلام. و أنا العاصي عبد الزهراء عليها السلام حيدر حسين حيدر التريتي الكربلائي مولد و إلى اصفهان مبعده و إلى مولدي كربلاء الحسين عليه السلام المقدسة راجعا و ميتا و مدفنا و محشرا إن شاء الله تعالی.

حج یکی از مهم ترین ارکان دین است، قرآن کریم می فرماید:

«وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ» (1)

و برای خداوند بر مردمان (واجب) است حج خانه (ی خدا)، هرکس تواند راهی به سوی آن یابد. و هرکس (به ترک حج عصیان کند و) کفر ورزد پس به راستی که خداوند از همه جهانیان بی نیاز است».

در حدیث صحیح به روایت زراره از امام محمد باقر علیه السلام است که فرمودند:

«بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ...»

اسلام بر پنج پایه بنا شده است: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام ...».

مسئله 1: وجوب حج از ضروریات دین اسلام است و کسی که وجوب آن را با التفات به ضروری بودنش و بدون این که شبهه ای برایش پیش آمده باشد انکار کند مرتد و کافر است، و ترک حج یا سبک شمردن حج با اعتراف به واجب بودن آن، از گناهان بزرگ و به منزله ی کفر است.

مسئله 2: ترک حج بدون انکار، و تأخیرش برای کسی که مستطیع باشد بدون عذر شرعی از گناهان کبیره است، به طوری که در بعضی از روایات آمده است: چنین کسی به دین یهود یا نصاری خواهد مرد، گرچه ظاهراً با جنازه و مرده او برخورد اسلامی می شود.

مسئله 3: حج بر هر مکانی که دارای شرایط باشد در تمام عمر یک بار «بالإصالة» واجب می شود

ص: 12

---

1- سوره (3) آل عمران (آل محمد صلی الله علیهم) آیه 98.



که «حجة الإسلام» نام دارد، گرچه ممکن است به جهت عوارضی مانند نذر، عهد، قسم، بطلان حج انجام شده و مانند اینها چندین بار واجب شود و غیر از حج واجب، حج مستحب می باشد.

مسئله 4: وجوب حج با پیدایش شرایطش فوری است، یعنی باید در سال اول استطاعت انجام شود و اگر در سال اول عمدا یا به جهت عذری انجام آن ترک شد، در سال دوم، و در صورت ترک باید در سال های بعد انجام گردد.

مسئله 5: بر شخص مستطیع لازم است در اولین فرصت مقدمات سفر حج را- هرچند طولانی باشد- آماده نماید، و اگر برای سفر کاروان های متعددی باشد باید کاروانی را که برای رسیدن به حج مورد اطمینان است انتخاب نماید، و در صورت اطمینان به همه آنها، رفتن با اولین کاروان لزومی ندارد و جایز است با کاروان های بعدی سفر کند و اگر با کاروان های بعدی رفت و اتفاقا به حج نرسید و دوباره هم استطاعت پیدا نکرد، گناه نکرده و حج هم مستقر نمی شود یعنی بر ذمه ی او باقی نیست.

مسئله 6: اگر با کاروان های بعدی اطمینان به درک حج نداشت و در عین حال با آنان سفر کرد، چنان چه به حج رسید معصیت نکرده و حج او نیز صحیح است، و اگر به حج نرسید گناه کرده و حج بر ذمه اش باقی می ماند و باید بعد انجام دهد.

## شرایط وجوب حجة الإسلام

### اشاره

مسئله 7: وجوب حج دارای شرایطی است:

1- بالغ بودن (پسر پانزده سال تمام و دختر نه سال تمام).

2- عاقل بودن.

3- آزاد بودن و برده نبودن.

4- مستطیع شدن (داشتن توانایی مالی).

### 1- بلوغ

ص: 13

مسأله 8: شرط اول: بلوغ است، پس بر بچه ی نابالغ هر چند نزدیک بلوغ باشد، حج واجب نیست.

مسأله 9: مستحب است طفل ممیز حج بجا آورد و در صحت آن، اذن ولی مانند پدر، معتبر است. و اگر سایر شرایط و جوب حج را دارا باشد جز بلوغ، حج او صحیح است ولی مجزی از «حجة الإسلام» نخواهد بود.

مسأله 10: هرگاه فرد نابالغ به حج رفت و قبل از احرام بالغ شد و مستطیع نیز بود، حج او صحیح بوده و «حجة الإسلام» است.

مسأله 11: هرگاه فرد با این عقیده که بالغ نشده است، حج مستحبی انجام داد و بعد معلوم شد که بالغ بوده است، حج او صحیح است و از «حجة الإسلام» کفایت می کند، مگر این که حج را با قید استحبابی انجام داده باشد به طوری که اگر متوجه می شد واجب است، انجام نمی داد و این حالت بسیار نادر است.

مسأله 12: ولی طفل غیر ممیز، خواه پسر باشد یا دختر، مستحب است او را محرم نماید، به این معنا که پس از بیرون آوردن لباس های عادی او، لباس های احرام را به او پوشانده، او را به تلبیه گفتن وادارد، اگر قابل تلقین باشد (یعنی اگر طفل بتواند هر چه را به او بگویند تکرار کند) و اگر قابل تلقین نباشد، ولی، به جای طفل تلبیه گوید و او را از آنچه بر محرم حرام است بازدارد و به انجام آنچه از اعمال حج قدرت دارد وادار کند و آنچه را که نمی تواند، خود به نیابت از او انجام دهد، و او را دور خانه خدا طواف داده و بین صفا و مروه سعی دهد، و در عرفات و مشعر و قوف دهد و وادار کند رمی جمرات را شخصا انجام دهد، و همچنین است نماز طواف و تراشیدن سرو بقیه اعمال حج.

مسأله 13: نفقهی عادلانه حج بچه (حتی آنچه مازاد بر نفقه عادی او در وطن است) از مال خود بچه می باشد، مگر این که موجب فقر او شود که در این صورت جایز نیست.

مسأله 14: پول قربانی بچه از مال خود اوست و اگر مالی نداشت، ولی او باید از مال خودش از

طرف او قربانی را انجام دهد.

مسئله 15: کفاره شکار بچه، اگر ولی او پدرش باشد، از مال ولی اوست، در غیر این صورت از مال خود بچه است همچنان که کفارات دیگر (غیر از کفاره ی شکار) از مال خود بچه است چه ولی پدر باشد چه غیر او.

مسئله 19: در صورتی که کفاره از مال بچه باشد، اگر ولی کفاره را از مال او پرداخت، وظیفه انجام شده، و اگر ولی نپرداخت، بر ذمه بچه باقی است و باید خودش بعد از بلوغ بپردازد.

## 2- عقل

مسئله 17: شرط دوم وجوب حج، عقل است. بر دیوانه هر چند ادواری باشد (یعنی گاه بیگانه) حج واجب نیست، بلی اگر مستطیع بود و قدرت انجام بیشتر اعمال حج، از جمله ارکان آن را در حال عقل داشت، بر او واجب می شود، و شخص بی هوش در حکم دیوانه است.

## 3- آزادی

مسئله 18: شرط سوم: آزادی است. بنابراین بر مملوک، غلام و کنیز زر خرید حج واجب نیست، هر چند مستطیع و مأذون از طرف مولایش باشد، البته با اذن مولا می تواند حج مستحبی انجام دهد و صحیح خواهد بود اما کفایت از «حجة الإسلام» نمی کند و اگر بعد از آزادی مستطیع شود، واجب است «حجة الإسلام» را انجام دهد.

## 4- استطاعت

### اشاره

مسئله 19: شرط چهارم: استطاعت است و برای تحقق آن پنج امر لازم است:

### الف: قدرت بدنی

مسئله 20: امر اول: قدرت بدنی برای انجام اعمال حج داشته باشد، پس کسی که به علت بیماری یا پیری یا نقص عضو و مانند این ها نتواند اعمال حج را بجا آورد، حج شخصا بر او واجب نیست. اما اگر سایر شرایط استطاعت را داشته باشد جز استطاعت بدنی، واجب است از طرف خود نایب بگیرد که حج را از طرف او انجام دهد.

ص: 15

## ب: نبودن مانع راه

مسأله 21: امر دوم: مانعی در راه نباشد، به این معنا که منع دولتی و خطر جانی و مالی و ناموسی در رفت و برگشت و اقامت در آن جا نباشد. و نیز موانع شرعی دیگری مثل ترک واجب اهم از حج، نظیر ارتکاب گناهی که مفسده اش از مصلحت حج شرعا بیشتر است نباشد، بنابراین اگر در شهرش مال زیادی داشته باشد که رفتن به حج موجب تلف شدن آن مال می شود حج واجب نخواهد بود.

## ج: سعه وقت

مسأله 22: امر سوم: سعه وقت است، به این معنا که وقت برای رفتن به مکه معظمه و بجا آوردن اعمال واجب در آن جا کافی باشد. بنابراین اگر مال هنگامی حاصل شد که زمان، رسای رفتن به مکه معظمه و انجام اعمال حج نیست، یا وقت هست ولی با مشقت زیادی که نوعا تحمل نمی شود همراه است، حج واجب نیست. و در این صورت بنابر احتیاط لازم باید مال را تا سال بعد نگهداری کند و اگر استطاعت در سال بعد موجود بود، حج واجب می شود و گرنه تحصیل آن واجب نیست.

## د: زاد و راحله

مسأله 23: امر چهارم: داشتن زاد و راحله است.

«زاد»: داشتن ما یحتاج روزمره از خوردنی و آشامیدنی و مسکن و مانند آن است، یا پولی که بتواند در موقع نیاز آنها را تهیه کند.

«راحله»: داشتن وسیله نقلیه ولو در شرایط فعلی بلیط هواپیما یا ماشین یا کشتی باشد.

مسأله 29: لازم است این زاد و راحله مناسب با موقعیت شخص باشد، هر چند به مقدار حداقل آن باشد و چنانچه برای کسی بدون مشقت و حرج، پیاده روی ممکن باشد داشتن راحله لازم نیست.

مسأله 25: ملاک و میزان در زاد و راحله وجود فعلی آن ها است و بر کسی که می تواند آنها را با کار و کاسبی در مسیر راه تأمین نماید، حج واجب نیست.

مسأله 29: استطاعتی که در وجوب حج معتبر است، استطاعت از مکان فعلی آن مکلف است که فعلا در آن جا است و نه در وطنش. پس هرگاه مکلف مثلا برای تجازت یا غیر آن به مدینه منوره و یا جده رفت و مصادف با موسم حج شد و از آن جا هزینه حج را داشت (گرچه با این هزینه از وطن مستطیع نمی شد) اگر سایر شرایط را دارا باشد، حج بر او واجب است.

مسأله 27: اگر هزینه سفر حج منحصر باشد به فروش ملکی به کمتر از نرخ متعارف آن و اسن فروش حرجی نباشد، واجب است آن ملک را بفروشد و به حج برود، و اگر حرجی باشد، حج واجب نیست.

مسأله 28: اگر موقتا هزینه و مخارج حج بالا برود مثل این که کرایه و امثالش برای خصوص این سال زیاد شده و برای سال های بعد به قیمت عادی برمی گردد و مکلف قدرت پرداخت زادی - بدون اجحاف - را داشته باشد، تأخیر جایز نیست و باید همان سال به حج برود.

مسأله 29: در استطاعت، داشتن هزینه ی رفت مسلما معتبر است، اما هزینه برگشت به وطن وقتی معتبر است که مکلف بخواهد به وطن بازگردد. اما اگر زندگی در مکه با زندگی در وطن یا جای دیگر برایش یکسان باشد و مشقتی نداشته باشد و بخواهد در مکه بماند، داشتن هزینه بازگشت در استطاعت شرط نیست و تنها با داشتن هزینه رفت، استطاعت حاصل می شود و حج واجب خواهد بود. و همین ملاک در بازگشت به جای دیگر غیر از وطن نیز جریان دارد، یعنی اگر بخواهد در شهر دیگری زندگی کند، داشتن هزینه بازگشت به آن جا شرط است. داشتن هزینه مدت اقامت در مکه نیز در استطاعت شرط است.

## ه: رجوع به کفایت

مسأله 30: امر پنجم از اموری که برای حصول استطاعت لازم است: رجوع به کفایت می باشد، یعنی مکلف پس از بازگشت از حج، بتواند خود و عائله اش را به وسیله کاسبی یا زراعت یا غیره اداره نماید و دچار تهی دستی و فقر نشود. بنابراین اگر مکلف پولی دارد که سرمایه ی کسب اوست و چنان چه آن را صرف حج نماید، از کاسبی باز می ماند و راه دیگری هم

برای تأمین مناسب شأن خود ندارد، حج بر او واجب نیست.

مسئله 31: فروختن چیزهای ضروری زندگی و آنچه که مورد احتیاج انسان است لازم نیست، مانند منزل مناسب شأن و لباس هایی که برای زینت و آبرو دارد و اثاث منزل و ابزار کار که برای زندگی به آن ها محتاج است و همچنین کتاب نسبت به اهل علم که برای تحصیلات آنان لازم است و مانند اینها.

مسئله 32: اگر لوازم ذکر شده بیش از مقدار حاجت باشد و مقدار اضافه، هزینه حج را تأمین کند، فروش آن برای صرف در راه حج واجب است، مثلاً شخصی در منزل دارد و یکی اضافه بر نیاز زندگی اوست. در این صورت واجب است یکی را فروخته و به حج برود.

مسئله 33: اگر یکی از لوازم مورد نیاز انسان از مصرف خارج شد، مثل طلا و جواهرات برای خانمی که تا جوان بوده نیاز و مصرف داشته و در سن پیری از آن ها استفاده نمی کند و به آنها خود را تزین نمی نماید، چنانچه شأن او نباشد و اگر آنها را بفروشد هزینه حج را تأمین می نماید، واجب است بفروشد و حج را بجا آورد.

مسئله 34: اگر انسان منزل ملکی داشته باشد و منزل غیر ملکی نیز در اختیار او است که می تواند بدون ناراحتی و مشقت در آن زندگی کند، مانند منزل وقفی که منطبق بر او باشد، واجب نیست منزل ملکی خود را که هزینه حج را تأمین می کند بفروشد و به حج برود، مگر در صورتی که در منزل وقفی سکونت دارد و عرفاً منزل ملکی محل حاجت او نباشد. و این حکم در سایر لوازم ملکی و غیر ملکی جریان دارد، مثل اهل علمی که کتاب های ملکی دارد و کتاب های موقوفه ای هم در اختیار او است.

مسئله 35: اگر کسی مقداری پول دارد که برای هزینه حج کافی است، اما ازدواج نکرده یا منزل مسکونی یا سایر وسایل زندگی ندارد، و خوب حج مقدم است مگر این که ترک ازدواج و ترک خرید وسایل زندگی برای او حرجی بوده و مشقت زیادی داشته باشد که معمولاً مردم آن را تحمل نمی کنند، در این صورت حج بر او واجب نخواهد بود.

مسأله 36: هرگاه انسان هزینه حج را در دست ندارد، ولی از کسی طلبی دارد که برای خزینه حج کافی است و وقت آن رسیده و بدهکار نیز خوش حساب است و چنانچه مطالبه شود می پردازد، واجب است مطالبه نماید و در حج مصرف کند.

مسأله 37: اگر بدهکار بد حساب است و بدهی را پرداخت نمی کند اما به وسیله رجوع به شخص دیگری می توان طلب را وصول کرد، واجب است مراجعه به آن شخص نموده و طلب خود را دریافت و در حج صرف نماید.

مسأله 38: بر کسی که بر اثر حج تمام دارایی خود را مصرف می کند تا فقیر شود حج واجب نیست، حتی اگر از موقوفه بر فقرا بتواند زندگی خود را اداره نماید.

مسأله 39: بر مستطیع لازم نیست حتما با پول خودش به حج برود، بنابراین هرگاه با پول غیر یا پول گدایی و امثال آن به حج برود، واجب انجام شده است. اما اگر با مال غیر که حرام است حج را انجام داد و لباس احرام و لباس طواف و لباس سعی از مال حلال بود، حج صحیح است. اگر چه در مصرف مال حرام معصیت کرده، اما اگر یکی از آن لباس ها حرام باشد، هم معصیت کرده و هم حج باطل است.

### احکام استطاعت

مسأله 60: تحصیل استطاعت به کسب یا غیر آن واجب نیست، بنابراین اگر مالی به انسان هدیه شود که معادل هزینه ی حج باشد، قبول آن لازم نیست.

مسأله 41: اگر کسی از انسان بخواهد خود را برای خدمتی اجیر کند که با اجرتش مستطیع خواهد شد، قبول انجام آن کار واجب نیست، هرچند آن خدمت لایق به شأن او باشد.

مسأله 42: اگر کسی خود را در راه حج به اجرتی که معادل هزینه ی حج است اجیر نمود و با آن اجرت مستطیع شد، چنان چه در تمام مسیر حتی در عرفات و مشعر و منی همراه با حجاج بود و کارش منافات با اعمال حج او نداشت، حج در همان سال بر او واجب می شود.

مسأله 43: اگر در حج اجیر شود و کارش منافات با اعمال حج داشته باشد، مانند این که

برای محافظت از اموال کاروان اجیر شده باشد و مدت وقوف در عرفات و مشعر، باید برای حفظ ااث حجج در شهر مکه معظمه بماند که طبعاً با اعمال حج منافات دارد، در آن سال مستطیع نیست و حج بر او واجب نخواهد بود، و لازم نیست پول را تا سال دیگر نگه دارد.

مسأله 44: اگر کسی برای اعمال حج از طرف دیگری به واسطه اجرتی که برای اجیر نیز استطاعت آور بود، نایب شد، مثلاً هزینه حج صد هزار تومان است و او به دو بیست هزار تومان اجیر شد و با آن اجرت می توانست دو حج انجام بدهد، اگر مقید به همین سال باشد باید امسال حج نیابتی را بجا آورد تا در سال بعدی حج خودش را انجام دهد و اگر مقید به همین سال نباشد یا اجازه بدهد، واجب است امسال حج خود و سال بعد حج نیابتی را انجام دهد.

مسأله 45: هرگاه انسان هزینه ی حج را نداشته باشد ولی بتواند با قرض کردن هزینه ی حج را تأمین کند و می تواند بعد از حج آن را از کاسبی یا مانند آن ادا کند، واجب نیست قرض نماید، و طبعاً حج هم بر او واجب نیست، بلکه حتی اگر معادل هزینه حج را قرض کرد، استزاعت شرعی برای او پیدا نشده و حج هم بر او واجب نخواهد شد.

مسأله 46: اگر انسان هزینه حج را داشته باشد اما بدهی دارد طوری که اگر حج برود نتواند بدهی خود را ادا نماید، حج واجب نیست، چه قرض مدت دار باشد یا نه، چه قبل از بدهی اسن هزینه را به دست آورده باشد و چه بعد. و اگر توانایی پرداخت بدهی خود را در وقت آن داشته باشد، اقوی وجوب حج است.

مسأله 47: اگر به مقدار هزینه ی حج پول داشته باشد و ضمناً حقوق واجبه شرعیه - مانند خمس و زکات و کفاره مالی - نیز بدهکار باشد و چنانچه این هزینه را صرف حج نماید، توان ادای آن حقوق را نخواهد داشت و اگر حقوق را ادا نماید، به مقدار هزینه ی حج نخواهد داشت، در این صورت حج واجب نیست، بلکه لازم است حقوق را ادا کند.

مسأله 48: اگر مقداری مال دارد و نمی داند برای حج کافی هست یا نه، مثل این که نمی داند هزینه ی حج چقدر است، یا مقدار هزینه را می داند اما مقدار پول مشخص نیست، واجب



مسئله 49: چنان چه پولی داشته باشد که در دسترس او نیست، مثل این که در جای دیگر است و پول دیگری ندارد، چنان چه نتواند در آن مال - هر چند با وکالت به غیر بدون ضرر زیاد - تصرف کند، حج برواجب نخواهد بود و هر وقت تمکن پیدا کند حج بر او واجب می شود.

مسئله 50: هرگاه انسان از نظر مالی مستطیع شد، اما وقت حج نرسیده است، لازم نیست این تمکن مالی را برای حج حفظ نماید، بنابراین جایز است در آن مال طوری تصرف کند که از استطاعت خارج شود، مثلاً به دیگری ببخشد که از استطاعت خارج شود، مگر این که هنگامی باشد که قافله به طرف حج حرکت می کند.

مسئله 51: همان طور که داشتن زاد و راحله و وسیله ی معاش و سواری برای رفتن لازم است، برای مدت توقف در مکه و برگشتن - اگر نیاز به برگشت باشد - نیز لازم است، بنابراین اگر هزینه ی حج چه قبل از سفر و چه در بین سفر به هر شکلی از بین رفت، معلوم می شود که استطاعت نداشته و حج واجب نبوده است.

مسئله 52: اگر پول انسان به مقدار هزینه ی حج باشد ولی نمی دانسته یا غفلت از وجوب حج داشته است و بعد از توجه و علم، مال تلف شده باشد، حج بر ذمه او استقرار پیدا نمی کند در صورتی که در غافل بودن خود مقصر نباشد.

مسئله 53: حج مانند سایر واجبات بر کافر مستطیع واجب است، لکن تا وقتی بر کفر خود باقی است، نمی تواند حج صحیح انجام دهد، و اگر مسلمان شد و استطاعتش باقی بود، حج بر او واجب بوده و می تواند حج صحیح انجام دهد.

مسئله 54: اگر کافر قبل از اسلام استطاعتش از بین رفت سپس مسلمان شد، حج بر او واجب نیست، و اگر در حال کفر مستطیع نبود و پس از مسلمان شدن استطاعت پیدا کرد، حج بر او واجب است.

مسئله 55: حج بر مرتد (کسی که مسلمان بوده و از اسلام برگشته) چه ملی و چه فطری باشد

واجب است، اما انجام آن در حال ارتداد صحیح نخواهد بود و بنا بر اقوی هرگاه توبه کرد و حج را بجا آورد صحیح است هر چند مرتد فطری بوده باشد.

مسئله 56: هرگاه حج بر کسی واجب شد و در بجا آوردن آن اهمال و تأخیر کرد تا جایی که استطاعت او از بین رفت، واجب است حج را به هر ترتیبی شده بجا آورد حتی اگر به سختی باشد (به قدری که تحمل آن حرام نباشد) و چنان چه قبل از حج بمیرد، واجب است از ترکه ی وی حج را قضا نمایند و چنان چه کسی تبرعا و بدون اجرت به جای او حج کند، صحیح و کافی خواهد بود.

### حج بذلی

مسئله 57: همان طوری که انسان از مال خود مستطیع می شود و حج بر او واجب می گردد، اگر دیگری هزینه ی حج را به او بذل نماید (مخارج را تکفل کند) حج واجب خواهد شد، چه باذل (بخشنده) یک نفر باشد یا متعدد، چه عین زاد و راحله و بذل نماید و چه قیمت آن را، و چه به مدیر کاروان بگوید او را به هزینه ی من به حج ببر یا به نحو دیگری باشد.

مسئله 58: اگر شخصی (مثلا علی) مالی را به مقدار هزینه ی حج وصیت نماید یا وقف کند یا نذر نماید تا به شخصی (مثلا حسن) بدهند که با آن حج بجا آورد، هرگاه مال به او تسلیم شد، همان گونه که قبول واجب است، حج نیز بر او (حسن) واجب می شود، اما اگر قید نکرده بود که با آن مال حج نماید، قبول واجب نیست، و چنان چه قبول نکرد حج هم واجب نخواهد شد.

مسئله 59: در حج بذلی، رجوع به کفایت - که معنایش در امر پنجم بیان شد - اگر انجام حج در وضع زندگی شخص اثری نداشته باشد شرط نیست و حج واجب می شود حتی اگر بعد از بازگشت معاش او تأمین نباشد. و اگر عمل حج در زندگی بعدی او اثر دارد مثل این که کسب او که تأمین کننده معاش سالیانه اوست منحصر به ایام حج است و عمل حج او را از این کسب باز داشته و موجب کمبود هزینه معاش سالیانه می شود، در چنین حالتی رجوع به کفایت نیز حتی در حج بذلی شرط است.

مسئله 40: اگر کسی به انسان مالی معادل هزینه حج هدیه نماید و نامی از حج نبرد، قبول این

هبه واجب نیست و حج نیز واجب نمی شود. و چنان چه انسان به میل خودش قبول کرد، مستطیع می شود و حج واجب می گردد. اما اگر مبلغ را به او داد به شرط این که حج نماید و یا گفت: مخیری می خواهی حج انجام بده یا نه، در این صورت قبول هدیه واجب است و مستطیع بوده و حج واجب می گردد (مگر این که منت و حرجی در بین باشد).

مسأله 61: اگر انسان با بذل مستطیع شد و بدهکار نیز بود، چنان چه حج مانع از پرداخت بدهی تا آخر بشود حج واجب نیست، چه بدهی مدت دار باشد چه نباشد، و چه طلب کار مطالبه بکند یا نکند. و اگر حج تا آخر عمر مانع از پرداخت بدهی نباشد ولی پرداخت آن به تأخیر می افتد و طلب کار نیز مطالبه می نماید، چه بدهی مدت دار باشد چه نباشد حج واجب نیست، اما اگر حج موجب تأخیر پرداخت بدهی نشود یا طلب کار راضی به تأخیر باشد، حج واجب خواهد بود.

مسأله 62: هرگاه برای جماعتی مالی را در میان بگذارند که یکی از آنها به حج برود، چنان چه یکی پیش دستی نموده و مال را برداشت، تکلیف از دیگران ساقط می شود و به آن یک نفر متوجه می گردد و چنان چه همه ترک کردند و پول را برنداشتند و حال آن که قدرت داشتند، وجوب حج بر همه به نحو وجوب کفائی مستقر خواهد شد.

مسأله 63: با بذل تنها حجی واجب می شود که وظیفه مبذول له بوده است در صورت استطاعتش و حج دیگری بر او واجب نمی گردد، پس اگر وظیفه مبذول له حج تمتع بود و «حج قران» یا «افراد» - که معنای آن خواهد آمد به او بذل شود، یا به کسی که وظیفه اش «حج قران» یا «افراد» است، حج تمتع بذل شود، قبول آن بر او واجب نیست.

مسأله 64: کسی که «حجۃ الإسلام» بر ذمه وی آمده یعنی مستطیع شده و به حج نرفته تا این که بی پول و فقیر شده، اگر به او بذل شود، قبولش واجب است. همچنین کسی که به سبب نذر و مانند آن حج بر او واجب شده و تمکن ندارد، واجب است بذل را قبول کند.

مسأله 65: هرگاه به کسی پولی بذل شود که با آن حج انجام دهد و آن مال در بین راه تلف

شود، و جوب حج از او ساقط می شود. اما اگر متمکن باشد که سفر را از مال خود ادامه دهد و حج را بجا بیاورد، در صورتی که سایر شرایط را دارا باشد، باید آن را ادامه دهد و حج او واجب و مجزی از «حجۃ الإسلام» خواهد بود.

مسئله 66: در حج بذلی پول قربانی به عهده ی باذل (بخشنده مال) است. بنابراین اگر پول قربانی را نداد، حج واجب نیست مگر این که خود مبذول له قدرت پرداخت پول قربانی را داشته باشد که در این صورت حج واجب خواهد بود.

مسئله 67: حج بذلی - یعنی حجی که انسان با پول دیگری بجا می آورد - کفایت از «حجۃ الإسلام» می کند و اگر گیرنده بعدا خودش مستطیع شود، حجی بر او واجب نخواهد بود.

مسئله 68: باذل (بخشنده مال) جایز است پیش از داخل شدن مبذول له در احرام، از بذل خود برگردد اما ضامن هزینه ای است که مبذول له از رفتن تا بازگشت به وطن، متحمل شده است، ولی بعد از دخول در احرام احتیاط واجب این است که باذل از بذلش برنگردد.

مسئله 69: اگر باذل از بذل خود برگشت، چنان چه گیرنده استطاعت دارد که حج را از مال خودش تمام نماید، واجب است آن را تمام کرده و «حجۃ الإسلام» خواهد بود و اگر استطاعت ندارد، و جوب حج ساقط می شود.

مسئله 70: چنان چه مالی برای حج به انسان بذل شد و با آن حج انجام داد سپس معلوم شد که آن مال غصبی بوده، این حج مجزی از «حجۃ الإسلام» نخواهد بود و مالک آن مال برای گرفتن مالش حق دارد به هریک از دهنده یا گیرنده مراجعه کنند و پول خود را بگیرد، لکن اگر از گیرنده گرفت، گیرنده می تواند به دهنده مراجعه کنند و عوض آنچه را داده بگیرد مگر این که از اول خود گیرنده بداند که مال غصبی بوده است.

مسئله 71: اگر مبذول له یکی از محرمات احرام را که موجب قاره است، انجام داد، کفاره اش به عهده ی خود او است.

مسئله 72: اگر کسی که مستطیع نیست برای خود یا دیگری تبرعا یا با اجاره حج انجام دهد،

این حج برای خودش مجزی از «حجة الإسلام» نیست و هر وقت مستطیع شود باید «حجة الإسلام» را بجا آورد.

مسأله 73: اگر کسی به اعتقاد این که مستطیع نیست به عنوان استحباب به حج رفت و قصد فرمانبرداری امر الهی را نمود و بعد معلوم شد مستطیع بوده، حج او مجزی از «حجة الإسلام» خواهد بود و انجام دوباره ی حج بر او واجب نیست. اما اگر قصد استحباب طوری بوده که اگر می دانست واجب است انجام نمی داد (البته این فرض بسیار نادر است) مجزی از «حجة الإسلام» نبوده و هر وقت مستطیع شد، حج بر او واجب می شود.

### اذن شوهر

مسأله 74: اذن شوهر برای زن در حج واجب وقتی مستطیع شد شرط نیست، و شوهر نمی تواند مانع از انجام «حجة الإسلام» بشود.

مسأله 75: در حج استحباب اذن شوهر شرط است و در صورتی که سفر حج با حق شوهر منافات داشته باشد، شوهر حق دارد زن را از رفتن به حج مستحبی منع نماید و همچنین است در صورت منافی نبودن بنا بر احتیاط

مسأله 76: زنی که در عده ی طلاق رجعی است، همین حکم را دارد چون او شرعا در حکم زین شوهردار می باشد.

مسأله 77: همراه داشتن محرم در وجوب حج بر زن در صورت امنیت جانی و ناموسی شرط نیست. و هرگاه بدون محرم امنیت نداشت، همراه بودن محرم حتی اگر با پرداخت اجرت باشد لازم است و در این صورت اگر زن هزینه ی اجرت را نداشت استطاعت ندارد و حج واجب نخواهد بود.

### حج نذری

مسأله 78: بلوغ، عقل و دیگر شرایطی که در احکام نذر بیان شده، در وجوب حج نذری شرط است.

ص: 25

مسأله 79: کسی که نذر کرده است مثلاً همه ساله روز عرفه در کربلاء، حضرت سیدالشهداء علیه السلام را زیارت نماید و بعد از نذر مستطیع شود، نذرش منحل شده و حج بر او واجب است. و نیز هر نذری که پیش از استطاعت بکند و مزاحم حج باشد، همین حکم را دارد. یعنی اگر استطاعت پیدا شد، نذر یک سال منحل می شود و حج واجب می گردد.

مسأله 80: شخص مستطیع در صورتی که توانایی جسمی داشته باشد، باید شخصا حج را انجام دهد و اگر کسی از طرف او تبرعا یا با اجرت و غیره حج نماید کفایت نمی کند. اما در حج مستحبی اگر دیگری از طرف انسان حج انجام دهد، اشکال ندارد.

### نایب گرفتن

مسأله 81: در نایب شش شرط لازم است:

اول: بلوغ، پس نیابت نابالغ حتی اگر ممیز باشد صحیح نیست.

دوم: عقل، پس نیابت دیوانه صحیح نیست، چه دیوانه همیشگی چه گاه گاهی (ادواری) اگر در حال دیوانگی نیابت نماید.

سوم: ایمان، یعنی شیعه اثنی عشری بوده و معتقد به امامت تمام ائمه اطهار علیهم السلام باشد، پس نیابت غیر شیعه صحیح نیست، حتی اگر حج را طبق مذهب شیعه انجام دهد.

چهارم: عدالت یا این که مطمئن باشیم نایب، عمل را صحیح انجام می دهد.

پنجم: به احکام و افعال حج عالم باشد حتی اگر با راهنمایی عالمی در موقع انجام اعمال حج باشد.

ششم: حجة الإسلام بر گردن نایب نباشد.

مسأله 82: نیابت از بچه نابالغ و ممیز و دیوانه جایز است، بلکه در مورد دیوانه گاه گاهی اگر در حال افاقه (رهایی از جنون) حج بر او واجب شده و می توانسته انجام دهد ولی انجام نداده، باید پس از مرگش برای او نایب بگیرند.

مسأله 83: نیابت زن از مرد و بالعکس جایز است.

مسأله 84: نیابت ضرورة (یعنی کسی که تا کنون حج نرفته) زن باشد یا مرد چند صورت دارد:

1- نیابت زن ضرورة از مرد ضرورة، بنا بر احوط اولی منع است.

2- نیابت مرد ضرورة از زن ضرورة جایز است بدون کراهت.

3- نیابت زن ضرورة از مرد غیر ضرورة کراهت دارد.

4- نیابت زن غیر ضرورة از مرد ضرورة کراهت دارد.

مسأله 85: لازم است که منوب عنه مسلمان باشد، پس نیابت از کافر و مرتد و ناصبی صحیح نیست. و همچنین منوب عنه باید از دنیا رفته باشد یا توانایی جسمی برای انجام حج نداشته باشد، البته این حکم در حج واجب است ولی در حج مستحبی نیابت از زنده جایز است حتی اگر منوب عنه توانایی جسمی داشته باشد.

مسأله 86: در صحت نیابت، قصد منوب عنه ولو به طور اجمال، لازم است و بردن نام او واجب نیست، گرچه در تمام مواضع حج مستحب است و قصد نیابت هم لازم است.

مسأله 87: همان طوری که نیابت به اجاره صحیح است به جعاله و تبرع و شرط ضمن عقد نیز صحیح است.

مسأله 88: اجیر کردن شخصی که در ترک بعضی از اعمال حج معذور است بنا بر احوط جایز نیست. بلکه همین شخص معذور، اگر تبرعا برای میت حج انجام دهد، فراغت ذمه میت مشکل است.

مسأله 89: کسی که حج بر ذمه او مستقر شده و شخصا به علت پیری یا بیماری یا مانع دیگری نتواند حج را بجا آورد با حج برای او مشقت داشته باشد، واجب است نایب بگیرد.

مسأله 90: کسی که ثروت مند است و شخصا قدرت بر انجام حج ندارد و یا برای او مشقت دارد، گرچه حج از قبل بر ذمه او مستقر نشده باشد، واجب است برای انجام حج نایب بگیرد.

مسأله 91: نایب گرفتن مانند خود حج، باید فوری انجام شود.

مسأله 92: در صورتی که نایب به حج برود و عذر منوب عنه تا موقع مرگش باقی بماند، حج

نایب کفایت می نماید. و چنان چه منوب عنہ قبل از مردن، عذرش برطرف شد، واجب نیست شخصا حج را انجام دهد، گرچه انجام آن احوط می باشد.

مسأله 93: کسی که شخصا از انجام دادن حج معذور است و تمکن از نایب گرفتن هم ندارد، وجوب حج از او ساقط می شود، ولی اگر حج قبلا بر ذمه او مستقر بوده، واجب است بعد از فوتش قضا شود. و نیز اگر می توانسته نایب بگیرد و نایب نگرفته و مالی از او باقی مانده باشد، باید از ترکه او برایش حج بدهند.

مسأله 94: اگر گرفتن نایب واجب شد و نایب نگرفت، اما شخصی تبرعا (بدون دریافت مالی) از طرف او حج انجام داد، کفایت می کند، گرچه احتیاط در گرفتن نایب است.

مسأله 95: نیابت از میقات جایز است گرچه نیابت از محل سکونت منوب عنہ بهتر است.

مسأله 96: کسی که حج بر ذمه اش مستقر بوده، اگر بعد از احرام و دخول در حرم بمیرد، کفایت از «حجۃ الإسلام» می کند. و اگر پیش از احرام و دخول در حرم بمیرد، ظاهر این است که کفایت نکرده است و قضای حج واجب می باشد. اما چنان چه بعد از احرام بمیرد، چه داخل حرم شده باشد یا نه، کفایت آن از حجۃ الإسلام خالی از وجه نیست.

مسأله 97: هرگاه کسی که «حجۃ الإسلام» بر ذمه اش است بمیرد و وصیت به حج کرده باشد، هزینه ی آن حج از اصل ترکه برداشته می شود مگر این که مقید به ثلث کرده باشد، در این صورت اگر ثلث کافی بود از ثلث برداشته می شود و بر بقیه وصیت های او مقدم است. و اگر ثلث کافی نبود، باقیمانده را از اصل ترکه برمی دارند. و همچنین اگر این شخص بدون وصیت بمیرد، باز هم واجب است هزینه ی حج را از اصل ترکه برداشته و برای او نایب بگیرند.

مسأله 98: کسی که بمیرد و «حجۃ الإسلام» بر ذمه وی باشد و نزد شخصی ودیعه و امانتی داشته باشد و این شخص بداند یا گمان داشته باشد که ورثه حتی اگر ودیعه را به آنها بدهد، حج را انجام نخواهند داد، بر او لازم است برای میت نایب بگیرد تا ذمه ی میت از حج فارغ شود و چنان چه از آن ودیعه مبلغی زیاد بیاید، باید آن را به ورثه بدهد و فرقی نیست بین این که خود



شخص از طرف میت حج را انجام دهد یا کسی را برای این کار اجیر کند. این حکم در غیر ودیعه از اموال دیگر مثل عاریه، اجاره، طلب و مانند آنها جریان ندارد.

مسئله 99: کسی که بمیرد و «حجۃ الإسلام» بر ذمه وی باشد و از طرفی مقروض بوده و خمس و زکات نیز بر او واجب باشد و ترکه او برای پرداخت تمام اینها کفایت نکند، اگر مالی که خمس یا زکات به آن تعلق گرفته موجود باشد، باید خمس و زکات را پردازند و چنانچه خمس به ذمه وی منتقل شده، بین آنها مخیر است ولی احوط تقدیم سایر بدهی ها بر حج است.

مسئله 100: کسی که فوت کرده و «حجۃ الإسلام» بر فقه او بوده، اگر ما ترک او برابر با هزینه ی حج باشد، ورثه پیش از گرفتن نایب، حق تصرف در مال او را ندارند و اگر ما ترک بیشتر از هزینه ی حج باشد و ورثه تصمیم داشته باشند نایب بگیرند، می توانند در قسمتی از ما ترک تصرف کنند و در رابطه با بدهکاری های دیگر نیز چنین است.

مسئله 101: کسی که فوت کرده و ترکه وی به مقدار هزینه حج نیست و بدهکاری ندارد، ترکه او به وارث منتقل می شود و بر آن ها واجب نیست کمبود هزینه را از مال خودشان تکمیل کنند.

مسئله 102: اگر کسی که حج بر ذمه او بوده فوت کند، می توانند برای او از نزدیک ترین میقات ها به مکه مکرمه نایب بگیرند و واجب نیست نایب از شهر وی گرفته شود. بلی اگر ثروت زیاد داشته باشد، احتیاط مستحب گرفتن نایب از شهر او است. و بنا بر احتیاط، زیادی اجرت باید از اموال بالغین ورثه داده شود نه صغار آنها.

مسئله 103: اگر کسی که حج بر ذمه او بوده فوت نماید، واجب است در همان سال فوتش نایب بگیرند و چنانچه امکان نایب گرفتن از میقات در آن سال نبود، واجب است از شهر وی نایب بگیرند و هزینه نایب از اصل ترکه برداشته می شود. و جایز نیست آن را تا سال دیگر به تأخیر بیندازند حتی اگر یقین داشته باشند سال دیگر می توانند از میقات نایب بگیرند، البته این حکم در صورتی است که تفاوت هزینه نایب از بلد و میقات فوق العاده نباشد. اما اگر تفاوت زیاد باشد با بودن وراث صغیر و طلبکاران، تأخیر جایز نیست. این تفصیل برای وقتی است که

میت، مال معینی را برای نیابت وصیت نکرده باشد.

مسئله 104: اگر بعضی از ورثه به وجوب «حجة الإسلام» بر ذمه متوفی اقرار کنند و بعضی انکار کنند، بر اقرار کنندگان لازم است به نسبت «سهم الارث» خود از آنچه میت برای حج تعیین نموده، پرداخت کنند و چنانچه این مقدار برای حج کافی بود نایب گرفته می شود و اگر این مقدار وافی به حج نبود، لازم نیست از مال خودشان تکمیل نمایند و نایب گرفتن واجب نخواهد بود.

مسئله 105: اگر حج بر ذمه میت باشد و کسی تبرعا برای او حج انجام دهد، هزینه حج به ورثه منتقل می شود. و اگر «حجة الإسلام» بر میت واجب نبود، اما وصیت به حج نموده، چنانچه منظورش معلوم بود که باید با این مبلغ حجی انجام شود، باید با این مبلغ اجیر گرفته شود و به ورثه منتقل نمی شود - چه شخص دیگری تبرعا برای او حج انجام بدهد یا نه - و همچنین است اگر مشکوک باشد که در این صورت نیز به ورثه منتقل نخواهد شد و باید اجیر گرفته شود.

مسئله 106: کسی که حج بر ذمه داشته و وصیت کرده که از شهرش نایب گرفته شود، واجب است از شهر او نایب بگیرند، ولی مازاد بر اجرت میقات از ثلث ما ترک خارج می شود. و چنانچه وصیت به حج نموده و نامی از بلد یا میقات نبرده، به نایب گرفتن از میقات اکتفا می شود مگر این که بدانند مراد وی اجیرگرفتن از بلد است، مثل این که پولی تعیین کرده که مناسب با نیابت از بلد است، در این صورت باید از شهر نایب گرفته شود.

مسئله 107: اگر وصیت کند که برای «حجة الإسلام» نایب گرفته شود و اجرت را نیز تعیین نموده باشد، عمل به این وصیت واجب است و هزینه اش از اصل مال برداشته می شود در صورتی که بیش از «اجرة المثل» نباشد. و اگر بیش از «اجرة المثل» بود، تفاوتش از ثلث می باشد، مگر این که اجیری به «اجرة المثل» پیدا نشود که در این صورت تمام اجرت از اصل مال اخراج می گردد.

مسئله 108: هرگاه میت وصیت کند که از مال معینی برای او حج داده شود و وصی دانست که به آن مال خمس یا زکات تعلق گرفته، واجب است اول خمس یا زکات آن مال را داده و باقیمانده را در راه حج صرف نماید و چنانچه برای مصارف حج کافی نبود لازم است از اصل مال

برداشته شود، این در صورتی است که حج مورد وصیت، «حجۃ الإسلام» باشد.

مسئله 109: هرگاه بر اثر اهمال و سهل انگاری وصی یا وارث، مالی که موصی (وصیت کننده) برای حج تعیین کرده تلف شد، اهمال کننده ضامن است و باید از مال خودش نایب بگیرد. و اگر بر اثر اهمال و تقصیر قیمت مال تزلزل کرد و برای هزینه حج کافی نشد، اهمال کننده ضامن است و باید باقیمانده را تدارک نماید.

مسئله 110: در صورتی که حج بر ذمه متوفی ثابت بوده و شک دارند که انجام داده یا نه، از باب «حمل امر مسلم بر صحت» باید بگوییم که انجام داده است.

مسئله 111: به مجرد اجیر گرفتن برای میتی که حج بر ذمه او بوده، ذمه میت و وارث بری نمی شود بلکه لازم است حج انجام گردد. بنابراین اگر معلوم شود اجیر حج را چه با عذر و چه بدون عذر انجام نداده، واجب است دوباره اجیر گرفته شود و اگر نتوانند اجرت را از اجیر اول پس بگیرند (اجرت از اصل ترکه برداشته می شود و در صورتی که وصی یا وارث کوتاهی کرده باشند، ضامن اجرت خواهند بود.

مسئله 112: اگر اجیر متعدد شود، وارث مخیر است بین ارسال اجیری که کمترین اجرت را می گیرد - البته با احراز صحت عملش - و کسی که بیشتر می گیرد که از حیث فضیلت مناسب با شؤون متوفی است، و اگر ورثه راضی به زیاده نباشند یا در بین ورثه صغیر وجود داشته باشد، کسی را که کمتر می گیرد، بفرستد.

مسئله 113: هرگاه «حجۃ الإسلام» بر ذمه میت باشد و ترکه ای نداشته باشد، بر وارث واجب نیست برای او نایب بگیرد، اما مستحب است ولی میت نایب بگیرد.

مسئله 114: هرگاه میت برای حج وصیت نماید، اگر معلوم باشد که مراد «حجۃ الإسلام» است، هزینه ی آن باید از اصل مال میت برداشته شود مگر این که وصیت کرده باشد که از ثلث داده شود. و اگر معلوم شد که «حجۃ الإسلام» نیست یا مشکوک بود، باید هزینه از ثلث برداشته شود.

مسئله 115: هرگاه میت به حج وصیت نموده و شخص مخصوصی را برای بجا آوردن تعیین کرده

باشد، لازم است طبق وصیت عمل شود. پس اگر آن شخص قبول نکرد مگر این که زیادت از «اجرة المثل» به او بدهند، مقدار زیادی از ثلث یا با رضایت وارث از اصل مال برداشته می شود، و اگر ثلث وافی نباشد و ورثه هم به زیادی رضایت ندهند، دیگری را باید اجیر کرد.

مسئله 116: اگر کسی منزل خود را به مبلغی فروخته و با مشتری شرط کرده که آن مبلغ را بعد از مرگش در حج واجب مصرف نماید، عمل به این شرط لازم است و هزینه از اصل مال برداشته می شود.

مسئله 117: هرگاه وصی بعد از گرفتن اجرت حج از مال متوفی بمیرد و دانسته نشود که قبل از مرگش اجیر گرفته یا نه، چنانچه مدتی گذشته که امکان گرفتن نایب در آن مدت بوده از باب «حمل امر مسلم بر صحت» باید بگوییم نایب گرفته و اگر امکان گرفتن نایب در آن مدت نبوده، واجب است از مال وصی نایب گرفته شود.

مسئله 118: چنانچه مبلغی که برای حج در نظر گرفته شده بدون مسامحه و سهل انگاری در دست وصی تلف شود یا در سهل انگاری شک شود، وصی ضامن نیست و واجب است از بقیه مال متوفی، اجیر گرفته شود و اگر مال بین ورثه تقسیم شده باشد، در صورتی که «حجة الإسلام» باشد، باید از هر یک از ورثه به نسبت سهم الارث پس گرفته شود. و اگر غیر از «حجة الإسلام» باشد، باید از بقیه ثلث مال میت اجیر گرفته شود. و همین طور است حکم کسی که برای انجام حج نایب شده و پیش از انجام آن بمیرد و ترکه ای نداشته باشد، یا داشته باشد اما ورثه نایب هزینه را پس نمی دهند، اگر «حجة الإسلام» باشد، باید از اصل مال متوفی (منوب عنه) و اگر غیر «حجة الإسلام» باشد، از باقیمانده ثلث نایب دیگری گرفته شود.

مسئله 119: هرگاه نایب پیش از محرم شدن بمیرد، ذمه منوب عنه فارغ نمی شود و واجب است دوباره نایب بگیرند. و چنانچه بعد از احرام و دخول در حرم بمیرد، ذمه منوب عنه فارغ می شود. و اگر بعد از احرام و قبل از دخول در حرم بمیرد، بنابر احوط ذمه منوب عنه فارغ نمی شود و در این حکم فرق بین اقسام حج از «تمتع» و «قران» و «افراد» و «واجب» و غیر واجب نیست،

همان طور که بین اجیر و متبرع نیز فرقی نیست.

مسئله 120: هرگاه نایب بعد از احرام و بعد از دخول در حرم بمیرد، اگر برای فراغت ذمه منوب عنه یا برای حجی که بر مستأجر مستحب بوده است اجیر شده بود، استحقاق تمام اجرت را دارد. و اگر برای انجام اعمال حج اجیر شده بود، به نسبت عملی که انجام داده استحقاق اجرت را دارد. و چنانچه قبل از احرام بمیرد، استحقاق هیچ اجرتی ندارد. بلی اگر مقدمات داخل در متعلق اجاره باشد، به هر مقداری که از مقدمات انجام داده، استحقاق اجرت دارد.

مسئله 121: اگر برای «حج بذلی» اجیر شده و راهی تعیین نشده باشد، اجیر مخیر است از هر راهی که بخواهد برود. و چنانچه راهی تعیین شده باشد، عدول از آن راه به راه دیگری جایز نیست مگر این که بداند مستأجر برای این راه خصوصیتی در نظر ندارد، یا پس از عقد شرط را اسقاط کرده باشد.

مسئله 122: هرگاه برای انجام حج در سال معین بالمباشرة (شخصاً) اجیر شد، چنانچه برای دیگری در همان سال با قید مباشرت اجیر شود، اجاره دوم باطل است. و اگر برای دو نفر اجیر شد و قید مباشرت نبود و یا قید سال معینی نبود، هر دو اجاره صحیح است و در صورت اول دیگری را می فرستد و در صورت دوم در دو سال حج را انجام می دهد.

مسئله 123: چنانچه اجیر شد که در سال معینی حج را انجام دهد، جز با رضایت مستأجر حق تقدیم و تأخیر آن را ندارد. و چنانچه تقدیم یا تأخیر نمود، اگر نظر مستأجر به خصوص آن سال است طوری که اگر در آن سال معین حج انجام نمی شد، کسی را برای حج اجیر نمی کرد استحقاق اجرتی ندارد و اجاره از اصل باطل می شود. و اگر چنین نبود یعنی نظر مستأجر به انجام اصل حج، قطعی است، چه در این سال و چه سال های دیگر، اما برای سال معین مزیتی قائل بوده، استحقاق اجرت پیدا می کند و مستأجر می تواند به او اجرة المثل بدهد.

مسئله 124: هرگاه اجیر به علت جلوگیری دشمن یا به جهت بیماری نتواند اعمال حج را انجام دهد، حتی اگر بعد از احرام و دخول در حرم باشد، حج بر ذمه اجیر باقی خواهد ماند.

مسئله 125: هرگاه نایب کاری انجام دهد که موجب کفاره شود، باید از مال خودش کفاره را پرداخت نماید.

مسئله 126: اگر هزینه حج از اجرت تعیین شده بیشتر شود، بر مستأجر واجب نیست کمبود را جبران نماید، کما این که اگر اجرت زیادتز از هزینه حج باشد، واجب نیست اجیر زیادی را پس بدهد، گرچه هریک از جبران و پس دادن مستحب است.

مسئله 127: اگر کسی برای حج واجب یا مستحب اجیر شده باشد و قبل از مشعر، حج خود را به وسیله جماع باطل نماید، یعنی پس از آن که برای حج در مکه احرام بست، در مکه یا عرفات جماع نمود، باید آن حج را به آخر برساند و این حج ذمه منوب عنه را بری می کند و بر نایب واجب است در سال بعد حج نموده (و قصد نیابت و ما فی الذمه هم لازم نیست) و یک شتر کفاره بدهد و استحقاق اجرت را پیدا می کند، چه در آینده حج را انجام بدهد یا نه و چه اجاره مقید به سال معینی باشد یا نباشد. حکم متبرع نیز همین است.

مسئله 128: اجیر به عقد اجاره اجرت را مالک می شود، اما واجب نیست پیش از عمل، اجرت را به او پرداخت کنند، مگر این که از اول شرط کرده باشند که اجرت را پیش از عمل بدهند، یا این که قرینه ای - بر پرداخت قبل از عمل - در بین باشد، چنان که در مورد نیابت حج معمول است که اجرت را قبل از اعمال می گیرند. در این گونه موارد لازم است اجرت را پیش از عمل بدهند.

مسئله 129: در عقد اجاره (چنانچه قراردادی و قرینه ای در بین نباشد) باید اجیر شخصاً عمل حج را، در همان سال اول انجام دهد و حق واگذاری به دیگری یا به سال بعد را ندارد مگر با اذن صریح یا ظاهر مستأجر.

مسئله 130: کسی که وقتش کم است و نمی تواند اعمال عمره تمتع را کاملاً انجام دهد، سپس اعمال حج تمتع را بجا آورد و مجبور می شود به «حج افراد» عدول نماید، نمی تواند از طرف کسی که حج تمتع بر ذمه اوست، اجیر شود.

مسأله 131: اگر وقت اجیر وسعت داشت و می توانست اعمال عمره تمتع و حج تمتع را انجام دهد اما بر اثر پیشامدی برای حج تمتع وقت تنگ شد به طوری که مجبور شد از عمره تمتع به «حج افراد» عدول نماید و بعدا عمره مفرده بجا آورد، ذمه منوب عنه بریء می شود و اجیرهم مستحق اجرت خواهد شد.

مسأله 132: در حج مستحبی، یک نفر می تواند به جای چند نفر حج نماید اما در حج واجب جایز نیست یک نفر به جای دو نفر یا بیشتر حج نماید و باید نیابت تنها از طرف یک نفر باشد، مگر در صورتی که حج بر دو نفر یا بیشتر به شرکت واجب شده باشد، مثل این که دو نفر یا بیشتر نذر کنند با شرکت یکدیگر، کسی را برای حج اجیرنمایند.

مسأله 133: چند نفر نایب می توانند در یک سال به نیابت از یک نفر - مرده یا زنده، به طور تبرعی یا اجاره - حج مستحبی بجا آورند و همچنین است حج واجب اگر متعدد باشد (و منوب عنه توانایی جسمی نداشته باشد یا مرده باشد، مثل این که بر شخصی به نذر دو حج واجب شده باشد، یعنی دو مرتبه نذر کرده یا این که یک بار نذر کرده و «حجة الإسلام» هم بر ذمه اش بوده و برای هر کدام، یک نفر نایب می گیرد. و اگر یکی از آن دو حج واجب و دیگری مستحب باشد نیز حکم همین طور است.

مسأله 134: نایب پس از انجام اعمال حج نیایی، می تواند برای خود یا دیگری عمره مفرده یا طواف انجام دهد.

مسأله 135: انسان نمی تواند برای انجام عمره مفرده، بعد از عمره تمتع و قبل از حج، نایب شود. همچنین نمی تواند بین عمره تمتع و حج آن، برای خودش عمره مفرده بجا آورد. و اگر از روی جهل یا عصیان، عمره مفرده انجام داد، حج او صحیح است و دومی عمره تمتع به حساب می آید.

مسأله 136: زنی که پاک نشده است و نمی تواند از همراهان خود جدا شود، برای طواف زیارت و طواف نساء و نماز آنها نایب می گیرد و سعی را خودش انجام می دهد.

مسأله 137: انجام حج برای کسی که مستطیع نیست ولی با قرض و غیره می تواند حج بجا آورد، مستحب است.

مسأله 138: کسی که «حجة الإسلام» را انجام داده، مستحب است مکرراً حج انجام دهد و همچنین مستحب است تیزی از طرف خویشاوندان یا دیگران، طواف همراه با نماز و یا حج کامل انجام دهد، مرده باشند یا زنده.

مسأله 139، به خصوص مستحب است از طرف معصومین علیهم الصلاة والسلام طواف همراه با نماز و یا حج کامل انجام دهد.

مسأله 140: پس از اتمام اعمال حج و در موقع بازگشت از مکه معظمه مستحب است که قصد بازگشت به حج نماید که موجب زیادی عمر است و مکروه است قصد عدم مراجعت کند که موجب کوتاهی عمر می شود.

مسأله 141: مستحب است انسان به کسانی که حج نرفته اند هزینه حج را پرداخت کند و آن ها را به حج بفرستد و به جای «حجة الإسلام» آنان حساب می شود.

مسأله 142: زیاد خرج کردن در حج مستحب است.

مسأله 143: اذن زوج در حج استحبابی برای زوجه شرط است و برای عبد اذن مولی و برای اولاد اذن ابوین. گرچه منع آن ها موجب مریض شدن در دنیا و حسرت بزرگ در آخرت است، همان گونه که در روایات وارد شده است.



مسأله 144: حج بر سه قسم است:

1- «حج تمتع».

2- «حج افراد».

3- «حج قران».

مسأله 145: حج تمتع وظیفه کسانی است که وطن آنان شانزده فرسخ (حدود 88 کیلومتر) یا بیشتر با مکه معظمه فاصله دارد.

مسأله 146: «حج افراد» و «حج قران» وظیفه کسانی است که با مکه معظمه کمتر از شانزده فرسخ فاصله داشته باشند، یا اهل خود مکه معظمه باشند.

مسأله 147: این حکم در «حجة الإسلام» است، اما حجی که بوسیله نذر مقید به یکی از این سه شده باشد، یا حجی که به جای حج واجب باطل شده باشد، باید طبق نذر یا حج فاسد شده انجام شود. اما در سایر اقسام حج، از واجب و مستحب بین هریک از اقسام سه گانه مخیر است، گرچه انتخاب حج تمتع افضل است.

مسأله 148: کسی که وطنش بیشتر از شانزده فرسخ از مکه معظمه فاصله داشته باشد و مقیم مکه شود و از اقامتش دو سال گذشته باشد، باید «حج قران» یا «حج افراد» انجام دهد. و اگر هنوز دو سال نشده است، باید حج تمتع انجام دهد. و در این حکم فرقی نیست بین این که قصد تون یا مجاورت داشته باشد یا نه، و پیش از استطاعت مقیم شده باشد یا پس از آن.

مسأله 149: کسی که مقیم مکه معظمه شده، قبل از گذشت دو سال اگر بخواهد

حج تمتع انجام دهد باید به میقات مربوط به وطن اولیه اش برود و از آن جا برای عمره تمتع احرام ببندد و سپس در ادنی الحل (مثلاً تنعیم) تجدید نیت نماید. این حکم در مورد حج تمتع مستحبی که اهل مکه معظمه می خواهند انجام دهند نیز جریان دارد.

مسأله 150: کسی که دارای دو وطن است، یکی کمتر از مسافت یاد شده و دیگری بیشتر از آن، حج را طبق وطنی که بیشتر در آن اقامت دارد انجام دهد و در صورت تساوی مخیر است، گرچه حج تمتع افضل می باشد.

ص: 38

## 1- حج تمتع

### اشاره

مسأله 151: حج تمتع عبارت است از دو عبادت:

اول: عمره تمتع.

دوم: حج تمتع.

و واجب است عمره را در حج تمتع پیش از حج بجا آورد.

### اعمال عمره تمتع

مسأله 152: اعمال عمره تمتع پنج چیز است:

1- احرام در یکی از میقات ها (که بیان خواهد شد).

2- طواف دور خانه خدا (کعبه معظمه).

3- بجا آوردن دو رکعت نماز طواف پشت حضرت ابراهیم نبی علیه السلام.

4- سعی (رفت و آمد) بین صفا و مروه.

5- تقصیر گرفتن مقداری از مو یا ناخن) پس از سعی.

### اعمال حج تمتع

مسأله 153: اعمال حج تمتع سیزده چیز است:

1- احرام بستن از مکه معظمه به شرحی که می آید.

2- وقوف (بودن) در عرفات از اول ظهر روز عرفه (نهم ذی الحجة) تا مغرب و حرکت از عرفات در هنگام شب به مشعر.

3- وقوف (بودن) در مشعر الحرام (مزدلفه) از طلوع فجر روز عید قربان (دهم ذی الحجة) تا طلوع آفتاب و ماندن در مشعر در شب دهم تا طلوع فجر بنا بر احتیاط واجب.

4- رمی جمره عقبه (زدن سنگ ریزه) در منی روز عید قربان.

5- قربانی کردن در منی (روز عید قربان).

6- تراشیدن سر یا گرفتن مقداری از مو یا ناخن در منی که با این عمل هر آنچه با احرام براو

ص: 39

حرام شده حلال می شود، مگر زن و بوی خوش و نیز شکار کردن بنا بر احتیاط لازم.

7- طواف (حج) دور خانه خدا پس از بازگشت به مکه معظمه.

8- دو رکعت نماز طواف حج تمتع پشت مقام ابراهیم علیه السلام.

9- سعی بین صفا و مروه و با این عمل بوی خوش نیز حلال می شود.

10- طواف نساء دور خانه خدا بر همه حجاج، مرد و زن، بالغ و نابالغ.

11- دو رکعت نماز طواف نساء پشت مقام ابراهیم علیه السلام، با این عمل زن نیز حلال می شود.

12- بیتوته (ماندن شب) در منی، شب یازدهم و دوازدهم، بلکه شب سیزدهم در بعضی موارد که بیانش خواهد آمد.

13- رمی سه جمره (صغری، وسطی، عقبه) در روز یازدهم و دوازدهم و در روز سیزدهم در صورتی که شب سیزدهم را در منی بماند بنا بر احتیاط لازم.

### شرایط حج تمتع

مسأله 154: شرایط حج تمتع چند چیز است:

1- نیت، که از اول شروع به احرام عمره قصدش این باشد که حج تمتع را بجا می آورد، قربة إلى الله تعالی، پس اگر نیت دیگری نمود. تقیید-یا تردید در نیت داشت، حش باطل است و اگر نیت کند حج واجب را بجا می آورم و می داند که تمتع است کافی است.

2- باید عمره و حج هر دو با هم در ماه های حج (شوال، ذی القعدة، ذی الحجة) انجام شود، پس اگر تمام عمره تمتع یا از آن قبل از شوال انجام شود باطل است.

3- باید حج تمتع و عمره تمتع در یک سال انجام شود، پس اگر عمره تمتع را در یک سال بجا آورد و حج تمتع را به سال دیگر تأخیر اندازد، حج تمتع نخواهد بود و در این حکم فرقی نیست که تا سال آینده در مکه معظمه بماند یا به وطن رفته و مجدداً بازگردد. و نیز فرق نمی کند که در احرام عمره تمتع بماند (یعنی تقصیر را انجام نداده باشد) یا از احرام خارج شده باشد.

4- باید احرام برای حج تمتع-نه عمره آن- در حال اختیار از خود مکه معظمه باشد. و بهتر

است که احرام از مسجد الحرام باشد و در مسجد هم بهتر است نزد مقام ابراهیم یا در حجر اسماعیل علیهما السلام باشد.

5- باید مجموع اعمال عمره تمتع و حج تمتع را یک نفر برای یک نفر انجام دهد، پس اگر دو نفر برای انجام عمره و حج تمتع از طرف یک نفر اجیر شوند که یکی عمره تمتع و دیگری حج تمتع را انجام دهد، صحیح نخواهد بود. همچنین اگر یک نفر عمره تمتع را برای کسی و حج تمتع را برای دیگری انجام دهد، صحیح نخواهد بود.

### چند مسأله

مسأله 155: واجب است عمره تمتع قبل از حج تمتع انجام شود.

مسأله 156: انسان پس از انجام عمره تمتع و با نزدیک شدن روز نهم ذی الحجه باید خود را برای اعمال حج تمتع آماده کند.

مسأله 157: بیرون رفتن از مکه در اثناء عمره تمتع جایز نیست. همچنین است بیرون رفتن از مکه پس از عمره تمتع و پیش از حج تمتع. مگر این که ناچار باشد و بیم نرود که به اعمال حج نرسد. پس در این حال واجب است از مکه محرم شده و بیرون رود، سپس با همان احرام به مکه برگشته و از مکه رهسپار عرفات شود. و اگر نتواند به مکه برگردد، از همان جا که هست به عرفات برود.

مسأله 158: اگر کسی پس از انجام عمره تمتع بدون احرام از مکه بیرون رفت و از میقات گذشت، در صورت دارد: اول آن که بازگشتش به مکه معظمه قبل از ماه خروجش باشد، در این صورت لازم است بدون احرام به مکه معظمه بازگشته و از مکه برای حج تمتع احرام ببندد. دوم: آن که بازگشتش به مکه بعد از ماه خروجش باشد که در این صورت لازم است احتیاطاً برای عمره تمتع محرم شود و عمره تمتع را تجدید نماید، سپس برای حج احرام ببندد و مقصود از ماه در اینجا سی روز است.

مسأله 159: کسی که وظیفه اش حج تمتع است نمی تواند به «حج افراد» یا «قران» عدول نماید،

مگر آن که پس از شروع به عمره تمتع وقتش به اندازه ای تنگ شود که نتواند عمره را تمام نماید و خود را به حج برساند، در این صورت نیت را از عمره تمتع به «حج افراد» برگردانده و عمره را ترک نموده و اعمال «حج افراد» را بجا آورد و پس از انجام حج، عمره مفرده بجا آورد.

مسئله 160: میزان در تنگی وقت، بیم از دست رفتن وقوف اختیاری عرفات است، مثلاً: اگر صبح روز نهم ذی الحجة با احرام از میقات به نیت عمره تمتع وارد مکه معظمه شود و بخواهد عمره تمتع بجا آورد، اما برای ظهر عرفه (که اول وقت وقوف اختیاری در عرفات است) نمی تواند خود را به عرفات برساند، باید نیت احرام عمره را به احرام «حج افراد» تبدیل نموده و به عرفات رفته و اعمال «حج افراد» را به پایان برساند و پس از آن عمره مفرده انجام دهد و مجزی از حجة الإسلام خواهد بود.

مسئله 161: کسی که وظیفه اش حج تمتع است، چنانچه پیش از شروع به احرام عمره تمتع بداند که بر اثر تنگی وقت نمی تواند عمره تمتع را تمام نماید، نمی تواند به «حج افراد» یا «قران» عدول کند، بلکه واجب است سال آینده حج بجا آورد.

مسئله 162: هرگاه برای عمره تمتع در سعه وقت احرام بست و طواف و سعی خود را عمداً تا زمانی به تأخیر انداخت که نتواند آنها را انجام بدهد و حج را درک نماید، معصیت کرده و عمره اش باطل است و باید به «حج افراد» عدول نماید، یعنی با همان احرامی که به نیت عمره بسته، به نیت «افراد» به عرفات برود و اعمال حج را انجام دهد و گوسفند هم در «حج افراد» لازم نیست، لکن باید بعد از حج، عمره مفرده انجام دهد و بنابر احتیاط واجب سال بعد حج تمتع بجا آورد.

## 2- حج افراد

### کیفیت «حج افراد»

مسئله 123: «حج افراد» عملی است مستقل و جداگانه و وظیفه اهل مکه معظمه و کسانی است که از شانزده فرسخ با مکه فاصله دارند و اگر بتواند علاوه بر «حج افراد»، عمره مفرده را بجا

آورد، عمره مفرده نیز به طور جداگانه بر او واجب خواهد بود. و چنانچه بتواند هر دو را انجام دهد، واجب است هر دو را انجام دهد و فرقی ندارد کدام یک را مقدم بدارد.

مسأله 164: در تمام اعمال، حج تمتع با «حج افراد» مشترک است مگر در این موارد:

1- حج تمتع باید پس از عمره تمتع در یک سال و متصل به هم انجام شود و این اتصال بین (شوال، ذی القعدة و ذی الحجة) باشد، ولی «حج افراد» همراه با عمره مفرده در یک سال باشد.

2- در حج تمتع قربانی واجب است و در «حج افراد» قربانی واجب نیست.

3- در «حج افراد» در حال اختیار می توان طواف و سعی حج را بر وقوفین مقدم نمود، ولی در حج تمتع در حال اختیار نمی توان این کار را کرد.

4- احرام «حج افراد» باید از منزل حاجی یا یکی از مواقیت پنجگانه عمره تمتع باشد، ولی احرام حج تمتع از خود مکه معظمه است.

### 3-حج قران

#### کیفیت حج قران

مسأله 165: «حج قران» در تمام اعمال با «حج افراد» یکسان است مگر در دو جهت:

1- قربانی در «حج قران» واجب است، اما در «حج افراد» واجب نیست و حاجی هنگام «حج قران» باید قربانی را همراه داشته باشد.

2- احرام در «حج افراد» فقط با تلبیه تحقق پیدا می کند، ولی در «حج قران» هم با تلبیه محقق می شود و هم با اشعار (علامت گذاشتن؛ بدین صورت که طرف راست کوهان شتر را بشکافد و آن را آغشته به خورش کند) و یا تقلید (چیزی به گردن حیوان قربانی آویزان کردن) و پس از بستن احرام برای «حج قران» عدول به حج تمتع جایز نیست.





برای انجام کلیه اعمال حج و عمره، نیت لازم است. مقصود از نیت: قصد بجا آوردن اعمال است قربة إلى الله تعالی، مثلا چنین نیت می کند: حج تمتع بجا می آورم و در ابتدا عمره تمتع انجام می‌دهم، قربة إلى الله تعالی.

### تفصیل اعمال عمره تمتع

#### 1- احرام

### اشاره

مسأله 197: اولین عمل از اعمال عمره تمتع احرام است و احرام باید از میقات های خاص بسته شود.

### میقات های احرام

مسأله 168: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جاهایی را برای بستن احرام حج یا عمره تعیین فرموده اند که هر یک از آنها را «میقات» نامیده اند و واجب است احرام در آن جا بسته شود و در حال اختیار جایز نیست بدون احرام از آن جا به مکه معظمه عبور کند. «میقات ها» عبارتند از:

مسأله 169: مسجد شجره (ذوالحلیفه) در حومه مدینه منوره که میقات اهل مدینه و هر کسی است که بخواهد از مدینه به حج رود. بنابر احتیاط واجب اگر بتوان از درون مسجد و گرنه جایز است در بیرون مسجد، محاذی و برابر آن، در طرف راست یا چپ باشد، برای کسی که به طرف مکه معظمه ایستاده باشد محرم شود. و نام مسجد شجره «آبار علی علیه السلام» است یعنی چاه هایی که به دست امیرالمؤمنین علی علیه السلام حفر و برای حجاج وقف شده است.

مسأله 170: کسی که از راه مدینه به مکه برای حج می رود و به مسجد شجره می رسد و میقات دیگری بین راه به نام «جحفه» دارد، جایز نیست از مسجد شجره بی احرام بگذرد و از «جحفه» احرام ببندد، مگر این که شخص بیمار یا ضعیف و مانند آن باشد که نتواند از مسجد احرام ببندد.

مسأله 171: شخص جنب و حیض نمی توانند وارد مسجد شجره بشوند و احرام ببندند مگر در

حال عبور، یعنی از دربی داخل و از درب دیگر خارج شوند و در حال عبور احرام ببندند. در غیر این صورت باید بیرون از مسجد و در محاذات آن محرم شوند، یعنی مسجد را طرف راست یا چپ خود قرار دهند.

مسأله 172: وادی عقیق: میقات اهل عراق و نجد و هر کسی است که از آن جا عبور کند هر چند اهل عراق و نجد نباشد. و این میقات دارای سه قسمت است: اول: مسلخ که جزء اول آن است. دوم: غمره نام وسط آن . سوم: ذات عرق آخر آن.

مسأله 173: احتیاط استحبابی این است که اگر مانعی از قبیل بیماری و تقیه ندارد از غمره احرام بسته شود و تا ذات عرق به تأخیر نیافتد.

مسأله 174: محرم شدن در ذات عرق در حال تقیه واجب است و در این صورت اگر پیش از آن محرم شود، گناه کرده و صحت احرام او محل اشکال است و باید در ذات عرق دوباره محرم شود.

مسأله 175: جحفه: میقات اهل شام و مصر و مغرب و هر کسی است که از آن جا عبور کند هر چند اهل آن جا نباشد. این در صورتی است که از میقات قبل (مسجد شجره) محرم نشده باشد.

مسأله 176: یلملم: نام کوهی است و میقات اهل یمن و هرکسی است که از آن جا عبور کند.

مسأله 177: قرن المنازل: میقات اهل طائف و هر کسی است که از آن جا عبور کند.

مسأله 178: مکه معظمه: میقات حج تمتع است - نه عمره آن - و همچنین میقات «حج قران» و «افراد» برای اهل مکه می باشد.

مسأله 179: منزل خود شخص: میقات کسی است که منزلش به مکه مکرمه از میقات نزدیکتر باشد و مجاور هم نباشد. چنین شخصی می تواند از منزل خود احرام ببندد و لازم نیست برای احرام به یکی از میقات های دیگر برود، گرچه مستحب است احتیاطا از منزل خود احرام ببندد و در میقات تجدید نماید. و چنانچه در منزل دارد یکی قبل از میقات و دیگری بعد از میقات، احوط احرام از میقات است. و اگر مجاور است و حج تمتع انجام می دهد، بنابر احتیاط واجب باید به یکی از میقات ها بلکه میقات اهل خود رفته و محرم شود.

مسأله 180: جعرانه: میقات برای مجاورین مکه و آن کسانی است که بیش از دو سال در مکه معظمه هستند برای «حج افراد» و «قران». هر چند مستحب است که برای احرام عمره مفرده یا حج تمتع به میقات برگردند.

مسأله 181: محاذات یکی از مواقیت پنجگانه اولیه، برای کسی است که عبورش از هیچ یک از مواقیت نباشد.

مسأله 182: ادنی الحل: یعنی نزدیک ترین جای بیرون حرم و آن مسجد تنعیم و حدیبیه و جعرانه است. میقات است برای کسی که در مکه معظمه باشد (خواهد مجاور و یا غیر مجاور) و بخواهد عمره مفرده انجام دهد. گرچه مستحب است که مجاور از میقات اهلس (جعرانه) محرم شود.

مسأله 183: فح: میقات بچه هایی است که از مدینه منوره بیایند و در مسجد شجره محرم نشده باشند و اگر از راه های دیگر بیایند، باید از میقات های مربوطه احرام ببندند.

مسأله 184: احرام بستن پیش از میقات جایز نیست.

### احکام میقات ها

مسأله 185: احرام بایستی از میقات بسته شود و عبور از میقات در حال احرام کفایت نمی کند، و از این حکم دو مورد استثنا شده است:

1- آن که نذر نماید که پیش از رسیدن به میقات از محل معینی محرم شود، در این صورت قبل از میقات احرام صحیح است و نیازی به تجدید آن در میقات یا در عبور از میقات نیست، و در این حکم بین احرام حج واجب و مستحب و یا عمره مفرده فرقی نیست. گرچه بهتر است در میقات دوباره محرم شود خصوصا اگر جایی که نذر کرده از مکان های مقدس مانند کوفه باشد. و فرق در احرام حج یا عمره واجب یا مستحب نیست، ولی در حج باید در ماه های حج باشد.

2- کسی که قصد دارد عمره مفرده را در ماه رجب انجام دهد و بیم داشته باشد که اگر احرام را از میقات ببندد، موفق به درک عمره نشود، جایز است قبل از میقات محرم شود. گرچه بقیه اعمال را در ماه شعبان بجا آورد.

مسئله 186: می توان با نذر از جده محرم شد و اگر کسی نذر کرد که پیش از میقات احرام ببندد ولی خلاف نذر خود از میقات احرام بست، احرام وی باطل نیست. ولی اگر عمدا خلاف نذر رفتار کرده باشد، کفاره مخالفت نذر بر او واجب می شود.

مسئله 187: همان طوری که تقدیم احرام بر میقات جایز نیست، تأخیر آن از میقات نیز جایز نمی باشد، پس کسی که قصد حج یا عمره یا دخول مکه معظمه را دارد، جایز نیست در حال اختیار بدون احرام از میقات عبور نمایند، هر چند میقات دیگری در پیش داشته باشد و هرگاه بدون احرام و به غیر عمد از میقات عبور کرد، واجب است به میقات برگردد و محرم شود، مگر این که میقاتی در پیش داشته باشد، مثل این که از مسجد شجره بدون احرام گذشته ولی جحفه در پیش است که احرام در آن کافی است.

مسئله 188: هرگاه مکلف از روی علم و عمد بدون احرام از میقات بگذرد، چنانچه امکان دارد، واجب است به میقات برگردد. و چنانچه امکان برگشت نیست و در مسیرش میقات دیگری هست، از آن محرم شود، هر چند گناه کرده است. و اگر میقات دیگری در پیش نباشد، احرامش در غیر میقات کافی نبوده و علی الأقوی حج او باطل می باشد و قضای آن واجب است.

مسئله 189: هرگاه انسان به جهت فراموشی یا ندانستن مسئله، از میقات محرم نشد و از آن جا گذشت، بنا بر احتیاط هر وقت عذرش برطرف شد - در صورتی که مقصر نباشد - واجب است به میقات برگردد و محرم شود و چنانچه برگشتن به میقات ممکن نباشد، از هر جا که به میقات نزدیک تر است محرم شود، مثلا اگر داخل حرم شده، باید تا هر جا که می تواند از حرم دور شده و محرم شود و اگر امکان خروج از حرم را نداشته باشد، از هر جا که برایش ممکن است باید محرم شود، داخل مکه معظمه شده باشد یا نشده باشد.

مسئله 190: اگر زن حیض از روی ندانستن مسئله بدون احرام از میقات گذشت، باید طبق مسئله قبلی رفتار نماید.

مسئله 191: اگر مکلف به کلی احرام را فراموش کرد یا جاهل به مسئله بود یا این که احرام را در

جایی غیر از میقات به تصور اینکه میقات است، انجام داد تا این که تمام اعمال عمره را به پایان رساند، عمره او محل اشکال است.

مسأله 192: کسی که وطنش بیش از شانزده فرسخ از مکه معظمه دور باشد، وقتی می خواهد حج یا عمره انجام دهد، باید از یکی از میقات ها محرم شود، و اگر راهش به هیچکدام از مواقیت برخورد نداشت، باید از محاذات یکی از آنها محرم شود.

مسأله 193: کسی که مقیم مکه معظمه است اگر بخواهد حج تمتع انجام دهد، واجب است به میقات برود . برای عمره تمتع احرام ببندد و اگر رفتن به میقات برایش ممکن نباشد، حکم او حکم کسی است که احرام را فراموش کرده و بیان آن گذشت.



مسأله 194: کسی که قصد حج تمتع دارد و عمره تمتع را انجام داده است، باید از مکه معظمه محرم شود و به عرفات برود و اگر عالما و عامدا از جای دیگری غیر از مکه محرم شد، احرامش صحیح نخواهد بود، هرچند با احرام وارد مکه شود، بلکه در صورت امکان واجب است احرام را در مکه تجدید نماید. در غیر این صورت حجش باطل است.

مسأله 195: کسی که می خواهد حج تمتع انجام دهد، اگر فراموش کند محرم شود و بدون احرام به عرفات برود، باید در صورت امکان به مکه برگردد و محرم شود و اگر امکان برگشت نباشد، در هر جا که ممکن است -حتی در عرفات- از همان محرم شود، و جاهل به مسأله نیز همین حکم را دارد.

مسأله 196: کسی که احرام حج را به کلی فراموش کرده نموده و تا پایان اعمال حج به خاطرش نیاید، حجش صحیح است و همچنین است حکم جاهل به مسأله.

## واجبات احرام

### اشاره

مسأله 197: واجبات احرام سه چیز است:

اول: پوشیدن لباس احرام.

دوم: نیت.

سوم: تلبیه.

### 1- پوشیدن لباس احرام

مسأله 198: اول از واجبات احرام: پوشیدن دو جامه احرام (آزار و رداء) پس از کندن لباس هایی است که پوشیدن آن ها بر محرم حرام می باشد.

مسأله 199: پوشیدن لباس احرام باید پس از بیرون آوردن لباس هایی که پوشیدن آن بر محرم حرام است، باشد، مگر نابالغ که جایز است در محل «فخ» (در حومه مکه) لباس هایش را در نیاورد و نیز بنا بر احتیاط واجب باید پیش از نیت و تلبیه، آن ها را بپوشد و چنانچه پیش از پوشیدن نیت کرد و تلبیه گفت، باید پس از آن اعاده نماید.

مسأله 200: بنا بر احتیاط لازم باید در بیرون آوردن لباس های خود و پوشیدن جامه احرام،



قصد قربت کرده و ازار را به گردن نبندد و نیز سنگ یا شیشه آن در دو جامه نگذاشته، آنها را به یکدیگر گره نزنند و دو طرف رداء را روی هم نگذارد و یا چیزی از آنها را به هم نبندد. و باید از سوراخ کردن رداء و بیرون آوردن سر از آن خودداری کند.

مسئله 201: بنا بر احتیاط لازم نباید دانسته و عمدی در لباس عادی محرم شود. و چنانچه فراموش کرد یا حکم را نمی دانست و در لباس عادی محرم شد، باید فوراً آن را بیرون آورد و احرام او صحیح است. همچنین است اگر پس از احرام لباسی بپوشد، ولی باید آن را از طرف پا در آورد، هر چند با شکافتن یقه و پاره کردن آن.

مسئله 202: پوشیدن دو جامه احرام واجب تعبدی است و شرط تحقق احرام نیست و کیفیت مخصوصی برای آن نیست، اما احوط پوشیدن آن به نحو متعارف می باشد.

مسئله 203: هرگاه از روی فراموشی یا ندانستن مسئله بدون این که لباس های قبلی را بیرون بیاورد لباس احرام را بپوشد، پس از توجه باید لباس های قبلی را بیرون بیاورد و احرامش صحیح است. و اگر پس از پوشیدن لباس احرام، لباس های قبلی خودش را از روی فراموشی یا ندانستن پوشید، پس از توجه باید لباس عادی را بیرون بیاورد و احرامش صحیح خواهد بود.

مسئله 204: پوشیدن بیش از دو لباس احرام، در اول احرام یا بعد از آن، برای جلوگیری از سرما یا گرما و غیر اینها اشکالی ندارد.

مسئله 205: آنچه در لباس نمازگزار شرط است در دو جامه احرام نیز شرط می باشد. بنابراین لازم است لباس احرام مباح و پاک باشد و نجس بودن آن به نجاستی که در نماز بخشوده است، اشکالی ندارد و چنانچه نجس شد لازم است فوراً تطهیر و یا تعویض شود و چنانچه تطهیر یا تعویض نشود، معصیت انجام شده ولی احرام صحیح است.

مسئله 206: لباس احرام نباید از حریر خالص باشد حتی برای زنان. همچنین نباید از اجزاء حیوان حرام گوشت باشد. نباید برای مردان زربافت باشد و همچنین ازار و رداء نباید بدن نما باشد.

مسئله 207: احتیاط لازم این است زن محرم هر چه از حریر خالص باشد، نپوشد.

مسأله 208: بنا بر احتیاط لازم جامه احرام باید بافتنی باشد نه مصنوعی. و نباید پوست و نمد و مانند آن باشد.

مسأله 209: تنها مردان واجب است دو جامه رداء و ازار را بپوشند ولی زنان می توانند در لباس های عادی خود که شرایط لباس احرام را دارد محرم شوند.

مسأله 210: چنانچه یکی از جامه های احرام یا هر دو بعد از احرام بستن نجس شود، احتیاط واجب این است که هر چه زودتر عوض کرده یا تطهیر کند.

مسأله 211: واجب نیست جامه های احرام را دائما بپوشد و برداشتن آنها برای ضرورت یا غیر آن مثل عوض کردن یا شستن و امثال آن اشکالی ندارد. همچنان که عوض کردن آن در صورتی که رداء دیگری دارای شرایط ذکر شده وجود داشته باشد، جایز است. ولی بهتر و احتیاط غیر لازم آن است که در موقع طواف، همان جامه هایی را بپوشد که در آن ها محرم شده است.

## 2- نیت

مسأله 212: دوم از واجبات احرام: نیت می باشد و در آن چند چیز معتبر است که بدون آنها احرام صحیح نخواهد بود.

1- قصد قربت، یعنی به جهت این که خدا فرموده است محرم می شوم.

2- نیت که همزمان با شروع در احرام باشد.

3- تعیین نوع احرام که برای کدام عمره، یا کدام حج واجب یا مستحب و حجة الإسلام یا نذر است و یا اگر واجب به افساد است باید تعیین شود و بدون تعیین نیت احرام باطل است و اگر از طرف کسی است باید تعیین کند.

مسأله 213: در صحت نیت داعی بر آن کافی است و گفتن به زبان و گذراندن از قلب لازم نیست، گرچه مستحب است در اینجا نیت را بر زبان بیاورد و بگوید: احرام می بندم برای عمره تمتع از «حجة الإسلام» قربة إلى الله تعالی.

مسأله 214: در صحت احرام، مجرد عزم بر ترک محرمات از اول تا آخر احرام کافی است، یعنی اگر

اول احرام قصدش ترک محرمات باشد گرچه تا آخر ادامه پیدا نکند، احرامش باطل نخواهد شد.

### 3- تلبیه

مسأله 215: سوم از واجبات احرام: تلبیه است، یعنی گفتن این جمله:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».

و احتیاط لازم اضافه نمودن این جمله است:

«إِنَّ الْحَمْدَ، وَالنَّعْمَةَ، لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».

پس تلبیه کامل چنین است:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».

خدایا! مکررا فرمان تو را اطاعت می کنم. برای توشریکی نیست. به درستی که ستایش تو را سزا است و نعمت و ملک و پادشاهی از آن توست، شریکی برای تو نیست.

مسأله 216: قرائت تلبیه فقط یک بار واجب است و بدین وسیله احرام منعقد می شود، ولی مستحب است تلبیه را تکرار کند هنگامی که از خواب برمی خیزد و بعد از هر نماز واجب، و به هنگام سوار شدن و در هر پستی و بلندی. و مستحب است هنگام سحر بسیار تلبیه بگوید حتی اگر جنب یا حائض باشد.

مسأله 217: در صحت احرام، عزم بر ترک استمناء و جماع معتبر است. همچنین است عزم بر ترک دیگر محرمات احرام و ترک عملی که حج یا عمره را فاسد می کند، بنابر احتیاط لازم. پس اگر از ابتدای احرام قصدش این باشد که پیش از وقوف به مشعر استمناء کند، یا با عیال خود جماع (نزدیکی) نماید، یا در انجام و ترک این دو عمل مردد باشد، احرامش باطل است. و همین طور است محرمات دیگر احرام، بنابر احتیاط لازم. اما اگر از ابتدا عزم بر ترک این امور داشت، ولی بعد از احرام قصد انجام دادن یکی از آن ها را کرد، احرامش باطل نیست.

مسأله 218: مستحب است در عمره تمتع تلبیه را قطع نکند تا این که خانه های مکه معظمه

را مشاهده نماید. و در حج تمتع مستحب است تا زوال روز عرفه (روز نهم) تلبیه را قطع نکند.

مسئله 219: اگر فراموش کند در مکان احرام (میقات) تلبیه بگوید و بعد از گذشتن از میقات به یاد آورد، در صورت امکان باید به میقات بازگردد و اگر نمی تواند از همان جا تلبیه بگوید و احرامش صحیح خواهد بود. و چنانچه داخل محدوده حرم شده است، باید در صورت امکان خارج شود و تلبیه را بگوید.

مسئله 220: بر مکلف لازم است الفاظ تلبیه را یاد گرفته و با قرائت عربی صحیح ادا نماید (مانند قرائت نماز) هر چند با تلقین دیگری باشد، یعنی کسی با قرائت صحیح ادا نموده و این شخص از زبان او گرفته و صحیح ادا نماید. پس اگر این الفاظ را با قرائت صحیح یاد نگرفت و تلقین نیز برایش ممکن نبود، واجب است آنچه را که می تواند بگوید و بنا بر احتیاط مستحب در این صورت جمع کند بین گفتن به میسور و گفتن ترجمه آن ها و نایب گرفتن دیگری که به جای او بگوید.

مسئله 221: شخص گنگ و لال باید با انگشت خود به تلبیه اشاره نموده و زبان خود را حرکت دهد و اولی این است که علاوه بر آنچه انجام داده است، نایب هم بگیرد که این کلمات را به نیابت او به طور صحیح ادا نماید.

مسئله 222: برای شخص بی هوش و بچه غیر ممیز، دیگری به نیابت تلبیه بگوید. گرچه اگر شخص بیهوش قبل از اعمال به هوش آمد، احتیاط واجب آن است که خودش به میقات برگردد و از آن جا محرم شود.

مسئله 223: احرام حج تمتع و احرام عمره تمتع و احرام «حج افراد» و احرام عمره مفرده بدون تلبیه محقق نمی شود. اما احرام «حج قران» بدون «اشعار» و «تقلید» نیز محقق نمی شود گرچه تلبیه گفتن واجب است.

مسئله 224: «اشعار» عبارت است از پاره کردن کوهان شتر و احوط و افضل پاره کردن طرف راست کوهان است و اولی این است که محرم در حال قیام اشعار کند و بدن شتر را خون آلود کند.

مسئله 225: «تقلید قربانی» عبارت از این است که نعلین کهنه ای که با آن نماز خوانده به

مسأله 226: لازم نیست تلبیه هم زمان با نیت احرام و پوشیدن لباس احرام باشد بلکه احوط چنین است و تأخیر تلبیه از نیت احرام و پوشیدن لباس احرام جایز است.

مسأله 227: در سخت احرام، طهارت از حدث اصغر و اکبر شرط نیست و احرام شخص بی وضو و جنب یا زن حائض و نفساء اشکالی ندارد. ولی جنب و حائض و نفساء باید در مسجد و در حال عبور و بی توقف احرام ببندند گرچه غسل احرام بر همه مستحب است.

مسأله 228: تلبیه (با اشعار یا تقلید در «حج قران») برای تحقق احرام به منزله تکبیرة الإحرام برای نماز است و احرام بدون آن ها محقق نمی شود. پس هرگاه نیت احرام نموده و لباس احرام پوشیده اما هنوز تلبیه نگفته (یا در حج قران، اشعار یا تقلید نکرده) احرام محقق نشده و انجام محرمات احرام کفاره نخواهد داشت.

مسأله 229: کسی که می خواهد از مدینه منوره به مکه معظمه برود، مستحب است تلبیه را تا «بیداء» (زمینی که تقریباً دو کیلومتر بعد از مسجد شجره خارج از مدینه واقع شده است)، آهسته بگوید و از آن به بعد مستحب است جهرا (بلند) بگوید. و کسی که از راه های دیگر به مکه معظمه می رود، مستحب است مقداری از راه آهسته تلبیه گفته و سپس جهرا بگوید. و نیز مستحب است تلبیه را در موقع احرام و پوشیدن لباس احرام آهسته بگوید، و کسی که می خواهد از مکه به عرفات برود، مستحب است تلبیه را تا رقطاع (نام محله ای است در مکه) آهسته و از آن به بعد جهرا بگوید.

مسأله 230: در عمره تمتع هنگامی که چشمش به خانه های مکه معظمه می افتد احتیاط غیر لازم این است که تلبیه را قطع کند و در عمره مفرده چنانچه خارج از حرم احرام بسته، هنگام ورود به حرم تلبیه را قطع کند و اگر داخل مکه بود و برای احرام خارج شد، وقتی چشمش به کعبه معظمه افتاد، تلبیه را قطع کند و عموم حجاج از ظهر روز عرفه تلبیه نگویند.

مسأله 231: اگر بعد از پوشیدن لباس احرام و پیش از گذشتن از میقات شک کند که تلبیه

گفته با نه، بنا را بر نگفتن بگذارند و تلبیه بگویند و اگر بعد از گفتن تلبیه شک کند صحیح گفته با نه، بنا بر صحت بگذارند و احرام و عملش صحیح است.

## تروک احرام

### اشاره

مسأله 232: هرگاه مکلف احرام بست، بیست و پنج چیز بر او حرام می شود که آنها را تروک احرام می نامند:

- 1- شکار حیوان صحرائی .
- 2- جماع (نزدیکی با زن .
- 3- بوسیدن زن.
- 4- دست زدن به زن.
- 5- نگاه کردن به زن.
- 6- استمناء
- 7- عقد نکاح.
- 8- استعمال بوی خوش .
- 9- پوشیدن لباس دوخته بر مردان .
- 10- سرمه کشیدن .
- 11- پوشیدن آنچه روی پا را بپوشاند مانند جوراب بر مردان .
- 12- نگاه کردن در آینه .
- 13- دروغ گفتن.
- 14- مجادله کردن .
- 15- کشتن شپش و مانند آن.
- 16- زینت کردن .

17- روغن مالی.

ص: 57

18- کندن موی بدن.

19 - پوشاندن سر بر مردان .

20- پوشاندن صورت بر زنان به وسیله نقاب.

21- زیرسایه رفتن بر مردان .

22- خارج نمودن خون از بدن.

23- دندان کشیدن.

24- ناخن گرفتن.

25- همراه داشتن اسلحه .

و تفصیل این امور در چند مسأله ذکر می شود .

## 1- شکار حیوان صحرائی

### اشاره

مسأله 233: بر محرم شکار حیوان صحرائی حرام است. داخل حرم باشد یا خارج حرم، البته شکار در حرم مطلقاً حرام است، چه برای محرم و چه برای غیر محرم و کمک به شکارچی نیز حرام است هرچند با اشاره باشد و فرقی ندارد که شکارچی محرم باشد یا غیر محرم .

مسأله 234: خوردن گوشت شکار بر محرم حرام است، چه خودش او را شکار کرده و ذبح نموده باشد یا کسی که محل بوده شکار کرده و ذبح نموده باشد، چه این ذبح در حرم واقع شده باشد یا در غیر حرم.

مسأله 235: ملخ در حکم حیوان صحرائی است و برای محرم، گرفتن و شکار و خوردنش حرام است .

مسأله 236: جوجه و تخم حیوانات صحرائی حکم خود حیوانات را دارد، پس شکار جوجه یا کمک به شکارش و دلالت و راهنمایی دیگری برای شکار و خوردن آن، بر محرم حرام است. و نیز برداشتن تخم و خوردن و کمک و اشاره به برداشتن آن حرام می باشد.

مسأله 237: احکام شکار مختص به حیوان صحرائی است و به شکار حیوانات دریایی و اهلی (مانند گوسفند و شتر و غیره) جریان ندارد.



مسأله 238: کشتن درندگان برای محرم جایز نیست، مگر وقتی که به انسان حمله کنند یا این که از آنها بترسد، اما کشتن افعی و مار بزرگ سیاه و مارهای گزنده، عقرب، موش، کلاغ، کرکس و باز شکاری، جایز است و کشتن این قسم حیوانات کفاره ندارد.

مسأله 239: محرمی که از کلاغ و باز شکاری بترسد، می تواند به آن تیراندازی کند و اگر کشته شد کفاره ندارد.

### کفاره شکار و کشتن حیوانات

مسأله 240: کفاره کشتن شتر مرغ و یا بچه شتر مرغ، یک شتر است. و افضل جزور (نوعی شتر) است. و کفاره کشتن گاو وحشی، یک گاو و کفاره کشتن خر وحشی، یک شتر (بدنه) یا یک گاو است، گرچه احتیاط لازم دادن شتر (بدنه) است. و کفاره کشتن آهو و خرگوش، یک گوسفند است. و کفاره کشتن روباه، یک گوسفند است و کفاره کشتن موش صحرائی و خارپشت و سوسمار، یک بزغاله است و کفاره کشتن غظایه (نوعی مارمولک) یک مشت طعام می باشد.

مسأله 241: کاره محرمی که در بیرون حرم کبوتر یا مانند آن شکار کرده و کشته است یک گوسفند، و کفاره جوجه آن یک میش کوچک و یا یک بزغاله است، بنابر احتیاط لازم کفاره شکستن تخم آن یک درهم می باشد. و کفاره غیر محرمی که در حرم کبوتر یا مانند آن کشته یک درهم و کفاره جوجه آن نیم درهم و کفاره تخم ن ربع درهم می باشد. و محرمی که در حرم کبوتر یا مانند آن یا جوجه اش را کشته یا تخمش را شکسته است، باید دو کفاره بدهد یکی برای شکار و دیگری برای محرم بودن. و حکم تخم پرنده ای که جوجه در آن حرکت کرده مانند جوجه است.

مسأله 242: اگر شکاری کرده که کفاره اش یک شتر است، چنانچه از تهیه شتر عاجز شد، باید قیمت آن را گندم خریده و بین فقرا تقسیم نماید و چنانچه شصت فقیر را اطعام نماید، کفایت می کند و به هر یک 750 گرم گندم بدهد، گرچه هزینه اطعام از قیمت شتر کمتر باشد.

و

چنانچه از این نیز عاجز شد هجده روز روزه بگیرد و لازم نیست این هجده روز پی در پی باشد.

مسأله 243: اگر كفاره گوسفند باشد و از پرداخت آن عاجز شود، ده فقیر را اطعام نماید و اگر عاجز شد، سه روز روزه بگیرد.

مسأله 244: كفاره شكار قطة (سنگ خوار) و كبك و دراج و مانند آن يك بره است كه از شیر گرفته شده و علف خوار باشد. و كفاره شكار گنجشك و قنبره (چكاوك) و صعوة (سنگانه) و مانند آن يك مد (تقریباً سه ربع كيلو) گندم یا جو یا نان و مانند اینها است. و بنا بر احتیاط لازم يك بره از شیر گرفته شده است. و كفاره كشتن ملخ يك عدد خرما و كفاره كشتن بیشتر از يك ملخ، يك مشت گندم و مانند آن و كفاره كشتن تعداد زیادی ملخ، يك گوسفند است.

مسأله 245: اگر كفاره شتر باشد و یافت نشود، باید شصت مسکین را اطعام نماید، برای هر مسکین دو مد و اگر نتوانست يك مد (ده سیر كه همان 750 گرم است) طعام بدهد، و اگر نتوانست باید شصت روز روزه بگیرد، و اگر نتوانست هجده روز روزه بگیرد. و اگر كفاره، گاو باشد و یافت نشود، باید قیمت گاو را به سی مسکین اطعام نماید، و چنانچه نتوانست نه روز روزه بگیرد. و چنانچه كفاره، گوسفند باشد و یافت نشود یا نتواند تهیه کند، باید ده مسکین را اطعام نماید و اگر نتوانست باید سه روز روزه بگیرد و مستحب است سه روز متوالی روزه بگیرد.

مسأله 246: كشتن عمدی زنبور مقداری طعام كفاره دارد مگر برای دفع اذیت باشد كه كفاره ندارد .

مسأله 247: اگر در راهی ملخ زیاد است، محرم باید از راه دیگری برود تا آن را نکشد، و اگر نتواند این کار را بکند كه خواه ناخواه ملخ پایمال می شود اشکالی ندارد.

مسأله 248: اگر جماعتی در كشتن شکاری شرکت کردند بر هر يك از آنها پرداخت كفاره جداگانه ای واجب می باشد.

مسأله 249: كفاره خوردن شكار مانند كفاره خود شكار است. بنابراین اگر محرم شکاری کرد و آن را خورد، باید دو كفاره بدهد، یکی برای شكار و دیگری برای خوردن آن.

مسأله 250: اگر کسی شکاری همراه داشته باشد و داخل حرم شود، باید آن را رها کند و چنانچه

آن را رها نکرد تا این که مرد، باید کفاره بدهد، بلکه نسبت به کسی که قبل از احرام شکاری کرده و بعداً محرم شده است نیز این حکم جاری است، یعنی باید بعد از احرام شکار را رها کند، هر چند داخل حرم نشده باشد.

مسئله 251: در وجوب کفاره کشتن شکار و خوردن آن فرقی نیست که از روی عمد باشد یا سهویاً به جهت ندانستن مسئله .

مسئله 252: با تکرار شکار، کفاره نیز مکرر می شود.

## 2- جماع

مسئله 253: نزدیکی با زنان (جماع) پس از احرام و قبل از شروع به اعمال عمره و نیز در اثناء عمره تمتع و عمره مفرده و حج تمتع و پس از آن و پیش از خواندن نماز طواف نساء؛ بر محرم حرام است.

مسئله 254: پس از آن که محرم طواف نساء و نماز آن را بجا آورد، زن بر او حلال می شود، و همچنین پس از اتمام اعمال عمره تمتع.

مسئله 255: همان طور که زن بر مرد محرم حرام است، مرد نیز بر زنی که در حال احرام است، حرام می باشد.

مسئله 256: اگر در عمره تمتع بعد از سعی و پیش از تقصیر از روی علم و عمد با زن نزدیکی نماید، کفاره اش یک شتر جزور یعنی بزرگ است و اگر عاجز از شتر است، کفاره آن یک گاو و اگر از آن نیز عاجز است، یک گوسفند می باشد، ولی عمره اش صحیح است. اما اگر این عمل پیش از سعی بود، عمره اش باطل می شود و کفاره دارد و در صورت امکان باید اعاده نماید.

مسئله 257: اگر کسی که احرام حج بسته، قبل از وقوف در مشعر از روی علم و عمد، با عیال خود از جلویا عقب نزدیکی نماید؛ حج او و حج آن زن در صورتی که محرم و عالم و راضی به این عمل باشد، باطل می شود و بر هر یک واجب است حج را تمام کرده و کفاره داده و حج را در سال بعد اعاده کند، چه حج آنان واجب باشد چه مستحب. اما اگر زن مجبور بر این عمل بوده، حش فاسد نمی شود و کفاره نیز بر او واجب نیست و بر مرد دو کفاره واجب می شود. و کفاره

این عمل در صورت تمکن یک شتر و چنانچه نتواند یک گاو و گرنه یک گوسفند است و واجب است بین آن زن و مرد از جای وقوع این عمل در این حج و حجه که بعدا اعاده می کنند جدایی باشد تا آن که پس از وقوفین به آن محل برسند. و هرگاه هنگام رفتن به عرفات از منی عبور کند و جماع نماید، لازم است تا وقت نحر در منی از هم جدا باشند، و احتیاط واجب این است که جدایی تا پایان اعمال حج باشد.

مسئله 258: هرگاه محرم بعد از وقوف در مزدلفه از روی علم و عمد با زن نزدیکی نماید، چنانچه پیش از طواف نساء باشد، کفاره بر او واجب می شود و حجه فاسد نیست و چنانچه بعد از طواف نساء باشد و قبل از نماز آن، کفاره ندارد و حج نیز صحیح است.

مسئله 259: هرگاه در عمره مفرده از روی علم و عمد پیش از سعی با زن نزدیکی نماید، عمره اش باطل و کفاره اش یک شتر است و واجب است این عمره را تمام نموده و تا یک ماه در مکه بماند سپس به یکی از میقات ها رفته و از آن جا برای عمره دوم محرم شود. و مجددا برای انجام عمره مفرده محرم شود و دوباره تمام اعمال را بجا آورد. و چنانچه این عمل بعد از طواف نساء و قبل از نماز طواف بوده، عمره صحیح است و کفاره ای ندارد، و چنانچه بعد از سعی و قبل از تقصیر باشد، عمره باطل نیست ولی کفاره اش یک شتر است و همین احکام در عمره تمتع نیز جریان دارد.

مسئله 260: کسی که از احرام درآمده، اگر با زن خود که محرم است نزدیکی نماید، کفاره بر زن واجب می شود، ولی مرد باید غرامت آن را بدهد و کفاره اش یک شتر است.

مسئله 261: محرمی که از روی ندانستن مسئله یا فراموشی با زن خود نزدیکی نماید، عمره و حجه صحیح است و کفاره ای بر او واجب نمی شود. و این حکم نسبت به سایر محرماتی که موجب کفاره است و بیان می شود نیز جاری است، مگر در موارد زیر:

الف. آن که طواف حج را فراموش نموده و با عیال خود نزدیکی نماید، یا مقداری از سعی را در عمره تمتع فراموش کند و با عیال خود نزدیکی نماید، یا ناخن های خود را بگیرد به خیال این که

احرامش تمام شده، و یا آن که بعد از سعی و قبل از تقصیر به جهت ندانستن حکم با زن خود نزدیکی کند.

ب. کسی که دست خود را بی خود بر سر و ریش خود بکشد و یک مو یا بیشتر از آن بیفتد.

ج. آن که از روی نادانی بدن خود را روغن مالی کند. و حکم این ها در جایش می آید.

### 3- بوسیدن

مسأله 262: سوم از محرمات احرام: بوسیدن زن است.

مسأله 263: جایز نیست محرم از روی علم و عمد از روی شهوت زن خود را ببوسد و چنانچه او را با شهوت بوسید و از او من خارج شد، لازم است یک شتر کفاره بدهد و اگر از روی شهوت بوسید و منی خارج نشد، بنابر اقوی کفاره یک شتر است، و اگر بوسیدن از روی شهوت نبود، کفاره اش یک گوسفند است.

### 4- لمس

مسأله 264: چهارم از محرمات احرام: لمس زن است.

مسأله 265: شخص محرم نباید جایی از بدن خود را به بدن زنش از روی شهوت بمالد، و چنانچه این عمل را انجام داد باید یک شتر کفاره بدهد.

### 5- نگاه کردن به زن و ملاحظه با او

مسأله 266: هرگاه محرم از روی شهوت به زن خود نگاه کند یا با او ملاحظه و شوخی نماید و منی از او بیرون بیاید، باید یک شتر کفاره بدهد، ولی اگر از روی شهوت نگاه کند و من از او بیرون نیاید یا بدون شهوت نگاه کند و منی خارج شود کفاره ندارد. و چنانچه به زن اجنبی نگاه کند و منی از او خارج شود، باید در صورت تمکن یک شتر و اگر نتواند یک گاو و گرنه یک گوسفند کفاره بدهد، چه از روی شهوت نگاه کرده باشد چه بدون شهوت. و اگر منی از او بیرون نیاید کفاره ندارد، هر چند از روی شهوت نگاه کرده باشد، گرچه کار حرامی مرتکب شده است.

مسأله 267: محرم می تواند به غیر از آنچه گفته شد از زن خود لذت ببرد، مانند سخن گفتن، اگر چه از روی شهوت باشد ولی احتیاط غیر لازم این است که از وی هیچ گونه لذتی نبرد.

مسأله 268: چنانچه عمدا به زن نامحرم نگاه کند و منی از او بیرون بیاید چه از روی شهوت باشد یا نباشد و چه قصد بیرون آمدن منی داشته یا نداشته باشد، چنانچه از لحاظ اقتصادی دارا باشد، کفاره اش یک شتر و اگر متوسط الحال باشد، یک گاو و اگر فقیر باشد یک گوسفند می باشد. و اگر منی بیرون نیاید گرچه معصیت کرده ولی کفاره ندارد.

مسأله 269: نگاه به زنی که به انسان محرم است بدون شهوت اشکالی نداشته و کفاره ندارد .

مسأله 270: زن در تمامی این احکام مانند مرد است و نمی تواند به مرد از روی شهوت نگاه کرده یا او را لمس نماید یا ببوسد.

## 6- عقد نکاح

مسأله 271: عقد نکاح چه برای خود باشد یا دیگری، عقد دائم یا موقت، آن دیگری محرم باشد یا نباشد.

مسأله 272: اگر شخصی . محرم و غیر محرم . برای زن و مرد محرمی عقد نماید و زوج محرم دخول به زن نماید، چنانچه هر سه نفر آنها مسأله را بدانند، بر هر کدام، یک شتر کفاره است و عقد باطل بوده و حرمت ابدی دارد علاوه بر بقیه احکام جماع که قبلا ذکر شد.

مسأله 273: اگر این عمل از روی جهل به مسأله یا فراموشی یا غفلت یا اضطرار انجام شود کفاره ندارد.

مسأله 274: اگر محرم برای خودش زنی را عقد کند همان حکم قبلی را دارد (از نظر علم و جهل و...) و اگر برای زن و مرد غیر محرم عقد را انجام دهد باطل است و محرم در صورت علم باید یک شتر کفاره بدهد.

مسأله 275: بر محرم حضور در مجلس عقد و همچنین شاهد شدن برای عقد حرام است و همچنین بنا بر احتیاط بر محرم حرام است که خواستگاری کند، اما اگر به زن مطلقه رجعیه رجوع نماید اشکالی ندارد.

## 7- استمناء

مسأله 276: هرگاه محرم با آلت خود بازی نمود و منی از او بیرون آمد معصیت کرده، و عرق او عرق جنب از حرام است. و اگر استمناء در احرام حج پیش از وقوف در مشعر باشد حجتش باطل می شود، و باید این حج را تا آخر بجا آورد و در سال بعد اعاده کند. و اگر این عمل را در عمره مفرده قبل از فارغ شدن از سعی انجام دهد عمره اش باطل می شود، و باید این عمره را به پایان برساند و یک ماه در مکه توقف نموده سپس به یکی از میقات ها رفته و از آن جا برای عمره مفرده احرام ببندد. و كفاره استمناء مانند كفاره جماع است. و چنانچه محرم بدون بازی با آلت خود، استمناء کند (مثل این که نگاه به زن بکند یا در نظر بیاورد) حج و عمره اش فاسد نمی شود، هرچند كفاره بر او واجب می شود. و احتیاط واجب اعاده حج و عمره است.

## 8- بوی خوش

مسأله 277: استعمال بوی خوش حتی زعفران و عود و عنبر و مشک و ورس، به بوییدن یا خوردن یا مالیدن بر بدن، بر محرم حرام است و كفاره آن یک گوسفند است. و با تکرار آن كفاره مکرر خواهد شد، بنابر احتیاط لازم. و همچنین پوشیدن لباسی که اثری از بوی خوش در آن باشد حرام است، هرچند مثل جوراب و عرقچین باشد.

مسأله 278: خوردن میوه های خوشبو مانند سیب و به جایز است، ولی نباید هنگام خوردن آنها را بو کند. و باید از خوردن دارچین و زنجبیل و مثل آن اجتناب کند، بنابر احتیاط لازم.

مسأله 279: بر محرم واجب نیست هنگام سعی بین صفا و مروه اگر در محل سعی بوی خوش باشد بینی خود را ببندد. ولی احتیاط واجب است که در غیر حال سعی، بینی خود را از هر بوی خوشی ببندد. و نیز اگر ناچار به استفاده از بوی خوش یا پوشیدن لباسی که بوی خوش می دهد شد، اشکال ندارد ولی بنابر احتیاط لازم از بوییدن آن خودداری نماید.

مسأله 280: بر محرم حرام است که بینی خود را از بوی بد بگیرد. و اگر چنین کرد باید به اندازه سیرکردن گرسنه صدقه بدهد، ولی تند رفتن به خاطر خلاصی از بوی بد حرام نیست.

## 9- پوشیدن لباس دوخته برای مردان

مسأله 281: پوشیدن پیراهن و عبا و عمامه و کلاه و عرقچین و شلوار و زیر شلواری و جامه دکمه دار و هر جامه ای که آستین دار باشد، بر مرد محرم حرام است. همچنین مرد محرم باید از هر جا دوخته، بلکه شبیه دوخته مانند نمدی که چوپان ها می پوشند، و بنابر احتیاط لازم از پوشیدن هر چیز دوخته گرچه جامه نباشد اجتناب کند. و پوشیدن کمربندی که پول در آن گذاشته می شود جایز است. و همچنین بستن فتق بند اشکالی ندارد. و جایز است محرم هنگام خوابیدن با لحاف و دیگر چیزهای دوخته تن خود را بپوشاند به شرط آن که آن را به خود نپیچد، ولی پوشیدن سر جایز نیست.

مسأله 282: بنابر احتیاط لازم محرم نباید ازار را به گردن خود- بلکه مطلقا -گره بزند، هر چند با فرو بردن سنجاق و شبیه آن در ازار، بعضی از آن را بعضی دیگر متصل کنند، و رداء را نیز نباید گره بزند.

مسأله 282: پوشیدن لباس دوخته هر طور که باشد برای زنان مانعی ندارد، مگر دستکش که نباید آن را بپوشند.

مسأله 283: اگر محرم لباسی را که پوشیدن آن حرام است عمدا بپوشد، باید یک گوسفند کفاره بدهد، بلکه بنابر احتیاط لازم در صورت ناچاری نیز باید کفاره بدهد.

## 10- چکمه و جوراب

مسأله 284: پوشیدن چکمه یا کفش یا جوراب و یا هر چیزی که روی پایا قسمت بیشتر از آن را بپوشاند بر مرد محرم حرام است و کفاره اش یک گوسفند است، بنابر احتیاط لازم. ولی زن می تواند آن را بپوشد. و اگر ضرورت داشت که مرد محرم کفش یا جوراب بپوشد، باید بنابر احتیاط واجب روی آن را بشکافد.

## 11- سرمه کشیدن

مسأله 285: یازدهم از محرمات احرام: سرمه کشیدن است.

مسأله 286: سرمه کشیدن چهار صورت دارد:

1- سرمه سیاه به چشم بکشد به قصد زینت.



2- سرمه سیاه به چشم بکشد اما به قصد زینت نباشد بلکه برای تقویت نور چشم و مانند آن باشد.

3- سرمه غیر سیاه به چشم بکشد و به قصد زینت، این سه قسم حرام است. و بنابر احتیاط لازم در هر یک از این ها کفارداش یک گوسفند است.

4- سرمه سیاه به چشم بکشد و به قصد غیر زینت، حرام نیست به شرطی که زینت به حساب نیاید.

## 12- نگاه در آینه

مسئله 287: دوازدهم از محرمات احرام: نگاه کردن در آینه به قصد زینت است.

مسئله 288: نگاه محرم در آینه به قصد زینت حرام است و کفاره آن بنابر احتیاط لازم یک گوسفند است و بنابر احتیاط واجب باید تلبیه را دوباره بگوید، ولی اگر به منظور زینت نباشد (مانند راننده که با نگاه در آینه می خواهد پشت سر یا دو طرف خود را ببیند) اشکالی ندارد.

مسئله 289: نگاه کردن در آب طاف که صورت را نشان می دهد و هر چیزی که مانند آن است چه از مایعات باشد چه غیر آن، اشکالی ندارد. همچنین عینک زدن اگر برای زینت نباشد مانعی ندارد گرچه احتیاط غیر لازم ترک آن است.

## 13- دروغ و دشنام

مسئله 290: سیزدهم از محرمات احرام دروغ و دشنام است.

مسئله 291: دشنام و دروغ چه در حال و چه در غیرش حرام است، اما در حال احرام حرمتش شدیدتر است. بلکه نبودن آن در تحقق حج اعتبار شده است.

مسئله 292: بر شخص محرم مفاخرت نمودن حرام است، یعنی فضائل خویش را اظهار نموده از دیگری سلب کند، یا رذائل را برای دیگری اثبات نموده از خود سلب نماید، اما مفاخرت اگر به حق باشد و توهین دیگری را در بر نداشته باشد، حرام نیست.

## 14- جدال

مسئله 293: چهاردهم از محرمات احرام: جدال نمودن است.

مسأله 294: قسم خوردن به کلمه «لا والله» و «بلی والله» در مقام مخاصمه به هر لغتی بر محرم حرام است، البته در مقام ضرورت مانند اثبات حق یا از بین بردن باطل، قسم به این دو کلمه مانعی ندارد. و همچنین اگر قصدش تعظیم یا اظهار محبت باشد اشکالی ندارد، مثل این که بگوید تو را به خدا این کار را نکن.

مسأله 295: در صورتی که جدال کننده در مقام قسم، راستگو باشد، چنانچه دو مرتبه قسم بخورد معصیت کرده اما کفاره ندارد، بلکه به استغفار اکتفا می شود، و چنانچه سه بار یا بیشتر قسم بخورد، باید یک گوسفند کفاره بدهد. و اگر به دروغ قسم بخورد، بار اول کفاره اش یک گوسفند و بار دوم دو گوسفند و بار سوم یک گاو می باشد.

### 15- کشتن جانوران بدن

مسأله 296: پانزدهم از محرمات احرام: کشتن جانوران بدن است.

مسأله 297: کشتن شپش و کک و پشه و انداختن عمدی آنها از بدن، بر محرم حرام است و چنانچه انجام داد، واجب است به فقیری یک مشت طعام یا خرما کفاره بدهد، ولی جا به جا نمودن آنها مانعی ندارد، اگر در معرض سقوط نباشد بنا بر احتیاط مستحب.

### 16- زینت کردن و حنا گزاردن

مسأله 298: شانزدهم از محرمات احرام: زینت نمودن است و بنا بر احتیاط حنا گزاردن در حال احرام نیز حرام است.

مسأله 299: بستن ساعت به دست و به چشم گزاردن عینک در حال احرام اگر برای زینت نباشد اشکالی ندارد.

مسأله 300: پوشیدن انگشتر به قصد زینت بر محرم، چه زن و چه مرد حرام است، اما به قصد استحباب اشکالی ندارد.

مسأله 301: کفاره زینت نمودن بنا بر احتیاط یک گوسفند است و در پوشیدن انگشتر کفاره نیست.

### 17- مالیدن روغن

مسأله 302: هفدهم از محرمات احرام: مالیدن روغن به بدن است.

مسأله 303: محرم نباید تن خود را روغن مالی نماید هر چند خوشبو هم نباشد، مگر در حال اضطرار که حتی المقدور از روغن بدون بو باید استفاده شود.

مسأله 304: اگر از روی علم و عمد و بدون اضطرار روغن مالی نمود، کفاره اش یک گوسفند است و اگر حکم را نداند بنا بر احتیاط لازم کفاره آن اطعام یک فقیر است.

### 18- جدا نمودن مو

مسأله 305: هجدهم از محرمات احرام: جدا نمودن مواز بدن است.

مسأله 306: بر شخص محرم حرام است از بدن خود یا غیر، از روی علم و عمد مو جدا نماید به هر نحوی که باشد، مگر در چهار صورت:

1- شپش بدن زیاد شود.

2- ضرورت ایجاب کند که مو جدا شود مانند آن که بلندی مو و زیاد آن موجب سردرد یا ناراحتی او شود.

3- آن که مو در پلک چشم روئیده باشد که محرم را ناراحت نماید.

4- آن که مو هنگام وضو یا غسل خود به خود جدا شود.

مسأله 307: اگر محرم از روی ضرورت سر خود را بتراشد، کفاره اش یک گوسفند است، یا این که سه روز روزه بگیرد یا شش مسکین را اطعام کند. به هر یک دو مد (یک کیلو و نیم) طعام بدهد. و چنانچه از روی ضرورت این کار را نکرده باشد، کفاره آن گوسفند است. و اگر از روی علم و عمد موی غیر سر را بتراشد، چه تراشیدن آن در غیر وقت احرام جایز باشد (مثل موی زیر بغل) چه حرام باشد (مثل موی صورت)، بنا بر احتیاط کفاره اش یک گوسفند است و در صورت جهل به مسأله باید استغفار کند.

مسأله 308: چنانچه محرم سر یا بدن خود را به طوری که مویی از او نیفتد و خونی نشود، بخاراند، مانعی ندارد. و چنانچه دست به سر یا ریش خود بکشد و یک یا دو مواز آن بیفتد، باید یک مشت طعام صدقه بدهد.

## 19- پوشاندن سر برای مردان

مسئله 309: نوزدهم از محرمات احرام: پوشاندن سراسر بر مردان.

مسئله 310: بر مرد محرم حرام است سرش را بپوشاند به هر چیزی که باشد حتی اگر روی سرش چیزی را حمل کند که سرپوشیده شود - بنا بر احتیاط - و همچنین پوشاندن گوش ها جایز نیست، و جایز نیست محرم سرش را زیر آن فرو برد.

مسئله 311: شخص محرم می تواند با دست، سر خود را بپوشاند گرچه احوط ترک است و مسح سر هنگام وضو پوشاندن نیست. و قسمتی از سر را که هنگام خواب بر زمین می گذارد، اشکالی ندارد و زيردوش رفتن و آب بر سر ریختن جایز است.

مسئله 312: اگر از روی فراموشی سر خود را بپوشاند، باید فوراً پوشش را برطرف کند و کفاره بر او واجب نیست.

مسئله 313: هرگاه مرد محرم سر خود را بپوشاند چه عمدتاً و چه از روی اضطرار، کفاره اش یک گوسفند است.

## 20- پوشاندن صورت برای زنان

مسئله 314: بیستم از محرمات احرام: پوشاندن صورت است بر زنان .

مسئله 315: بر زن محرمه حرام است تمام صورت خویش را با نقاب یا چیزی مانند آن بپوشاند، اما پوشاندن مقداری از صورت در خواب و پوشاندن قسمتی از صورت که از باب مقمه به جهت پوشاندن سر برای نماز از اطراف پوشیده می شود، اشکالی ندارد.

مسئله 316: زن برای روگرفتن از نامحرم روسری را بر روی صورت تا بینی رها کند و تماس با صورت نداشته باشد و جدا از صورت باشد.

مسئله 317: کفاره پوشاندن صورت با نقاب و مانند آن که به صورت بچسبد برای زنان یک گوسفند می باشد.

## 21- زیر سایه رفتن برای مردان

مسئله 318: بیست و یکم از محرمات احرام: زیر سایه رفتن مردان است.

مسأله 319: برای مرد محرم حرام است هنگام سیر و حرکت زیر سایه برود، یا سایه بانی بر سر بگیرد، هر چند سایه سقف ماشین یا هواپیما و مانند اینها باشد، پیاده باشد یا سوار، شب باشد یا روز علی الأظهر.

مسأله 320: رفتن زیر سایه چیزی که روی سر نباشد اشکالی ندارد، مثل این که در کنار ماشین و مانند آن حرکت کند که از طرف چپ یا راست سایه بر او بیفتد.

مسأله 321: شخص محرم می تواند با دست خود جلو آفتاب را بگیرد و همچنین احرام در زیر سقف مسجد شجره اشکالی ندارد.

مسأله 322: در جایی که محرم منزل می نماید مثل قهوه خانه های بین راه، یا در عرفات و منی و همچنین وقتی به مکه معظمه می رسد حتی اگر منزلی تهیه نکرده، می تواند زیر سایه برود.

مسأله 323: وقتی محرم وارد مکه معظمه شد می تواند زیر سایه برود و ماشین سقف دار سوار شود و از چتر و مانند آن استفاده کند و همچنین است اگر از مسجد تنعیم برای عمره مفرده محرم شود، زیرا جزو شهر مکه می باشد.

مسأله 324: مرد محرم علی الأظهر جایز نیست کاری کند که فقط روی سرش سایبان نباشد و بقیه بدن سایه بان داشته باشد مثل این که به ماشین سقف دار سوار شود و سر خود را از شیشه بیرون بیاورد.

مسأله 325: محرم جایز است از زیر پل ها و تونل ها عبور کند و هنگامی که در عرفات یا منی منزل می کند جایز است در حال حرکت زیر سایه برود.

مسأله 326: کفاره زیر سایه رفتن یک گوسفند است. و فرق بین حال اختیار و اضطرار نیست. و چنانچه این عمل تکرار شود در هر احرام، یک کفاره لازم است. گرچه احتیاط مستحب این است که برای هر روز یک کفاره بدهد.

## 22- خون

مسأله 327: بیست و دوم از محرمات احرام: بیرون آوردن خون از بدن است.

مسأله 328: محرم نباید از بدن خود خون بیرون آورد، به دندان کشیدن یا آمپول یا ختنه باشد یا حجامت یا رگ زدن و مانند آن، حتی به مسواک کردن و خلال دندان و خاراندن، بنا بر احتیاط لازم. ولی برای رفع ضرورت یا اذیت مانعی ندارد و کفاره اش چه در حال اختیار و چه ضرورت یک گوسفند است، بنا بر احتیاط لازم. ولی دندان کشیدن بدون خونریزی کفاره ندارد.

### 23- ناخن گرفتن

مسأله 329: بیست و سوم از محرمات احرام: ناخن گرفتن است.

مسأله 330: بر محرم حرام است تمام یا قسمتی از ناخن خود را بگیرد مگر در صورتی که بقاء ناخن ضرر یا حرج داشته باشد (مانند این که ناخن کنده شده و ماندنش سبب ناراحتی می شود).

مسأله 331: کفاره گرفتن هر ناخن یک مد (معادل 750 گرم) طعام است و تا نه ناخن حکم همین است و اگر به ده رسید، یعنی تمام ناخن های دو دستش را در یک مجلس گرفت، باید یک گوسفند کفاره بدهد و چنانچه در یک مجلس تمام ناخن های دست و پا را . که مجموعاً بیست ناخن می شود - گرفت، باز کفاره یک گوسفند است و چنانچه در دو مجلس باشد یعنی در یک مجلس تمام ناخن های دست را گرفت و در مجلس دوم تمام ناخن های پا را، کفاره دو گوسفند است .

### 24- غسل به کافور

مسأله 332: بیست و چهارم از محرمات احرام: غسل دادن محرم میت به کافور است.

مسأله 333: جایز نیست کسی که در حال احرام مرده است با کافور حنوط نمایند، و به جای آن با آب قراح (آب مطلق) غسل می دهند و در نتیجه دو غسل با آب قراح و یک غسل با آب سدر داده می شود، و چنانچه انجام شود کفاره اش استحباباً یک گوسفند است.

### 25- همراه داشتن سلاح

مسأله 334: بیست و پنجم از محرمات احرام: برداشتن سلاح است.

مسأله 335: بر محرم پوشیدن اسلحه جنگی در حال اختیار حرام است و همچنین جایز نیست خود را مسلح نماید، حتی اگر با نشستن در داخل تانک و امثال آن باشد. و چنانچه ضرورت ایجاب نماید، حتی المقدور باید سلاح ظاهر نباشد مگر این که ضرورت در اظهار آن باشد.

مسأله 336: بنا بر احتیاط واجب کفاره برداشتن سلاح در حال اختیار، یک گوسفند است.

## کارهایی که انجام آنها در حرم بر محرم و غیر محرم حرام است

### 1- شکار

مسأله 337: شکار در حرم بر هر مرد و زنی که در آن است حرام است.

### 2- کندن درخت و گیاه و گندم

مسأله 338: کندن و بریدن هر چیزی که در محدوده حرم روییده باشد بر محرم و غیر محرم حرام است، مانند درخت و گیاه حرم.

مسأله 339: از این حکم چند مورد استثنا شده است: 1- اذخر که گیاه معروفی است. 2- نخل خرما و درخت میوه دار. 3- علف هایی که خوراک شتر است. 4- علف و درختی که در ملک یا خانه شخص می روید یا خود شخص آن را می کارد و می نشاند

مسأله 340: همان طور که کندن درخت و گیاه حرم بر محرم حرام است، کندن درخت و گیاه غیر حرم نیز تا زمانی که در احرام است بر او حرام می باشد.

مسأله 341: راه رفتن به نحو متعارف اگر چه موجب قطع بعضی از گیاهان حرم شود اشکال ندارد و همچنین رها کردن حیوانات چرنده برای چریدن اشکالی ندارد.

مسأله 342: کفاره کندن درخت قیمت همان درخت است. و کندن علف کفاره ندارد هر چند حرام است.

چند مسأله

مسأله 343: حدود حرم اطراف شهر مکه می باشد و یک برید در یک برید است و هر برید چهار فرسخ و هر فرسخ تقریباً پنج و نیم کیلومتر می باشد، البته از طرف شما مسجد تنعیم خارج از محدوده حرم است.

مسأله 344: آنچه را که باید محرم به جهت کفاره ذبح کند، اگر در احرام عمره بود، در مکه مکرمه ذبح نماید و اگر در احرام حج بوده، در منی ذبح کند و آن را به فقراي مؤمنین یا وکیل آنها بدهد.

مسأله 345: چنانچه در مکه معظمه یا منی، کفاره را ذبح نکرد یا در آن جا فقراي مؤمنین

نبودند، باید در شهر خود یا جای دیگر کفاره را ذبح کند و به فقراى مؤمنین بدهد.

## 2- طواف

### اشاره

مسأله 346: دوم از اعمال عمره تمتع: طواف خانه خداست، یعنی هفت مرتبه کعبه معظمه را دور بزند.

مسأله 347: همان طور که طواف در عمره تمتع واجب است، در حج تمتع، عمره و «حج قران» عمره و «حج افراد» و در عمره مفرده نیز واجب می باشد.

مسأله 348: این طواف (چه در عمره و چه در حج) از ارکان است و با ترک عمدی آن عمره و حج باطل می شود، برخلاف طواف نساء. و ترک طواف محقق می شود به: به تأخیر انداختن طواف تا زمانی که نتواند خود را به وقوف در عرفات برساند. و در فرض مذکور با بطلان عمره، احرام باطل نمی شود، و وظیفه لازم بر شخص تارک طواف در این صورت، عدول دادن نیت حج تمتع به «حج افراد» است و باید پس از حج، عمره مفرده بجا آورد و در سال بعد هم حج را اعاده کند، در صورتی که حتی این سال او حج واجب بوده است. و در صورتی که حج مستحب بوده، وجوب اعاده حج در سال بعد محل اشکال است.

### شرایط طواف

مسأله 349: در طواف چند چیز شرط است:

1- نیت.

2- طهارت از حدث اکبر و اصغر.

3- پاک بودن بدن و لباس.

4- ختنه کردن.

5- ستر عورت.

6- مباح بودن لباس و مرکب.

مسأله 350: شرط اول: نیت است و باید طواف قربة إلى الله تعالى انجام شود و بدون قصد قربت باطل است، البته به زبان آوردن آن لازم نیست گرچه مستحب است، پس می گوید:



طواف می کنم دور خانه کعبه هفت شوط برای عمره تمتع قربة إلى الله تعالى.

مسأله 351: شرط دوم: طهارت از حدث اکبر و اصغر می باشد (یعنی با وضو باشد و غسلی به گردش نباشد). البته این شرط در طواف عمره و حج لازم است و اما طواف مستحبی تنها - که مربوط به عمره و حج نیست - طهارت (با وضو بودن) در آن مستحب است، گرچه در نمازش لازم است (البته جنب یا حیض نمی تواند حتی طواف مستحب انجام دهد، زیرا وارد شدن به مسجد الحرام بر او حرام است). بنابراین طواف عمره یا حج بدون وضو یا غسل، اگر غسلی به گردش باشد، باطل است.

مسأله 352: زن مستحاضه چنانچه احکام استحاضه را رعایت نماید - همان طور که در احکام نماز بیان شده است - طوافش صحیح است.

مسأله 353: اگر شک کرد در طهارت حدثیه (یعنی نمی داند وضو گرفته یا نه، یا غسلی بر گردش بوده یا نه) چنانچه بعد از تمام شدن طواف باشد، طواف او صحیح است و اگر در اثناء باشد، چنانچه به طهارت پیش از طواف یقین داشته است، بنا را بر طهارت می گذارد و طواف را تمام می نماید و طوافش صحیح است. اما اگر قبلاً یقین داشته که محدث بوده و نمی داند که با طهارت وارد طواف شده یا نه، یا این که حالت سابقه را نمی داند، در این دو صورت بنا را بر حدث می گذارد. پس اگر طواف عمره یا حج است، باید آن را قطع نماید و طهارت تحصیل کند، و اگر طواف مستحبی تنها است، جایز است طواف را تمام نماید و صحیح خواهد بود.

مسأله 354: اگر بعد از طواف متوجه شود که طهارت نداشته، یعنی بدون وضو یا غسل بوده، در طواف واجب باید اعاده کند.

مسأله 355: کسی که نمی تواند وضو بگیرد یا غسل کند، مثلاً آب برای او ضرر دارد، باید تیمم نموده و طواف نماید.

مسأله 356: کسی که در میان طواف محدث شود، چنانچه پیش از رسیدن به نصف طواف باشد، طوافش باطل است و باید پس از طهارت آن را اعاده کند. و اگر بعد از تمام شدن دور

چهارم و بدون اختیار باشد، باید طواف را قطع کند و بعد از طهارت طواف را از همان جا که قطع نموده ادامه دهد. و اگر بعد از نصف طواف و قبل از تمام شدن دور چهارم، یا بعد از اتمام دور چهارم و اختیاری باشد، در این دو صورت باید بنا بر احتیاط واجب طواف را قطع نموده و بعد از طهارت، طواف را از همان جا که قطع کرده ادامه دهد و تمام کند و نماز طواف را بخواند و سپس طواف کامل و نماز طواف را اعاده نماید.

مسئله 357: چنانچه محرم در اثناء طواف متوجه شود که جنب یا حائض است، هر طوافی باشد چه واجب و چه مستحب، باید قطع نماید و فوراً از مسجد الحرام خارج شود.

مسئله 358: اگر زن در اثناء طواف واجب حائض شد، باید طواف را قطع نموده و از مسجد خارج شود و پس از پاک شدن و غسل نمودن برگردد و از اول شروع کند، و اگر تا وقت پاک شدن به خاطر عذری نتواند در مکه معظمه بماند تا خودش طواف را انجام دهد یا تکمیل کند، باید برای انجام وظیفه اش نایب بگیرد.

مسئله 359: چنانچه مکلف نتواند وضو بگیرد، اگر بداند بدون گذشتن وقت اتمام عمره و رفتن به عرفات می تواند وضو بگیرد، باید صبر کند و با وضو طواف نماید - و اگر نمی داند که می تواند - به این که وقت ضیق است، یا مانع از وضو تا زمانی که عمره را تمام کرده و خود را به عرفات برساند زایل نمی شود - باید تیمم نموده و طواف کند و اگر تیمم هم نمی تواند بکند، در صورتی که از توانایی بر تیمم ناامید شد، لازم است برای طواف نایب بگیرد و بنا بر احتیاط واجب خود نیز بدون طهارت طواف نماید.

مسئله 360: بر زن حائض و نفساء بعد از ایام حیض و نفاس و بر جنب واجب است که برای طواف غسل کنند و حائض و نفساء وضو هم بگیرند. و با وجود مانع از غسل و ناامید شدن از توانایی بر آن، واجب است تیمم کند و بنا بر احتیاط لازم باید نایب هم بگیرند تا از طرف آنها طواف نماید. و اگر از تیمم معذور باشند نایب گرفتن متعین است.

مسئله 361: زنی که پیش از احرام عمره تمتع حائض شد، اگر بداند تا حج پاک می شود، نیت

احرام عمره تمتع کند و چنانچه می داند تا حج پاک نمی شود، نیت «حج افراد» نماید و اگر شک دارد بنا بر احتیاط واجب باید احرام واجب را نیت کند - بدون تعیین عمره تمتع یا «حج افراد» - بنابراین اگر پیش از حج پاک شد، اعمال عمره تمتع را انجام دهد و از احرام درآید سپس برای حج محرم شود. و اگر پاک نشد با همان احرام اول، «حج افراد» را انجام دهد، سپس عمره مفرده بجا آورد.

مسئله 362: هرگاه زن هنگام بستن احرام برای عمره تمتع یا پس از احرام، حائض شود، چنانچه وقت گنجایش بجا آوردن اعمال عمره را داشته باشد، باید صبر کند تا پاک شود سپس غسل نموده و اعمال عمره را بجا آورد. و اگر وقت وسعت نداشته باشد مسئله دارای دو صورت است:

1- آن که حائض شدنش پیش از بستن احرام باشد، که در این صورت اگر بداند تا موقع رفتن به عرفات پاک خواهد شد نیت احرام عمره کند. و چنانچه بداند تا آن هنگام پاک نخواهد شد، نیت «حج افراد» نماید. و در صورت شک بنا بر احتیاط واجب باید هنگام احرام، نیت احرام واجب کند - بدون تعیین عمره تمتع یا «حج افراد» - سپس اگر قبل از گذشتن وقت عمره تمتع پاک شد، اعمال عمره را انجام دهد و محل شود بعد برای حج محرم شود و به عرفات برود. و اگر پاک نشد به همان حال احرام، اول اعمال «حج افراد» را بجا آورد و سپس عمره مفرده بجا آورد.

2- آن که حیض او بعد از بستن احرام باشد، که در این صورت مخیرایت بین این که عدول کند به «حج افراد» و بعد از فراغت از انجام «حج افراد» عمره مفرده انجام دهد یا این که اعمال عمره تمتع را بدون طواف و نماز طواف بجا آورد (به این که سعی و تقصیر نموده و برای حج احرام بسته و به حج رفته و پس از فراغت از حج و بازگشت به مکه قضای طواف عمره را پیش از طواف حج بجا آورد). ولی احتیاط مستحب آن است که تا تنگ شدن وقت صبر کند و به صورت دوم عمل نماید. و چنانچه یقین دارد که حیضش ادامه خواهد داشت و نمی تواند حتی پس از بازگشت به مکه طواف نماید، برای طواف خود نایب بگیرد و سعی را خودش بجا آورد و روزی که باید خود را واریسی کند، در حکم ایام حیض است و حکم ایام حیض بر آن روز جاری است.

مسأله 363: اگر زن در میان طواف حائض شود، چنانچه قبل از تمام شدن نصف طواف باشد، طوافش باطل می شود و واجب است بعد از پاک شدن و غسل نمودن یک طواف کامل بجا آورد. و اگر تا گذشتن وقت عمره پاک نمی شود حکم او مانند حکم حائض قبل از احرام است که باید به «حج افراد» عدول کند. و چنانچه حیض شدنش بعد از تمام شدن نصف طواف باشد، آنچه از طواف بجا آورده صحیح است و واجب است بعد از پاک شدن و غسل نمودن، باقیمانده و نماز آن را بجا آورد و طواف را اعاده کند. و چنانچه وقت گنجایش نداشته باشد، سعی و تقصیر را بجا آورد و برای حج محرم شود. و باید پس از بازگشت از منی و قبل از طواف حج، باقیمانده از آن طواف و نمازش را بجا آورد و قضای طواف عمره را هم انجام دهد. و بنابر احتیاط لازم بعد از قضای طواف عمره، سعی را اعاده نماید. و همین طور است حکم مواردی که قضای طواف عمره به بعد از عرفات و منی موکول بشود.

مسأله 364: هرگاه زن پس از طواف و قبل از نماز طواف حیض شود، طوافش صحیح است و نماز طواف را بعد از پاک شدن و غسل نمودن بجا آورد. و چنانچه وقت نداشت، سعی و تقصیر را بجا آورد و نماز طواف را بعد از برگشتن از عرفات و منی پیش از طواف حج قضا نماید.

مسأله 365: هرگاه زن بعد از طواف و نماز طواف فهمید که حائض شده و ندانست که پیش از طواف یا پس از نماز طواف یا در اثناء یا بعد از آن دو بوده، بنا را بر صحت طواف و نماز طواف بگذارد. و چنانچه بداند قبل از نماز حیض شده و وقتش هم تنگ باشد، سعی و تقصیر را بجا آورد و نماز طواف را تا پس از پاک شدن و غسل به تأخیر بیاندازد و عمره اش صحیح است.

مسأله 366: هرگاه زنی به مکه رسید و می توانست اعمال عمره را بجا آورد ولی دانسته و عمدتاً بجا نیاورد تا حیض شد و وقت تنگ شد، عمره اش فاسد است. و احتیاط واجب این است که به «حج افراد» عدول نماید و پس از اعمال حج، عمره مفرده بجا آورد و حج خود را در سال بعد اعاده نماید.

مسأله 367: کسی که معذور از وضو یا غسل تمام است، مانند کسی که در دست و پایش

شکستگی و زخمی است که پانسمان شده یا مانند زنی که در حال استحاضه است یا کسی که مرض سلس البول دارد (که بول قطره قطره از او خارج می شود)، به همان دستوری که برای نماز طهارت می گیرد، برای طواف نیز همان طهارت کافی است. اما مبطون (کسی که نمی تواند از بیرون آمدن غایط خودداری کند) بنابر احتیاط واجب در صورت توان شخصا طواف کند و نایب هم بگیرد.

مسئله 368: کسی که غسل مس میت بر او واجب شده، باید غسل مس میت را انجام داده سپس طواف نماید.

مسئله 369: شرط سوم: پاک بودن بدن و لباس است، طواف کردن با بدن یا لباسی که در آن خون و خونابه زخم یا دمل هست، اگر اجتناب از آن دشوار باشد، مانعی ندارد و برطرف کردنش لازم نیست و بنابر احتیاط واجب در این صورت برای طواف نایب نیز بگیرد. همچنین بنابر احتیاط لازم از به همراه داشتن چیز نجس در هنگام طواف باید خودداری شود.

مسئله 370: چنانچه نجس بودن بدن یا لباس خود را نمی دانسته و پس از انجام طواف فهمیده، طوافش صحیح است و نیازی به اعاده نیست. همچنین است درباره نماز طواف.

مسئله 371: هرگاه نجاست بدن یا لباس خود را فراموش نمود و طواف کرد و بعد از طواف یادش آمد، بنابر احتیاط واجب باید طواف را اعاده کند. و درباره نماز طواف نیز حکم همین است.

مسئله 372: هرگاه نجس بودن بدن یا لباس خود را نمی دانست و در میان طواف فهمید نجس است، یا بدن و لباسش پاک بودن ولی قبل از پایان طواف نجس شد، اگر جامه پاکی دارد، همان جا لباس نجس را کنده و با جامه پاک طواف را تمام کند، وگرنه در صورت امکان بدون رها کردن طواف، بدن و لباسش را تطهیر کند و طواف را ادامه دهد. و چنانچه لباس پاک همراه ندارد و نمی تواند لباس و بدنش را بدون رها کردن طواف تطهیر نماید، اگر بعد از تمام شدن شوط چهارم بوده، طواف را قطع کند و نجاست را برطرف نماید و بعد از تطهیر، باقیمانده طواف را بجا آورد، و اگر قبل از تمام شدن شوط چهارم بود، طواف را قطع کند و نجاست را برطرف نماید و بعد

از تطهیر، باقیمانده طواف را بجا آورد و نماز طواف را بخواند و بعد دوباره یک طواف کامل و نماز طواف بجا آورد .

مسأله 373: شرط چهارم: مختون بودن است که طواف کننده مرد یا پسر نابالغ ممیز باید مختون باشد. اما اگر ممیز نباشد یا احرامش را ولی او ببندد، مختون بودنش معتبر نیست، هر چند احتیاط مستحب است. این شرط خاص به ذکور است بنابراین طواف مردان بدون ختنه، صحیح نیست.

مسأله 374: هرگاه مکلف ختنه نشده مستطیع شود، باید در همان سال خود را ختنه کرده و به حج برود و چنانچه ممکن نباشد، حج را تا سال بعد به تأخیر بیندازد. و اگر به خاطر ضرر یا مشقت یا اذیت، اصلاً متمکن از ختنه نباشد، لازم است حج را بجا بیاورد، ولی بنا بر احتیاط واجب باید علاوه بر این که شخصاً طواف می کند نایب نیز بگیرد و نماز طواف را خودش هم بجا بیاورد.

مسأله 375: شرط پنجم: ستر عورت است بر مرد و زن . و همان طور که در نماز ستر عورت واجب است، در طواف نیز لازم می باشد و همان شرایطی که در لباس نمازگزار معتبر است، در لباس طواف کننده نیز لازم است.

مسأله 376: اگر لباس احرام در حال طواف از روی او افتاد، چنانچه مسافت کمی بدون احرام رفته باشد، باید برگردد و احرام را پوشیده و از همان جایی که احرام افتاده بود به طواف خود ادامه دهد.

مسأله 377: شرط ششم: مباح بودن لباس و مرکب است. پس اگر در حال طواف لباس انسان یا مرکبی که بر آن سوار شده (چنانچه سواره طواف کند) غصبی باشد، طوافش باطل است.

## واجبات طواف

مسأله 378: در طواف چند چیز واجب است:

1- ابتدا به حجرالأسود.

2- ختم به حجرالأسود.

ص: 80

3- خانه کعبه را طرف چپ خود قرار دهد.

4- حجر اسماعیل علیه السلام را داخل در طواف کند.

5- بدن از خانه کعبه خارج باشد.

6- هفت شوط طواف کند.

7- اشواط طواف پشت سرهم باشند.

8- دو طواف واجب را پشت سر هم انجام ندهد.

مسأله 379: اول از واجبات طواف: باید شروع هریک از هفت شوط طواف از حجرالأسود باشد و باید زودتر طواف را شروع کند با نیت این که ابتدای طواف از حجرالأسود و زیادی برای یقین باشد. و بنا بر احتیاط استحبابی اولین جزء بدن محاذی با اولین جزء حجرالأسود شود.

مسأله 380: دوم از واجبات طواف: باید ختم هر یک از هفت شوط به حجرالأسود باشد. و در شوط آخر قدری از حجر بگذرد تا یقین کند که هفت شوط کامل انجام داده است.

مسأله 381: سوم از واجبات طواف: آن که کعبه را در همه حالات طواف، طرف چپ خود قرار دهد. و اگر کعبه به جهت بوسیدن ارکان یا به خاطر ازدحام، روبرو یا پشت سر یا طرف راست قرار گرفت، آن مقدار، از طواف شمرده نمی شود، و باید برگردد و از همان جایی که از محاذات کعبه منحرف شده، اعاده نماید به طوری که کعبه سمت چپ او قرار گیرد. و چنانچه نتوانست برگردد، آن مکان را نشان کند و شوط را بدون نیت تمام نماید تا این که به همان جا برسد و با نیت، طواف را به طوری که کعبه در طرف چپش قرار گیرد تمام کند. و معیار آن است که عرفاً صدق کند که کعبه طرف چپ او است، ولی در طرف حجر اسماعیل و گوشه های کعبه باید مواظب باشد که طرف چپ او از کعبه منحرف نشود.

مسأله 382: کسانی که آنها را با وسیله مخصوصی طواف می دهند، رعایت عرفی محاذات شانه چپ آنها با دیوار کعبه لازم است.

مسأل 383: علی الأحوط طواف باید با استقامت و راست بودن بدن انجام شود و در حال خمیدگی صحیح نخواهد بود مگر برای افرادی که بیمار باشند یا بر اثر کهولت سن خمید شده اند.

مسئله 384: چهارم از واجبات طواف: باید حجر اسماعیل علیه السلام را داخل در طواف بنماید، یعنی بیرون از آن طواف کند و نمی تواند از یکی از دهانه های حجر اسماعیل علیه السلام داخل شده و از دیگری بیرون رود، بلکه باید دور آن بگردد.

مسئله 385: پنجم از واجبات طواف: باید بدن خارج از کعبه باشد، یعنی دور خانه خدا طواف کند نه داخل آن، مانند این که از روی شاذروان (دیوار کوتاه شیب دار دور خانه خدا که جزو کعبه است و نباید بدن طواف کننده روی آن قرار گیرد) باشد.

مسئله 386: ششم از واجبات طواف: باید هفت دور کامل طواف کند، از حجر الأسود تا حجر الأسود و کم و زیاد کردن آن موجب بطلان طواف است.

مسئله 387: اگر به خاطر عذری مانند بیماری یا حدوث حدث طواف را قطع کرد، چنانچه بیش از نصف طواف را انجام داده بودن وقتی عذر مرتفع شد، باقیمانده را انجام می دهد و کافی خواهد بود و اگر از نصف تجاوز نکرده بود باید از اول شروع نماید.

مسئله 388: هرگاه در بین نماز طواف متوجه شود که طوافش ناقص بوده، باید نماز را قطع کرده و طواف را تکمیل نماید، چه از نصف طواف گذشته باشد یا نه و چه آغاز به نماز از روی جهل باشد یا از روی فراموشی و غفلت. و اگر بعد از نماز متوجه شد، باید طواف را تکمیل نماید و احوط اعاده نماز است.

مسئله 389: هرگاه مشغول سعی شد و متوجه شد که طوافش ناقص بوده، باید سعی را قطع نماید و طواف را تکمیل کند، هر چند باقیمانده طواف بیش از نصف باشد و احتیاطاً نماز طواف را اعاده نماید، سپس سعی را کامل کند؛ گرچه کمتر از نصف سعی را انجام داده باشد، البته مستحب است طواف و سعی را از اول انجام دهد.

مسئله 390: اگر مقداری از طواف را سهوا کم کرد، چنانچه قبل از فوت موالات، یادش بیاید. از مظاف خارج نشده باشد، کمبود را بجا آورد و طواف او صحیح است. و چنانچه بعد از فوت موالات یا خارج شدن از مظاف یادش بیاید و مقدار فراموش شده یک شوط باشد، همان را بجا



آورد و طوافش صحیح است. و اگر شخصاً نتواند کمبود را انجام دهد، هر چند به خاطر آن که بعد از برگشتن به وطن یادش آمده، باید دیگری را نایب کند که از جانب او بجا آورد. و اگر مقدار فراموش شده بیش از یک و کمتر از چهار شوط باشد، باید برگشته و کمبود را شخصاً بجا آورد و بهتر است پس از بجا آوردن کمبود طواف و خواندن نماز آن، طواف و نمازش را بار دیگر اعاده کند. و اگر مقدار فراموش شده چهار یا بیش از چهار شوط باشد، بنا بر احتیاط واجب طواف را تمام نموده، سپس نماز آن را بخواند و دوباره طواف و نمازش را بجا آورد.

مسأله 391: زیادی در طواف پنج صورت دارد:

1- آن که طواف کننده، مقدار زیاد شده را، به قصد طوافی که مشغول است یا طواف دیگری بجا نیاورده باشد، در این صورت طوافش به واسطه این زیادی باطل نخواهد شد.

2- آن که هنگام شروع به طواف یا در میان آن، چنین قصد کند که زیادی، جزء طوافش بوده باشد (یعنی بنا داشته که طواف را هشت شوط یا بیشتر انجام دهد)، در این صورت طوافش باطل است و لازم است اعاده نماید.

3- آن که زیادی را پس از پایان طواف به قصد جزئیت همین طواف انجام دهد، در این صورت نیز طوافش باطل است.

4- آن که زیادی را به قصد جزئیت طواف دیگر بجا آورد و طواف دوم را تمام کرده باشد، در این صورت هر دو طواف باطل است زیرا دو طواف واجب را پشت سرهم بجا آورده که جایز نیست.

5- آن که زیادی را به قصد جزئیت طواف دیگر بجا آورد و اتفاقاً نتواند طواف دیگر را به آخر برساند، در این صورت نه در طواف اول زیادی هست و نه جمع بین دو طواف واجب. ولی گاهی طواف به جهت عدم تحقق قصد قربت باطل می شود و آن در صورتی است که مکلف هنگام شروع به طواف یا در میان آن، با آن که می داند جمع بین دو طواف حرام و باطل کننده طواف است، آن را قصد نماید که قصد تقرب با قصد حرام جمع نمی شود، هر چند اتفاقاً حرام (جمع بین دو طواف) انجام ندهد.

مسأله 392: هرگاه سهوا بیش از هفت شوط طواف نماید، چنانچه زیادی کمتر از یک شوط است، آن را قطع کند و طوافش صحیح است، هر چند طواف واجب باشد؛ گرچه احتیاط غیر لازم اعاده طواف است. و چنانچه زیادی یک شوط یا بیشتر باشد، باقی آن را تا یک طواف کامل تمام نماید و نماز طواف را بجا آورد. و احتیاط آن است که پس از طواف و نماز طواف، اول سعی نماید و نماز طواف دوم را بعد از سعی بجا آورد و بهتر و احتیاط غیر لازم آن است که بعد از فراغ از همه اینها، بار دیگر طواف نماید.

مسأله 393: ششم از واجبات طواف: باید هفت دور کامل طواف کند، از حجر الأسود تا حجرالاسود و کمتر از آن هر چند اندک باشد کافی نیست. و بیشتر از هفت دور طواف کردن هم اگر عمدی باشد، طواف را باطل می کند، چنان که خواهد آمد.

مسأله 394: اگر در میان طواف محدث شود، جایز است بیرون رفته، تطهیر نموده و بازگردد و طواف خود را تمام نماید. و هم چنین است بیرون رفتن برای برطرف کردن نجاست از بدن یا لباس. و اگر زنی در میان طواف حائض شود، واجب است طواف را قطع نموده و فوراً از مسجد بیرون برود، و وظیفه چنین افرادی در مسائل شرایط طواف بیان شد.

مسأله 395: هرگاه طواف کننده به علت سردرد یا دل درد و مانند اینها ناچار طواف خود را قطع کرد و از مطاف بیرون رفت، اگر قبل از تمام کردن شوط چهارم بوده، طوافش باطل و اعاده اش لازم است و چنانچه بعد از آن بوده، احتیاط واجب این است که برای باقیمانده نایب گرفته و خودش نیز بعد از رفع عذر باقیمانده طوافش را بجا آورد و نماز طواف را بخواند و سپس طواف و نمازش را اعاده کند.

مسأله 396: طواف کننده می تواند برای عیادت مریض یا رفع حاجت خود یا برادر دینی خود از مطاف بیرون برود، ولی لازم است در صورتی که طواف واجب بجا می آورد و یک یا دو شوط بجا آورده، طواف را اعاده کند. و در صورتی که بیرون رفتنش بعد از شوط سوم بوده، احتیاط واجب این است که طواف را تمام کرده و نماز آن را بخواند، سپس طواف و نماز آن را اعاده کند.

مسأله 397: نشستن در میان طواف، جهت استراحت و رفع خستگی جایز است. اما نباید به اندازه ای باشد که موالات عرفه از بین برود و در این صورت طوافش باطل است و لازم است آن را از سر بگیرد.

مسأله 398: هرگاه عمدا مقداری از طواف را کم کند، طوافش باطل است، ولی تا از مطاف بیرون نرفته، می تواند کمبود را جبران کند، به شرطی که موالات عرفه فوت نشود و چنانچه از مطاف بیرون رفته باشد، حکمش سابقا بیان شد.

مسأله 399: هرگاه یقین داشته باشد که هفت شوط بجا آورده و شک کند زیادتر بوده یا نه - مثلا احتمال بدهد که شوط آخری شوط هشتم بوده - چنانچه شک او بعد از تمام شدن شوط آخر باشد، یعنی به حجر الأسود رسیده باشد، بنابر احتیاط واجب باید نماز طواف را بخواند و سپس طواف و نمازش را اعاده کند و چنانچه شک او قبل از تمام کردن شوط آخر باشد، طوافش باطل است. و احتیاط مستحب این است که به قصد رجاء آن را تمام کند و نماز طواف بخواند، سپس طواف و نمازش را اعاده نماید.

مسأله 400: هرگاه بین شش و هفت، یا پنج و شش، و همچنین عددهای کمتر، شک کند، طوافش باطل است. و احتیاط غیر لازم آن است که بنا را بر کمتر بگذارد و طواف را تمام کرده، نماز طواف بجا آورد، سپس طواف و نمازش را اعاده نماید. و همچنین است اگر شک کند که شش شوط بجا آورده یا هشت شوط.

مسأله 401: اگر بین شش و هفت شک کرد و به خاطر ندانستن حکم، بنا را بر شش گذاشت و طواف را تمام کرد، لازم است نماز طواف را بجا آورد و طواف را اعاده کند. و چنانچه برنادانی خود باقی ماند تا وقتی که تدارکش ممکن نباشد، طوافش بدون اشکال صحیح است، به جهت حدیث صحیح در این موضوع.

مسأله 402: طواف کننده می تواند به رفیق و همراه خود در حفظ شماره شوط ها اعتماد کند، اگر رفیق و همراهش یقین داشته باشد، مثلا در صورت شک، اگر رفیق انسان بگوید این شوط

پنجم است، می شود به گفته او اعتماد کرد .

مسئله 403: هرگاه در هنگام طواف مستحب، مثل طواف ابتدایی و طواف وداع، شک در تقیصه نماید، بنا را بر اقل بگذارد و تکمیل نماید و طواف صحیح خواهد و در طواف نذری و یا طواف ابتدایی استیجاری نیز همین حکم جریان دارد.

مسئله 404: اگر در بین طواف شک کرد و طواف را از سر گرفت و در بین طواف دوم عدد طواف اول معلوم شد، اگر عدد کامل بوده، طواف دوم را قطع نماید و اگر طواف اول کم داشته، همان مقدار کم را تدارک نماید کافی است و لازم نیست طواف دوم کامل شود.

مسئله 405: هفتم از واجبات طواف: موالات است . یعنی باید هفت دور طواف پشت سرهم و پی در پی انجام شود و خود محرم شخصا انجام دهد، مگر این که به هیچ وجهی بر آن قدرت نداشته باشد، که در این صورت باید نایب بگیرد.

مسئله 406: اگر عمدا مقداری از طواف واجب را ترک کرد، چنانچه عمل منافی با موالات انجام نداده - یعنی فاصله زیاد نشده - واجب است آن را تکمیل نماید و اگر عمل منافی با موالات انجام داده، باید طواف را از سر بگیرد.

مسئله 407: هشتم از واجبات طواف آن است که دو طواف واجب را پشت سرهم انجام ندهد، بنابراین حاجی باید پس از اتمام هفت شوط، نماز طواف را بخواند، سپس اگر بخواهد طواف دیگر کند.

مسئله 408: هرگاه طواف کننده، داخل حجر اسماعیل شود، شوطی که رفتن در حجر در آن بوده باطل است و لازم است اعاده شود. و بهتر این است که طواف را تمام کرده و نماز طواف را بخواند و طواف و نمازش را اعاده کند. و بنابر احتیاط لازم بالا رفتن بر دیوار حجر، در حکم رفتن در حجر است. بلکه احتیاط مستحب این است که در حال طواف دست بر دیوار حجر هم نگذارد .

مسئله 409: طواف باید بین محل مقام ابراهیم علیه السلام و خانه خدا باشد و از هر طرف در این مسافت طواف کند. و فاصله آن تا کعبه بیست و شش ذراع و نیم است و ذراع حدود نیم

متر است. اما چون حجر اسماعیل داخل مطاف است، در طرف حجر، فاصله مطاف از حجر محاسبه می شود نه از کعبه، هرچند بهتر است در طرف حجر هم بیش از بیست و شش ذراع و نیم از کعبه دور نشود.

مسأله 410: هرگاه طواف کننده از مطاف بیرون رود یا وارد کعبه شود، طوافش باطل و اعاده آن لازم است و بهتر است در صورتی که بیرون رفتنش بعد از گذشتن از نصف طواف بوده، طواف خود را تمام نموده و نماز طواف بخواند، سپس طواف را به طور کامل اعاده کند.

مسأله 411: چنانچه هنگام طواف روی شاذروان برود، آن مقدار از طواف که روی شاذروان بوده باطل است و احتیاط واجب این است که آن مقدار را تدارک نموده و طواف خود را تمام کند و نماز طواف را بخواند، سپس از اول، طواف و نمازش را اعاده نماید. و نیز احتیاط لازم این است که هنگام طواف، دستش را از طرف شاذروان به دیوار کعبه یا ارکان آن دراز نکند.

مسأله 412: اگر طواف کننده پیش از گذشتن از نصف طواف، بدون عذر از مطاف خارج شود، در صورتی که موالات عرفیه از او فوت شود، طوافش باطل و اعاده اش لازم است. و در صورتی که موالات فوت نشود یا خروجش بعد از گذشتن از نصف طواف باشد، احتیاط واجب این است که طواف را تمام نموده و نماز بخواند، سپس طواف و نمازش را اعاده کند.

### چند مسأله

مسأله 413: چنانچه به جهت بیماری یا شکستگی و مانند آن، شخصاً نتواند طواف نماید، چنانچه تا وقت باقی است امید بهبودی دارد، طواف را تا موقع بهبودی به تأخیر بیندازد و اگر امیدی نبود یا بهبودی نیافت، لازم است به کمک دیگری طواف کند، هرچند به سوار شدن بر دوش او باشد. و چنانچه با کمک دیگری هم نتواند طواف کند، واجب است نایب بگیرد که به جای او طواف کند. و همین طور نماز طواف را باید خودش بجا آورد و در صورت نتوانستن، دیگری را نایب بگیرد. و حکم زن حائض و نفساء در بحث شرایط طواف بیان شد.

مسأله 414: اگر شک کند که طواف کرده یا نه، چنانچه داخل عمل بعدی نشده، باید طواف را

انجام دهد و اگر داخل عمل بعدی شده، بنا بگذارد که طواف را انجام داده است.

مسئله 415: اگر شک کند که طواف را با شرایط لازم انجام داده یا نه، چنانچه شک بعد از طواف باشد بنا را بر سخت آن می گذارد و اگر در بین طواف باشد، مقداری که انجام شده صحیح است و نسبت به باقیمانده باید احراز شرایط نماید.

مسئله 416: هرگاه بعد از اتمام طواف شک کند که شرایط صحت را داشته یا نه، مثلاً طهارت داشته یا نه، بنا را بر صحت بگذارد.

مسئله 417: اگر بعد از تمام شدن اعمال حج یقین پیدا کرد که یکی از دو طواف زیارت یا نساء را انجام نداده، یک طواف به قصد مافی الذمه انجام دهد و کافی است.

مسئله 418: طواف در هریک از عمره و حج رکن است و چنانچه عمدا ترک شود، عمره یا حج باطل می شود و چنانچه وقتش بگذرد، باید عمره یا حج را اعاده کند.

مسئله 419: اگر از روی جهل به مسئله طواف زیارت را ترک نمود، باید حج را اعاده کند و اگر طواف نساء را جهلاً ترک کند، اعاده حج لازم نیست بلکه باید همان طواف را قضا نماید و اگر امکان قضا ندارد، نایب بگیرد. و اگر طواف نساء را عمداً ترک کند، لازم نیست حج را اعاده نماید - گرچه احوط است - و در این صورت کفاره لازم نیست.

مسئله 420: هرگاه طواف زیارت عمره - چه مفرده و چه تمتع - را عمداً ترک کرد، واجب است عمره را اعاده نماید و کفاره شتر لازم نیست و اگر از روی جهل آن را ترک نماید، فقط قضای طواف لازم است و اعاده و کفاره ندارد و در احکام بیان شده در دو مسئله فرقی بین حج واجب و مستحب و عمره واجب و مستحب، نیست، چه نیابة باشد چه اصالة.

مسئله 421: اگر از روی جهل له مسئله طواف زیارت را ترک کرد و تا آخر ذي الحجة نتوانست حج را اعاده کند و قدرت بر کفاره شتر نداشت، حج و کفاره ساقط می شود و چنانچه قدرت مالی داشته باشد، بعد از مرگش قضا می شود و گرنه چیزی براو نیست و استفاده از زن و غیرش بنابر اظهر بر او حرام نیست، چه در سال آینده قدرت بر انجام حج داشته باشد یا نداشته باشد.

مسئله 422: اگر طواف نساء را جهلاً-چه از حج و چه از عمره مفرده- ترک نمایید، تا وقتی خودش یا نایبش طواف را قضا نکند، زن بر او حرام است و این حکم در صورت فراموشی نیز جریان دارد.

مسئله 423: اگر کسی عمره مفرده را انجام داد و از روی جهل طواف نساء را ترک کرد ولی بعد از آن حج را با طواف نساء آن انجام داد، یا بالعکس یعنی حج را بدون طواف نساء انجام داد و بعدش عمره مفرده را همراه با طواف نساء بجا آورد، یا دو عمره مفرده بجا آورد و در اولی جهلاً- طواف نساء را ترک نمود و در دومی انجام داد، زن بر او حرام نیست، چه در این موارد از طرف خود اعمال را انجام دهد، یا نایب باشد، یا در یکی نایب بوده و دیگری از طرف خودش باشد.

مسئله 424: کسی که در عمره مستحبی و حج مستحبی یا تبرعی طواف را ترک نماید، اعاده و کفاره بر او واجب نیست، لکن اگر طواف نساء را ترک کرده باشد، در صورت امکان باید خودش قضا نماید و در صورت عدم امکان یا عسر و حرج، نایبش قضا کند و تا وقتی که قضا انجام نشده، زن بر او حرام است.

مسئله 425: اگر کسی برای عمره یا حج اجیر شود و طواف زیارت را ترک کند به طوری که عمره و حج باطل شود، اجاره باطل نیست و مجدداً باید عمره یا حج را اعاده نماید، مگر این که اجاره مقید به همان وقتی باشد که عمره یا حج باطل شده، در این صورت اجاره باطل است و اجرت را پس می دهد.

مسئله 426: چنانچه از روی فراموش طواف حج یا عمره را ترک نمود، فقط باید طواف را قضا کند و بقیه اعمالش باطل نیست و اگر برای خودش امکان نداشت، باید نایب بگیرد.

مسئله 427: هرگاه عمداً یا جهلاً طواف را ترک کرد، پس از انجام سایر اعمال، محل می شود یعنی از احرام بیرون می آید. واحوط آن است که آنچه را ترک نموده انجام دهد تا از احرام بیرون بیاید.

مسئله 428: اگر از حرم خارج شد سپس برای اعاده عملی که لازم است با احرام شود خواست به حرم برگردد، باید برای انجام آنچه فوت شده، محرم شود.

مسئله 429: هرگاه طواف یا نماز طواف یا سعی را فراموش کند که واجب است قضا شود، لازم

نیست قضا در ماه های حج (شوال ، ذی القعدة، ذی الحجة) باشد.

مسأله 430: هرگاه شک کند که آنچه ترک شده طواف حج بوده است یا طواف عمره، یک طواف به قصد ما فی الذمه انجام دهد.

مسأله 431: چنانچه طواف واجب حج یا عمره را فراموش کند و با همسرش نزدیکی (جماع) نماید، کفاره (شتر) بر او واجب نیست.

مسأله 432: هرگاه طواف نساء را فراموش کرد، زن بر او حرام است تا زمانی که خودش آن را قضا نماید و اگر شخصا تمکن از قضا نداشت، نایب بگیرد، و اگر می توانست در همان سال نایب بگیرد ولی شخصا نمی توانست آن را قضا کند اما برای سال بعد شخص قادر بر قضا بود، باید در همان سال نایب بگیرد .

مسأله 433: در مسأله قبلی چنانچه طواف وداع را انجام داده باشد، جایگزین طواف نساء می شود و نیازی با قضا نیست.

مسأله 434: در احکام مذکور طواف، فرقی بین زن و مرد و خنثی نیست و طواف نساء مثل طواف حج و طواف عمره برای همه (رکن) واجب است.

مسأله 435: هرگاه در بین طواف ، وقت نماز واجب فرارسید، مستحب است طواف را قطع نماید و نماز فریضه را بخواند، سپس طواف را تکمیل کند، هرچند قبل از نصف طواف باشد.

### شک در عدد اشواط

مسأله 436: هرگاه بعد از تمام شدن طواف و تجاوز از محل، شک کند که آیا طوافم هفت شوط یا کمتر یا بیشتر بوده، به شک خود اعتنا نکند، مثل کسی که بعد از شروع به نماز طواف چنین شکی بکند. و همچنین است اگر قبل از نماز شک کند ولی از وطاف بیرون رفته یا عملی انجام داده باشد که تجاوز از محل صدق کند.

مسأله 437: هرگاه در حین طواف در زیاده شک کند، در صورتی که یقین به هفت شوط داشته باشد، طواف را قطع نماید و طواف صحیح خواهد بود.



مسئله 438: هرگاه در حین طواف در نقیصه شک نماید، باید طواف را اعاده کند و اگر با دانستن مسئله عمد از طواف بیرون رفت و به شکت خود اعتنا ننمود، باید طواف را اعاده کند. اما اگر از روی جهل به مسئله یا سهو و فراموشی و اضطراب به شک اعتنا ننمود و از طواف بیرون آمد، طوافش صحیح است. البته این مسائل شک مربوط به طواف حج و عمره است که از آن تعبیر به طواف فریضه می شود.

مسئله 439: هرگاه در بین طواف بین نقیصه و زیاده و کمال (مثلا بین 6 و 7 و 8) شک نماید، باید طواف را از سر بگیرد، همچنین اگر بین نقیصه و زیاده (مثلا بین 6 و 8) شک داشته باشد، باید طواف را اعاده کند و اگر در اصل عدد شک نماید که نداند چند شوط انجام داده، طواف را اعاده کند.

مسئله 440: ظن در طواف تا وقتی که به حد علم عادی نرسیده، در حکم شک می باشد.

مسئله 441: در عدد اشواط می توان به بینه (دو شاهد عادل) و ثقه واحد (یک شخص مورد اطمینان) گرچه طفل یا زن یا فاسق باشد، اعتماد نمود.

مسئله 442: اگر دانسته و از روی عمد یا ندانستن حکم، طواف عمره تمتع را ترک نماید و نتواند پیش از وقوف به عرفات تدارک کند، عمره اش باطل است و واجب است حج را در سال بعد اعاده نماید و بنابر احتیاط واجب باید به «حج افراد» عدول نماید. و هرگاه از روی عمد یا ندانستن حکم، طواف حج را ترک نماید و تدارکش ممکن نباشد، حج او باطل است و باید در سال بعد اعاده کند و در همان سال ترک طواف، یک شتر کفاره بدهد. و برای بیرون آمدن از احرام در همه این موارد عمره مفرده بجا آورد.

مسئله 443: هرگاه طواف را فراموش کرد، بعد از این که یادش آمد، تدارکش واجب است. و چنانچه بعد از گذشت وقتش یادش آمد، باید قضای آن را بجا آورد و حج او صحیح است. و احتیاط واجب این است که بعد از قضای طواف و نماز آن، سعی را هم انجام دهد. و اگر زمانی یادش بیاید که قضا نمودن آن ممکن نباشد (مثل این که بعد از بازگشت به وطن یادش آمد،

واجب است نایب بگیرد و احتیاط لازم این است که نایب پس از طواف و نماز آن، سعی را نیز بجا آورد.

مسأله 444: اگر طواف را فراموش نمود و به وطن خود بازگشت و یا عیال خود نزدیکی کرد سپس یادش آمد، چنانچه طواف فراموش شده طواف حج باشد، لازم است یک قربانی به منی بفرستد، و چنانچه طواف عمره باشد، لازم است یک قربانی به مکه بفرستد و در این قربانی گوسفند کافی است.

مسأله 445: اگر طواف را فراموش کرده و در مکه و محرم است، باید با همان احرام قضای طواف را بجا آورد و حاجتی به تجدید احرام نیست، مگر این که در مکه باشد و از احرام بیرون آمده که به احتیاط غیر لازم دوباره احرام ببندد. و در صورتی که از مکه خارج شده و یک ماه یا بیشتر گذشته باشد، لازم است برای ورود به مکه احرام تازه ببندد چنان که گذشت.

مسأله 446: آنچه از محرمات احرام که بر طواف کننده حلال می شود، بر فراموش کننده طواف حلال نمی شود تا آن را خودش یا نایبش قضا کند.

### 3- نماز طواف

مسأله 447: سوم از واجبات عمره تمتع دو رکعت نماز طواف است که مانند نماز صبح است. و اولی و بهتر آن است که در رکعت اول بعد از حمد، سوره توحید و در رکعت دوم بعد از حمد سوره «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» بخواند. و در بلند یا آهسته خواندن مخیر است و واجب است نماز را پشت مقام ابراهیم علیه السلام بخواند و در صورت عدم تمکن، با مراعات نزدیکی به مقام از طرف پشت آن در هر جای مسجد می تواند بجا آورد. و نماز طواف مستحب را می تواند هر جای مسجد که بخواهد بجا آورد، مگر جلوتر از مقام ابراهیم علیه السلام.

مسأله 448: هرگاه در بین نماز طواف متوجه شود که طوافش ناقص بوده، باید نماز را قطع نماید و طواف را تکمیل کند، از نصف طواف گذشته باشد یا خیر و چه شروع به نماز از روی جهل باشد یا فراموشی و غفلت. و اگر بعد از نماز متوجه شد، باید طواف را تکمیل نماید و احوط اعاده نماز است.

مسأله 449: هرگاه مشغول سعی شد و متوجه شد که طوافش ناقص بوده، باید سعی را قطع نماید و طواف را تکمیل کند، هر چند باقیمانده طواف بیش از نصف باشد، و احتیاط نماز طواف را اعاده نماید، سپس سعی را کامل کند گرچه کمتر از نصف سعی را انجام داده باشد. البته مستحب است طواف و سعی را از اول انجام دهد.

مسأله 450: کسی که دانسته و عمد؛ نماز طواف را بجا نیاورد، حجتش باطل است.

مسأله 451: نماز طواف باید هرچه زودتر بعد از طواف خوانده شود به گونه ای که در عرف نگویند بین طواف و نماز فاصله شده است.

مسأله 452: اگر کسی نماز طواف را فراموش کرد و بعد از بجا آوردن سعی یادش آمد، باید فوراً نماز طواف را بخواند و اعاده سعی واجب نیست، هر چند احتیاط غیر لازم است. و چنانچه در میان سعی یادش آمد، باید سعی را قطع کرده و نماز طواف را در جایی که گفته شد بخواند، سپس از جایی که سعی را قطع کرده تمام نماید. و اگر بعد از بیرون رفتن از مکه یادش آمد، باید به مکه برگردد و نماز طواف را در جایی که گفته شد بخواند. و اگر نتواند به مکه برگردد، همان جا بخواند و به احتیاط غیر لازم نایب هم بگیرد که پشت مقام نماز را بخواند. و چنانچه می تواند به حرم برگردد، بهتر و احتیاط غیر لازم این است که برگشته و نماز را در حرم بخواند. و حکم کسی که نماز طواف را به جهت ندانستن حکم نخوانده، مانند حکم کسی است که فراموش کرده است و فرقی بین جاهل قاصر و مقصر نیست.

مسأله 453: برکسی که قرائت نمازش صحیح نیست، واجب است قرائت خود را اصلاح نماید، و اگر نتوانست اصلاح نماید، به هر اندازه ای که می تواند انجام دهد و نایب گرفتن کافی نیست.

مسأله 454: هرگاه نماز طواف را فراموش کرد و تا دم مردن یادش نیامد و مرد، بر ولی او واجب است آن را قضا نماید.

مسأله 455: نماز طواف را می توان با جماعت خواند.

مسأله 456: اگر قرائت نماز گزار غلط دارد، باید آن را تصحیح کند و اگر نتواند آن را درست کند،

به هرگونه که می تواند خودش بخواند، و بنا بر احتیاط واجب به جماعت بخواند و نایب هم بگیرد.

مسئله 457: کسی که نمی دانست قرائت نمازش درست نبوده و در نادانی خود هم معذور باشد، نمازش صحیح است و نیازی به اعاده ندارد، حتی اگر بعد از نماز بفهمد که قرائتش اشکال داشته است. ولی اگر معذور نبوده، لازم است طبق وظیفه ای که در مسئله قبل گفته شد نماز را اعاده کند.

مسئله 458: هرگاه نماز طواف را از روی جهل یا سهو یا فراموشی ترک کرد، اعمال بعد از نماز صحیح است و احتیاج به اعاده آنها نیست.

مسئله 459: لازم نیست قضای نماز طواف در ماه های حج باشد و در مسائل قضای نماز طواف فرق بین اقسام حج و عمره نیست. همچنین لازم نیست که قضای نماز با لباس احرام باشد.

مسئله 460: مکروه است که دو طواف را پی در پی انجام دهد به طوری که بعداً دو نماز برای هر دو بجا آورد، بلکه بعد از هر طواف نماز آن را بخواند.

مسئله 461: زنی که قبل از نماز طواف یا در هنگام طواف حیض شود، باید فوراً از مسجد خارج شود و اگر چهار شوط یا بیشتر طواف کرده باشد، بقیه طواف و نماز را تأخیر می اندازد و اعمال دیگر عمره را تکمیل نموده، بعد از پاکی، باقیمانده طواف و نماز را بجا می آورد و لازم نیست سعی را اعاده کند، اما اگر قبل از وقوف به عرفات در روز نهم پاک نشود، احتیاط آن است که قبل از آن که برای وقوف خارج شود برای انجام بقیه طواف و نماز آن نایب بگیرد و پس از پاکی نیز آن را بجا آورد.

مسئله 462: زنی که حیض شد و هنوز چهار شوط طواف را تکمیل نکرده باشد، باید طواف را قطع نموده فوراً از مسجد الحرام خارج شود، پس اگر قبل از وقوف به عرفات در روز نهم پاک شد، طواف را از سر گرفته و بقیه اعمال عمره را تکمیل می کند و گرنه حج او به «حج افراد» تبدیل شده؛ به عرفات می رود و دیگر اعمال «حج افراد» را بجا آورده، پس از آن عمره مفرد بجا می آورد و کفایت می کند.

مسأله 463: واجب چهارم از اعمال عمره تمتع: سعی بین صفا و مروه می باشد. و واجبات سعی عبارت است از

1- نیت.

2- شروع از صفا و ختم به مروه .

3- عدد، یعنی هفت مرتبه مسافت را طی کند.

4- مقادیم بدن به طرف صفا و مروه باشد.

5- لباس و کفش و سواری انسان مباح باشد.

مسأله 464: سعی عبارت است از رفت و آمد خاص بین دو کوه صفا و مروه . که نام دو کوه کنار مسجدالحرام است . هفت بار، به این معنا که از صفا شروع می کند و به مروه می آید و این یک بار محسوب می شود، سپس از مروه به صفا برمی گردد و این بار دوم است، و از صفا به مروه سوم، و همچنین تا سرانجام بار هفتم در مروه ختم می شود و مجموع چهار رفت و سه برگشت، هفت مرتبه می شود. و آن از ارکان حج و عمره است و ترک آن موجب بطلان آنها می شود. و سعی مستقلاً عمل مستحبی است و در سعی مستحبی لازم نیست هفت شوط باشد، گرچه مستحب است.

مسأله 465: سعی بین صفا و مروه از واجبات اساسی است، چنانچه عمد ترک شود تا وقت بگذرد چه در حج و چه در عمره، موجب بطلان است. و اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله یا غفلت و یا اضطرار ترک شد، حج و عمره باطل نمی شود، بلکه باید فقط سعی را شخصاً قضا نماید و اگر امکان ندارد نایب بگیرد حتی اگر بعد از ذی الحجة باشد.

مسأله 466: سعی باید بعد از طواف و نماز آن بجا آورده شود. و اگر پیش از طواف یا نماز آن انجام گردد، لازم است بعد از آن ها اعاده شود.

مسأله 467: جایز نیست به تأخیر انداختن سعی از طواف و نماز آن به فردای آن روز، مگر برای

ضرورت، ولی اگر طواف را در روز انجام دهد، می تواند سعی را در شب بجا آورد. هر چند احتیاط غیر لازم این است که سعی را از طواف و نماز آن به مقدار قابل توجه هم تأخیر نیندازد، چه طواف و نماز را در روز بجا آورد چه در شب.

مسئله 468: هرگاه سعی را عمدتاً تأخیر انداخت، اعمال قبل و بعد از سعی صحیح است و هر وقت بتواند باید سعی را انجام دهد.

مسئله 469: واجب است در سعی نیت کند و قصد قربت و اخلاص نموده و تعیین نماید در عمره است یا حج، مثلاً بگوید: سعی بین صفا و مروه بجا می آورم برای عمره تمتع قرب الی الله تعالی. و نیز اگر به نیابت از دیگری بجا می آورد باید تعیین کند، ولی ستر عورت و طهارت از حدث یا خبث در آن شرط نیست، هر چند مستحب است که با طهارت باشد.

مسئله 470: طهارت حدثیه (یعنی وضو، یا غسل کافی از وضو) و طهارت خبثیه (یعنی پاکی بدن و لباس از نجاست) در سعی شرط نیست، بلکه هر دو مستحب است. بنابراین بدون وضو یا در حال جنابت و حیض و همچنین با بدن یا لباس نجس، سعی صحیح نیست.

مسئله 471: مستحب است بعد از طواف و نماز طواف و قبل از ورود در جای سعی، حجر الأسود را استلام کند و همچنین آشامیدن از آب زمزم و ریختن مقداری از همان آب بر بدن و سرمستحب می باشد.

مسئله 472: هنگام شروع سعی از صفا لازم نیست که پشت پا به سنگ های صفا برسد، همچنین لازم نیست در مروه انگشتان پا به سنگ های مروه برسد، بلکه طبق متعارف کافی است.

مسئله 473: می توان بین طواف واجب و سعی، یک طواف مستحب انجام داد.

مسئله 474: سوار شدن در حال سعی جایز است، گرچه پیاده روی در صورت امکان بهتر است و باید مرکب و سواری اوغصبی نباشد و بنابر احتیاط چیزغصبی همراه خود بر ندارد.

مسئله 475: لازم است وقتی از صفا به مروه می آید، مقادیم بدن (قسمت جلوی بدن) به طرف مروه باشد و وقتی از مروه با صفا بر می گردد، مقادیم بدن به طرف صفا باشد، ولی برگرداندن

صورت گاه گاهی به این طرف و آن طرف مانعی ندارد و می تواند در حال ایستادن تمام بدن را به طرف دیگر حرکت دهد.

مسأله 476: سعی در طبقه فوقانی مانعی ندارد و صحیح است.

مسأله 477: نباید در حال سعی از مسیر سعی خارج شود، مثلاً وارد مسجدالحرام گردد یا به بازار برود، اما خوردن آب در جاهایی که کنار سعی درست کرده اند، اشکالی ندارد.

مسأله 478: «هروله» در محل معینی بین صفا و مروه که با دو چراغ سبز علامت گذاری شده برای مردان مستحب است و برای زنان هروله نیست و نایب به وظیفه خود عمل می کند چه منوب عنه زن باشد چه مرد

مسأله 479: سعی باید هفت شوط کامل باشد و کم و زیاد کردن عمدی آن موجب بطلان حج یا عمره خواهد شد، اما اگر سهواً یا از روی فراموشی یا ندانستن حکم کم کرد، هر وقت متوجه شد، باقیمانده را تکمیل کند و چنانچه زیاد شد، زیادی را الغا نماید و سعی او صحیح خواهد بود.

مسأله 480: اگر بعد از تمام شدن سعی، شک در عدد و یا شرایط آن بنماید، به شک خود اعتنا نکند.

مسأله 481: اگر سعی را فراموش کند، باید هر وقت یادش آمد انجام دهد، گرچه پس از اتمام اعمال حج یا بعد از ماه ذی الحجة باشد. و در صورتی که شخصاً نتواند یا برایش مشقت داشته باشد، باید نایب بگیرد و حجش صحیح است.

مسأله 482: کسی که شخص پیاده یا سواره، نتواند سعی را انجام دهد، باید نایب بگیرد که از طرف او سعی بجا آورد و حجش صحیح است.

مسأله 483: زیادی در سعی مانند زیادی در طواف چنانچه دانسته و عمداً باشد سعی را باطل می کند، ولی اگر حکم را نمی دانسته، سعی او به سبب زیادی باطل نمی شود، هر چند احتیاط غیر لازم اعاده آن است.

مسأله 484: هرگاه سهواً در سعی زیاد نمود سعی اش درست است. و چنانچه زیادی کمتر از

یک شوط است آن را رها کند و اگر زیادی یک شوط کامل باشد، مخیر است بین رها کردن و تمام کردن که شش شوط دیگر به آن اضافه نماید تا یک سعی کامل غیر از سعی اول شود و ختم سعی دوم به صفا است. و چنانچه زیادی بیش از یک شوط باشد، تمام نمودن آن به قصد رجاء مانعی ندارد.

مسأله 485: هرگاه عمدا از سعی خود کم کند و تا قبل از وقوف به عرفات انجام ندهد، حکم را بداند یا نداند، حج او باطل می شود و باید به «حج افراد» عدول نموده و عمره مفرده بجا آورد و سال آینده حج را اعاده کند. و چنانچه کمبود سعی از روی فراموشی و بعد از شوط چهارم باشد، واجب است بقیه را هر وقت یادش آمد انجام دهد، هر چند بعد از فراغت از اعمال حج باشد، و در صورتی که شخص نتواند انجام دهد یا سخت باشد، واجب است نایب بگیرد، مثل این که پس از بازگشت به وطن یادش بیاید. و اگر نقصان سعی قبل از شوط چهارم بوده و فراموش کرده، احتیاط واجب این است که آن را تمام نموده و سپس سعی را به طور کامل اعاده کند و در صورت دشواری نایب بگیرد.

مسأله 486: اگر در عمره تمتع فراموش کرد مقداری از سعی را انجام دهد، از احرام خارج نمی شود. و اگر به اعتقاد این که از سعی فراغت یافته یا عیال خود نزدیکی نماید، ناخن خود را بگیرد، یا موی خود را بچیند، باید یک گاو کفاره بدهد. و لازم است سعی را به نحوی که گفته شد تمام نماید.

مسأله 487: حکم شک در عدد شوط های سعی، مانند حکم شک در عدد شوط های طواف است، پس هرگاه در عدد شوط های سعی شک کند، سعی اش باطل است و باید از سر بگیرد.

مسأله 488: شک در عدد شوطهای سعی بعد از تقصیر اعتبار ندارد و اگر قبل از تقصیر باشد سعی را باطل می کند و لازم است سعی را از سر بگیرد.

مسأله 489: اگر هنگامی که در مروه است شک کند شوطی را که انجام داده هفتم بوده یا نهم، به شک خود اعتنا نکند و سعی اش صحیح است. ولی اگر این شک در میان شوط پیدا



شد (هنوز به مروه نرسیده)، سعی اش باطل است و لازم است آن را از سر بگیرد.

مسئله 490: موالات (پی در پی بودن) در اشواط سعی واجب نیست، بلکه می تواند در بین صفا و مروه یا روی هردو کوه بنشیند و استراحت کند و یا مشغول شود به کار دینی (مثل نماز) یا کار عادی (مانند این که برود غذا بخورد و برگردد)، سپس باقیمانده سعی را کامل نماید، البته نه این که فاصله خیلی زیاد شود به طوری که از روزی به روز دیگر برود، مگر مدت زیاد به خاطر فراموشی باشد، مثلاً اگر مقداری از سعی باقی بود و فراموش کرد و به وطن بازگشت، می تواند پس از مراجعت، باقیمانده را انجام دهد و اگر تمکن از برگشتن ندارد برای همان مقدار نایب بگیرد.

مسئله 491: چنانچه پس از فراغت از سعی یقین پیدا کرد سعی او ناقص بوده (چه یک شوط باشد یا بیشتر یا کمتر)، همان مقدار نقص را انجام دهد کافی است و اگر تمکن نداشت باید نایب بگیرد.

مسئله 492: واجب است سعی بعد از نماز طواف باشد و جایز نیست در حال اختیار سعی را بر نماز طواف مقدم بدارد، اما در حال اضطرار (مانند ناپاک بودن زن می تواند سعی را مقدم بدارد).

مسئله 493: هرگاه طواف را انجام داد و قدرت بر سعی پیدا نکرد (تا آخر ذي الحجة در سعی حج، یا تا وقتی که برای رفتن به عرفات وقت باشد در سعی عمره تمتع، یا قبل از اینکه موالات بین طواف و سعی به هم بخورد در عمره مفرده)، حج و عمره اش صحیح است و هر وقت تمکن پیدا کرد، باید سعی را انجام دهد.

## 5- تقصیر

مسئله 494: پنجم از واجبات عمره تمتع، تقصیر است و با تقصیر، عمره تمتع پایان می پذیرد و از احرام بیرون می آید.

مسئله 495: تقصیر یعنی کم کردن مقداری از ناخن دست یا پا، یا چیدن مقداری از موی سر یا ریش یا سبیل و کندن مو کفایت نمی کند بلکه باید چیده شود.

مسئله 496: نیت در تقصیر لازم است، مثلاً چنین می گوید: تقصیر می کنم برای عمره تمتع قرب

مسأله 497: لازم نیست تقصیر را بلافاصله بعد از سعی انجام دهد، هرچند احتیاط غیر لازم است و محل معینی برای تقصیر نیست، بلکه می تواند آن را در مروه، یا در منزل و یا جای دیگر انجام دهد.

مسأله 498: با انجام تقصیر تمام چیزهایی که بر محرم حرام بوده، حلال می شود.

مسأله 499: هرگاه تقصیر را عمدا ترک کرد تا وقتی که محرم به احرام حج شد، عمره اش باطل می شود و حج او تبدیل به «حج افراد» می گردد و پس از اعمال «حج افراد»، باید عمره مفرده ای بجا آورد و احتیاط لازم این است که حج را در سال بعد اعاده کند.

مسأله 500: هرگاه تقصیر را سهوا ترک کرد تا وقتی که محرم به احرام حج تمتع شد، عمره اش صحیح است و بنا بر احتیاط لازم باید یک گوسفند به عنوان کفاره بکشد. اما اگر از روی ندانستن مسأله تقصیر را ترک کرد، عمره اش صحیح است و کفاره ندارد. و اگر معتقد بوده که تقصیر را انجام داده و بعد از احرام حج معلوم شود که آن را انجام نداده، همین حکم جاری است که در این صورت عمره صحیح است و کفاره ندارد.

مسأله 501: طواف نساء در عمره تمتع واجب نیست اما بجا آوردن آن به قصد رجاء اشکالی ندارد.

مسأله 502: هرگاه عمره تمتع را انجام داد و قدرت بر انجام حج تمتع نداشت، احوط انجام طواف نساء و نماز آن می باشد.

تا این جا اعمال عمره تمتع که عبارت بود از: احرام، طواف، نماز طواف، سعی و تقصیر به پایان رسید.

مسأله 503: همین که محرم در عمره تمتع تقصیر نمود، آنچه به جهت احرام بر او حرام شده بود، حلال می شود به جز سر تراشیدن. پس اگر عمره تمتع در ماه شوال بجا آورده شود، سر تراشیدن تا سی روز از عید فطر گذشته جایز است، ولی بعد از آن احتیاط لازم این است که سر تراشیده نشود و چنانچه دانسته و عمدا بتراشد، بنا بر احتیاط لازم باید یک گوسفند کاره بدهد.

مسأله 504: پس از تمام شدن اعمال عمره تمتع احوط این است که از مکه مکرمه خارج نشود

مگر این که ضرورت ایجاب کند و یا نیازی باشد و یا به احرام حج تمتع محرم شود سپس خارج شود. البته خارج شدن به اطراف مکه و منی اشکال ندارد.

مسأله 505: بعد از پایان عمره تمتع، مستحب است روز هشتم ذی الحجة، برای حج تمتع محرم شود و گرنه روز نهم واجب است برای حج محرم گشته و به عرفات برود.

ص: 101



مسأله 506: اعمال واجب حج تمتع سیزده چیز است و چنین نیت می کند: حج تمتع بجا می آورم قربة إلى الله تعالى.

### تفصیل اعمال حج تمتع

#### 1- احرام

مسأله 507: اولین واجب از اعمال حج تمتع، احرام است و این احرام با احرام عمره تمتع از نظر کیفیت، شرایط، واجبات و محرمات بیست و پنجگانه یکی است و تنها در دو مورد با آن اختلاف دارد:

1- در نیت فرق می کند به طوری که در احرام عمره قصد می کرد: «محرم می شود به احرام عمره تمتع قربة إلى الله تعالى» و در احرام حج قصد می کند: «محرم می شوم به احرام حج تمتع قربة إلى الله تعالى».

2- در میقات فرق می کند، میقات احرام حج تمتع شهر مکه مکرمه است و از هر جای شهرکه باشد اشکالی ندارد و بین مکه قدیم و جدید فرقی نیست. مستحب و احتیاط غیر لازم است که از مسجدالحرام، در مقام ابراهیم و یا در حجر اسماعیل علیهما السلام محرم شود.

مسأله 508: زمان احرام حج تمتع از وقتی است که از عمره فارغ می شود تا وقتی که بتواند خود را به وقوف در عرفات برساند. و مستحب و احتیاط غیر لازم این است که روز ترویبه (هشتم ذی الحجة) محرم شود. و بهترین زمان در روز ترویبه، بعد از زوال و بجا آوردن نماز ظهر و عصر است. و سه روز قبل از روز ترویبه نیز جایز است، خصوصاً برای پیرمردان و بیماران در صورتی که از ازدحام بترسند که این دو دسته محرم می شوند و قبل از بیرون رفتن مردم، از مکه بیرون می روند. و گفته شد که بیرون رفتن از مکه با احرام حج به خاطر ضرورت، بعد از فراغ از عمره هر وقت باشد جایز است.

مسأله 509: اگر نتواند از مکه احرام ببندد، از هر جا که ممکن است حتی از خود عرفات. محرم شود.

مسأله 510: زمان احرام حج وقتی تنگ می شود که تأخیرش باعث نرسیدن به وقوف در عرفات

در روز عرفه (نهم ماه ذی الحجة الحرام) شود.

مسأله 511: اگر عالما و عامدا از غیر مکه معظمه برای حج محرم شد، احرامش باطل است و باید به مکه برگردد و تجدید احرام نماید و اگر برگشت و تجدید احرام نکرد، حجش باطل است.

مسأله 512: کسی که احرام حج را دانسته و عمدا ترک کند، لازم است تدارک نماید. و اگر پیش از وقوف به عرفات نتواند محرم بشود، حجش باطل است و لازم است سال بعد اعاده نماید.

مسأله 513: محرم به احرام حج تمتع، بنا بر احتیاط لازم نباید قبل از رفتن به عرفات طواف مستحبی بجا آورد و اگر طواف مستحبی نمود، بنا بر احتیاط واجب باید بعد از طواف، تلبیه را تجدید کند.

مسأله 514: اگر از روی جهل یا فراموشی از غیر مکه مکرمه محرم شد، باید به مکه برگردد و احرام را تجدید نماید، و اگر امکان برگشت نبود، واجب است هر جا که هست احرام را تجدید کند و حجش صحیح خواهد بود.

مسأله 515: کسی که احرام حج را از روی فراموشی یا ندانستن حکم ترک نموده و از مکه بیرون رفته، سپس یادش آمده یا حکم را بداند، واجب است به مکه برگردد (هر چند از عرفات باشد) و از مکه محرم شود. و چنانچه به جهت تنگی وقت یا عذر دیگری نتواند به مکه برگردد، از همان جایی که هست محرم شود. و احتیاط لازم آن است که به مقداری که فوت وقوف در عرفات نشود، به سوی مکه برگردد، چنان که در احرام عمره گذشت. و اگر بعد از وقوف به عرفات یادش بیاید یا حکم را یاد بگیرد، باید از جایی که هست احرام ببندد، هر چند متمکن از بازگشت به مکه و احرام از مکه باشد.

مسأله 516: اگر به کلی احرام را فراموش کند تا این که کلیه اعمال حج را انجام دهد، حجش صحیح است.

مسأله 517: شخصی که عمره بجا می آورد جایز نیست قبل از تقصیر، برای حج احرام ببندد. و کسی که برای حج محرم شد، جایز نیست قبل از تمام شدن اعمال حج، برای عمره مفرده احرام

ببندد. ولی احرام بستن برای عمره مفرده پس از اعمال حج و قبل از طواف نساء مانعی ندارد.

## 2- وقوف در عرفات

مسأله 518: دوم از واجبات حج تمتع: وقوف (یعنی بودن) در سرزمین عرفات در روز نهم ذی الحجة (روز عرفه) است با قصد قربت. برای وقوف باید چنین نیت کند: در سرزمین عرفات از اذان ظهر تا غروب آفتاب وقوف می کنم برای حج تمتع قرب الی الله تعالی. و مراد از وقوف، حاضر بودن در عرفات است بدون مرور، چه این حضور سواره باشد یا پیاده، چه در حال حرکت و چه آرام. هرچند مستحب است که با حال سکینه و وقار و خضوع برای خداوند تعالی باشد.

مسأله 519: حدود عرفات به وسیله علامت های موجود تعیین شده است که نام آنها ثویه (بطن عرفه) و ذی المجاز و مأزین (اقصى الموقوف) است و خارج از موقوف می باشند و وقوف خارج از آن کافی نیست.

مسأله 520: وقت وقوف در عرفات، از اول اذان ظهر روز نهم ذی الحجة (روز عرفه تا غروب آفتاب است و این وقوف في الجملة از ارکان حج است که ترک عمدی تمام آن، موجب بطلان حج می شود. ولی اگر مقداری از این وقت را عمدا ترک نماید، معصیت کرده اما حج باطل نیست و در غیر عمدش معصیت نیز نیست.

مسأله 521: «جبل الرحمة» کوهی در صحرای عرفات از موقوف است، ولی وقوف بر آن مکروه است و مستحب است وقوف در دامنه ی آن باشد. و مکروه است وقوف نزد اراک و نزد الهیضات.

مسأله 522: اگر کسی از روی فراموشی وقوف به عرفات را به کلی ترک کرد تا وقت وقوف تمام شد، حشش صحیح است و به وقوف مشعر اکتفا می شود، و اگر تا وقت باقی است یادش آمد، باید فوراً به عرفات برود و وقوف را انجام دهد، چه آن وقت باقیمانده از وقت وقوف اختیاری عرفه باشد (که از اول اذان ظهر است تا غروب آفتاب) یا وقت اضطراری آن (که از اول غروب آفتاب روز عرفه است تا اذان صبح روز عید قربان) و در این صورت به هر اندازه که وقوف

کند، حتی ربع ساعت یا کمتر کافی است و بودن تمام شب لازم نیست.

مسئله 523: اگر از روی فراموشی قبل از غروب آفتاب از عرفات خارج شد، چنانچه تا وقت باقی است متوجه شود، باید به عرفات برگردد و اگر متوجه نشد، چیزی بر او نیست و حجش صحیح است.

مسئله 524: وقوف در عرفات باید با نیت و اختیار باشد، پس اگر در عرفات در مجموع وقت، خواب یا بیهوش باشد، وقوف را بجا نیاورده است. ولی اگر نیت وقوف به عرفات نموده و با این نیت به خواب رفته و خواب بماند تا وقت خارج شود، بعید نیست وقوف حاصل شده و کافی باشد، حتی اگر قبل از ظهر بخوابد.

مسئله 525: وقوف مختصر در عرفات، بعد از ظهر روز عرفه، رکن حج است و به ترک آن حج باطل می شود، و وقوف در عرفات از اول ظهر روز نهم ذی الحجة تا غروب واجب است. و کسی که تمام این وقت را در عرفات نباشد معصیت کرده است، ولی حجش باطل نخواهد شد، اما اگر از روی عمد اصلا وقوف نکند، حجش باطل می شود. پس رکن وقوف مختصر است هر چند لحظه ای باشد، نه وقوف در تمام وقت، گرچه وقوف در تمام وقت واجب است.

مسئله 526: کسی که به جهت فراموشی یا ندانستن حکم یا عذر موجه دیگری وقوف اختیاری (از ظهر تا غروب) را درک نکرد، وقوف اضطراری (مقداری از شب عید) بر او لازم است و حد آن تا طلوع فجر روز عید است و با این وقوف حجش صحیح خواهد بود و اگر این وقوف را عمدا ترک کند، حجش باطل می شود.

مسئله 527: کوچ کردن از عرفات قبل از غروب آفتاب، دانسته و عمده حرام است، ولی حج را باطل نمی کنند، و کسی که کوچ کرد و پشیمان شد و برگشت، چیزی بر او نیست، ولی اگر برگشت، باید یک شتر کفاره بدهد و در منی آن را بکشد. و چنانچه نتواند یک شتر کفاره بدهد، باید هجده روز پی در پی روزه بگیرد، بدون فرق بین این که در سفر روزه بگیرد یا در حضر و نیز در مکه بگیرد یا در محل خودش. و این حکم نسبت به کسی که فراموش کرده یا حکم را



نمی دانسته و قبل از غروب کوچ کند نیز جاری است. یعنی اگر یادش آمد یا حکم را یاد گرفت، باید برگردد و اگر برنگشت بنابر احتیاط واجب باید یک شتر کفاره بدهد و اگر نتوانست هجده روز روزه بگیرد.

مسئله 528: واجب است راجع به هلال ماه ذی الحجة تحقیق شود و در صورت عدم ثبوت شرعی، همراه با مردم به عرفات رود، و در صورتی که بر جان و مال خود نترسد، بنابر احتیاط واجب عمل به وظیفه واقعی هم بنماید.

### 3- وقوف در مشعر الحرام (مزدلفه)

مسئله 529: سوم از واجبات حج تمتع: وقوف (یعنی بودن) در مزدلفه (مشعرالحرام) است قرب الی الله تعالی.

مسئله 530: واجب است بعد از آن که محرم، شب عید از عرفات خارج می شود، به مشعرالحرام برود و احوط این است که شب عید را در مشعر باشد و هنگامی که فجر طلوع کرد چنین نیت می کند: در سرزمین مشعرالحرام وقوف می کنم از اذان صبح تا طلوع آفتاب روز دهم ذی الحجة برای حج تمتع قرب الی الله تعالی.

مسئله 531: حدود مشعر (مزدلفه) که به وسیله علامت های موجود تعیین شده است. از مازمین تا حیاض و وادی محشر که در آن ها نباید وقوف نمود، مگر در صورت ازدحام جمعیت و تنگی وقت که باید از مازمین بالا رفت. معتبر و وقوف خارج از مشعر مجزی نیست، و وقوف در مشعر از واجبات اساسی حج است. اگر کسی عمدا آن را ترک نماید حشش باطل است. وقوف در مشعرالحرام هم باید با نیت و قربة الی الله باشد.

مسئله 532: غیر از وقوف بین الطلوعین، بیتوته (شب ماندن) هم، در مشعر در شب عید قربان واجب است، بنابر احتیاط لازم. و نباید عمدا کوچ از عرفات به مشعر را تا طلوع فجر به تأخیر بیندازد.

مسئله 533: بایستی بیتوته و وقوف در مشعر با نیت باشد و قربة الی الله، و هنگام طلوع فجر

روز عید قربان، باید جهت وقوف بین الطلوعین در مشعر تجدید نیت کند، مگر این که از شب قصد کند که شب را در مشعر می مانم و بین الطلوعین را نیز خواهم ماند، و همین نیت کفایت می کند.

مسأله 534: وقوف در مشعر دو قسم است:

1- وقوف اختیاری که از اول اذان صبح روز عید قربان است تا اول طلوع آفتاب، و مقدار رکن، وقوف در این فاصله است هر چند کم باشد. و اگر کسی پس از گذشتن چند دقیقه از اذان صبح، عمداً از مشعر خارج شد و تا طلوع آفتاب نماند، معصیت کرده اما حجتش صحیح است.

2- وقوف اضطراری مشعر دو وقت است: یکی از اول آذان مغرب شب عید تا اذان صبح، و دیگری از اول طلوع آفتاب روز عید قربان تا ظهر همان روز.

مسأله 535: برای مردان در صورت اختیار وقوف اختیاری واجب است و اگر اصلاً بجا نیآورد، حجتش باطل می شود، اما زنان و کودکان و بیماران و اضعاف ضعیف مانند پیرمردان و بیماران که در شلوغی اذیت می شوند و کسانی که از دشمن ترس دارند، می توانند شب عید مقداری وقوف نموده و قبل از طلوع فجر به منی کوچ کنند، به شرط آن که نیت وقوف شب را داشته باشند. و بنابر احتیاط غیر لازم قبل از نیمه شب از مشعر بیرون نروند. و همچنین حمله دار و کارمند کاروان می توانند از مشعر خارج شوند به شرط آن که در بیرون رفتن، بر مقدار ضرورت اقتضار کنند و قبل از طلوع فجر به مشعر بازگردند.

مسأله 536: کسی که شب عید را در مشعر وقوف کرده و از روی ندانستن حکم، قبل از طلوع فجر کوچ نماید، حجتش صحیح است ولی باید یک گوسفند کاره بدهد.

مسأله 537: کسانی که جاهل به حکم یا موضوع بوده و با فراموش کار و مضطر باشند، به همان وقوف اضطراری اکتفا نموده و کاره نیز ندارند.

مسأله 538: اگر وقوف اختیاری (مابین اذان صبح روز عید تا طلوع آفتاب) و اضطراری اول (از اذان مغرب تا اذان صبح روز عید) را درک نکرده، لازم است وقوف اضطراری دوم را (که مقداری از اول آفتاب روز عید است تا ظهر) انجام دهد.

مسأله 539: کسی که فراموش کند یا به جهت عذر دیگری نتواند بین الطلوعین، وقوف اختیاری مشعر کند، وقوف اضطراری بعد از طلوع آفتاب تا ظهر روز عید کافی است به شرط آن که از شب نیت وقوف داشته باشد و اگر آن را عمداً ترک کند، حجش فاسد خواهد شد.

مسأله 540: درک وقوفین چند قسم است:

1- تنها وقوف اختیاری عرفه را درک کند و از وقوف مشعر معذور باشد (به جهت اضطرار یا سایر عذرها) در این صورت حج صحیح است.

آن که فقط وقوف اختیاری عرفات را درک کند؛ چنانچه از مشعر عبور کرده و عدم وقوفش در مشعر به خاطر ندانستن حکم یا موضوع باشد، بعید نیست حجش صحیح باشد، به خصوص اگر در مشعر ذکر خدا نموده است، گرچه احتیاط غیر لازم اعاده حج است. و اگر بتواند وقوف اضطراری قبل از ظهر عید را درک کند، باید برگردد و قدری توقف کند، در این صورت حجش بی اشکال صحیح است. ولی اگر از مشعر عبور نکرده یا عبور کرده و عمداً وقوف ننموده، حجش باطل است و باید عدول به عمره مفرده نماید.

2- تنها وقوف اضطراری عرفات را درک کرده باشد (مقداری از شب عید)، حج او صحیح نیست در این صورت حجش باطل است و بدل به عمره مفرده می شود.

3- تنها وقوف اختیاری مشعر را درک کرده باشد و عمداً وقوف عرفات را ترک نکرده باشد بلکه به جهت عذری ترک شده، حج صحیح است. اما اگر عمداً وقوف در عرفات را ترک کرده باشد، حج صحیح نیست.

4- تنها وقوف اضطراری مشعر را درک نماید، چنانچه وقوف اضطراری شب عید یا وقوف اضطراری پیش از ظهر روز عید را درک کند و وقوف عرفات را عمداً ترک نکرده باشد، حجش صحیح است گرچه بنا بر احتیاط غیر لازم در هر دو صورت حج را در سال بعد اعاده کند و اگر عمداً وقوف عرفات را ترک کرده باشد، حج صحیح است.

5- هر دو وقوف اختیاری مشعر و عرفات را درک کند، حج صحیح است.

6- اختیاری عرفه و اضطراری مشعر را درک نماید، حج صحیح است.

7- اضطراری عرفه و اضطراری مشعر را درک نماید، در این صورت حجت صحیح است، و اگر از سال های قبل مستطیع بوده یا استطاعت تا سال بعد باقی بماند، بنابر احتیاط واجب اعاده نماید.

8- اضطراری عرفه و اختیاری مشعر را درک نماید، حج صحیح است.

9- هیچ یک از دو وقوف را درک نکند نه اختیاری و نه اضطراری آن را، حج باطل است. از روی علم باشد یا جهل، معذور باشد یا نباشد. و اگر گوسفند همراه او باشد، باید قربانی کند، و مستحب است با حاجیان در منی بماند. و هنگامی که به مکه برگشت، باید با همان احرام حج، عمره مفرده بجا آورد و از احرام بیرون آید. و چنانچه از سال های قبل مستطیع بوده یا استطاعتش باقی ماند، باید در سال بعد حج نماید.

مسأله 541: چنانچه محرم به احرام حج شد ولی حج از او فوت شد، مانند این که هیچ یک از وقوفین اختیاری و اضطراری را درک نکرد، باید اعمال عمره مفرده را انجام دهد. یعنی از نیت احرام حج به احرام عمره مفرده عدول نماید و اعمال آن را انجام دهد و محل شود و بقیه مناسک مثل اعمال منی و مکه از او ساقط است.

مسأله 542: یکی از مستحبات وقوف در مشعر، جمع آوری مقداری سنگ ریزه برای رمی جمرات در منی است و جایز است بیشتر از آنچه رمی می نماید بردارد که اگر تعدادی خطا کرد از زیادی استفاده نماید گرچه اگر کم برداشت یا کم آورد، می تواند از رنگ های منی یا وادی محشر استفاده کند.

مسأله 543: واجب است انسان بعد از طلوع آفتاب روز عید، از مشعر به منی برود تا اعمال مخصوص منی را انجام دهد و اعمال آن سه چیز است: رمی جمره عقبه، قربانی کردن در منی و حلق یا تقصیر.

#### 4- رمی جمره عقبه

مسأله 544: چهارم از واجبات حج تمتع: رمی جمره عقبه در منی در روز عید است، و سه جمره در

منی موجود است که آخرین آنها به سوی مکه مکرمه به نام جمره عقبه می باشد.

مسأله 545: واجبات رمی چند چیز است:

1- نیت با قصد قربت به این صورت: رمی می کنم جمره عقبه را به هفت سنگ ریزه برای حج تمتع یا افراد برای خود یا برای منوب عنه قربه الی الله تعالی.

2- باید هفت سنگ ریزه رمی کند، نه زیاده تر نه کمتر. اما اگر احتیاط چند سنگ ریزه اضافه بزند اشکالی ندارد.

3- باید سنگ ریزه ها به جمره برسد (بخورد).

4- باید سنگ ریزه ها را پرتاب کند و گذاشته سنگ ریزه بر جمره کافی نیست. و اگر سنگ ریزه به چیزی برخورد کرد سپس به جمره رسید بنابر احتیاط لازم کافی نیست.

5- زدن ریگ ها یکی پس از دیگری باشد، یعنی در هفت نوبت پرتاب شود نه این که همه را با هم بزند. همچنین است بنابر احتیاط لازم اگر جدا جدا زد ولی با هم به جمره خوردند.

6- رمی در بین طلوع و غروب آفتاب (در روز) باشد، مگر کسانی که شبانه از وقوف اضطراری مشعر استفاده کرده و وارد منی شده اند، مانند زنها که می توانند شب رمی نمایند. ولی بنابر احتیاط مستحب اگر می توانند در روز می کنند یا نایب بگیرند.

مسأله 546: هرگاه شک کند که سنگ ریزه ها به جمره رسید یا نه، بنا را به نرسیدن بگذارد و سنگ دیگری پرتاب کند، مگر آن که شک وی وقتی باشد که شب داخل شده و یا مشغول انجام واجب دیگری مانند قربانی کرده باشد که در این صورت به شک اعتنا نکند، بلکه اقوی عدم اعتنا به شک است اگر شک پس از اتمام رمی و برگشتن از محل رمی حاصل شد، چه شک در عدد باشد یا در یکی از واجبات رمی.

مسأله 547: لازم است این ریگ ها بکر باشند یعنی با آنها قبلا رمی جمره نشده باشد و باید متوسط باشد نه خیلی ریز و نه خیلی درشت مثلا به اندازه یک بند انگشت، و جنس آن باید سنگ باشد، پس کلوخ و چوب و خزف و امثال آن کفایت نمی کند، و لازم نیست سنگ ریزه ها

پاک باشند، اما باید سنگ ریزه ها از محدوده حرم برداشته شود.

مسأله 548: لازم نیست سنگ ریزه ها را به طور متوالی رمی کند، بلکه جایز است در اثنای رمی کمی استراحت نماید، اما اگر فاصله زیاد شد اعاده کند.

مسأله 549: رمی جمرات از طبقه فوقانی حتی در غیر حال اضطرار جایز است.

مسأله 550: مستحب است سنگ ریزه ها رنگین و خال دار و سست و به مقدار یک بند انگشت باشند.

مسأله 551: مستحب است انسان در حین رمی، پیاده و با طهارت باشد، و در محل رمی آل محمد و بنی هاشم صلی الله علیهم باشد.

مسأله 552: اگر کسی از روی ندانستن حکم یا فراموشی، در روز عید رمی جمره نکرد، لازم است تا روز سیزدهم هر وقت یادش آمد یا حکم را فهمید، تدارک نماید. و چنانچه شب یادش آمد، باید فردا رمی کند و این در صورتی است که از کسانی نباشد که رمی در شب برایشان جایز است. و اگر پس از روز سیزدهم حکم را دانست یا یادش آمد که رمی نکرده، احتیاط لازم این است که به منی رفته و رمی کند و در سال بعد نیز رمی را خودش یا نایبش بجا آورد. و چنانچه بعد از بیرون رفتن از مکه دانست یا یادش آمد، برگشتن بر او واجب نیست، بلکه بنا بر احتیاط واجب باید در سال بعد خودش یا نایبش رمی را بجا آورد.

مسأله 553: چنانچه از روی فراموشی یا ندانستن حکم، روز عید رمی جمره نکرد و پی از طواف حج حکم را فهمید یا یادش آمد و تدارک نمود، اعاده طواف حج بر او واجب نیست، هر چند احتیاط غیر لازم اعاده طواف حج است. ولی اگر ترك رمی از روی علم و عمد باشد طوافش باطل است و واجب است بعد از تدارک نمودن رمی، طواف را اعاده کند.

## 5- قربانی

### اشاره

مسأله 554: پنجم از واجبات حج تمتع و دوم واجب منی، قربانی کردن روز عید قربان در منی است.

مسأله 555: برای قربانی کردن واجب است:

1- نیت کند.

2- قربانی از انعام ثلاثه (شتر، گاو یا گوسفند) باشد.

3- و سن خاصی داشته باشد.

4- و تام الخلقه باشد.

5- مراسم قربانی کردن در روز عید یا ایام تشریق باشد.

6- و در منی انجام شود.

7- و حاجی در این مراسم ترتیب را رعایت کند.

8- و قربانی را از محدوده حرم خارج نکند.

مسأله 556: باید خود حاجی با قصد قربت نیت کند، مثلاً بگوید: قربانی می کنم برای حج تمتع قربة إلى الله تعالی. و اگر قصاب قربانی را می کشد، هردو نیت کنند و چنانچه فقط حاجی نیت کرد، کافی است.

مسأله 557: قربانی یعنی شتری را نحر، یا گاو یا گوسفند یا بز را ذبح کنند (نحر: کشتن شرعی شتر و ذبح: کشتن شرعی غیر شتر است). و باید با قصد قربت و در روز واقع شود، مگر برای کسی که بترسد، که می تواند شب قربانی کند.

مسأله 558: واجب است قربانی کردن، بعد از رمی باشد. اما اگر فراموش کرد یا نمی دانست و قبل از رمی قربانی کرد، صحیح است و اعاده لازم نیست. و باید قربانی در زمین می باشد و در حال اختیار در غیر آن، مثل وادی محشر، کفایت نمی کند. اما در صورت اضطرار و عسر و حرج و مانند آن، در غیر منی نیز کفایت می کند.

مسأله 559: بنابر احتیاط لازم باید در روز عید قربان، قربانی کند. اما اگر از روی فراموشی یا ندانستن حکم یا عذر دیگری آن را ترك نمود، باید تا آخر ایام تشریق (یازدهم، دوازدهم، سیزدهم ذی الحجة) تدارك نماید. و چنانچه عذر او مستمر بود، می تواند تا آخر ماه ذی الحجة آن را به تأخیر بیاندازد. و اگر بعد از طواف دانست یا یادش آمد و تدارك نمود، واجب نیست طواف را اعاده

ص: 113

کند، هر چند اعاده اش احتیاط غیر لازم است. و اگر عمدا و دانسته قربانی نکرد و طواف نمود، طوافش باطل است و واجب است بعد از قربانی طواف را اعاده نماید.

مسأله 560: قربانی باید شتر، گاو یا گوسفند باشد. و چنانچه شتر باشد، باید سال پنجم را تمام کرده و در سال ششم داخل شده باشد، و اگر این مقدار سن نداشته باشد کافی نیست. و چنانچه گاو یا بز باشد، بنابر احتیاط لازم باید سه ساله باشد و کمتر از آن کافی نیست. و چنانچه گوسفند باشد، باید هشت ماهه باشد و کمتر از آن کافی نیست، و بنابر احتیاط لازم باید یک سالش تمام و داخل سال دوم شده باشد.

مسأله 561: چنانچه پس از قربانی کردن معلوم شد که قربانی ست لازم را نداشته، لازم است قربانی دیگری را که دارای سن معتبر باشد، قربانی کند.

مسأله 562: قربانی باید همه اعضایش سالم باشد. بنابراین کور، شل، اخته شده، شاخ شکسته و مانند اینها کفایت نمی کند و لاغر نیز نباید باشد. و بهتر و احتیاط غیر لازم این است که بیمار و موجوء (رگ مالیده) و مرضوض (تخم کوبیده) و پیری که استخوانش آب شده، نباشد. قربانی که گوشش بریده یا سوراخ باشد مکروه است، گرچه احتیاط غیر لازم این است که از این ها نیز سالم باشد. و احتیاط غیر لازم و بهتر آن است که قربانی طوری نباشد که از اصل خلقت شاخ و دم نداشته باشد.

مسأله 563: یک قربانی تنها برای یک نفر کافی است و برای دو نفر یا بیشتر کافی نیست مگر در حج مستحبی.

مسأله 564: هرگاه قربانی را به عقیده این که سالم است ذبح نمود و بعد معلوم شد عیبی داشته، لازم نیست قربانی دیگری نماید.

مسأله 565: اگر کسی نتواند قربانی واجد شرایط ذکر شده را فراهم نماید، باید هر قدر از شرایط را که قدرت دارد تحصیل کند.

مسأله 566: هرگاه قربانی را به خیال اینکه لاغر نیست خرید و بعد از ذبح معلوم شد لاغر بوده،



یا به اعتقاد اینکه لاغر است خرید و بعد از ذبح معلوم شد لاغر نبوده، یا موقع خرید لاغر نبود ولی موقع ذبح لاغر شد، در هر سه صورت کافی است، اما اگر پیش از ذبح معلوم شود لاغر بوده علی الأحوط کافی نیست.

مسأله 567: چنانچه قربانی را به اعتقاد کامل بودن خرید و معلوم شد ناقص است، اگر پول آن را پرداخته، کافی است و اگر پولش را نپرداخته - علی الأحوط - لازم است تبدیل نماید، و اگر با اعتقاد به ناقص بودن خرید و بعد معلوم شد کامل است، در صورتی که قصد قربت شده باشد کافی است، حتی اگر بعد از ذبح معلوم شود.

مسأله 568: چنانچه در چاق حیوان شك دارد، ولی به قصد فرمانبرداری و به امید این که به درگاه خداوند قبول افتد آن را بکشد و بعد معلوم شود چاق بوده، کفایت می کند.

مسأله 569: هرگاه قربانی سالم و بی عیبی خرید و پس از خرید مریض شد یا عیبی پیدا کرد، کشتن همان کافی است و لازم نیست تعویض نماید.

مسأله 570: نباید چیزی از قربانی را از محدوده حرم خارج کند مگر اینکه در منی و محدوده حرم مورد مصرف نباشد.

مسأله 571: هرگاه قربانی را خرید و گم شد، باید قربانی دیگری به جای آن بخرد و اگر قربانی اولی پیدا شد باید اولی را بکشد و نسبت به دومی مختار است که بکشد یا نه و در حکم سایر اموالش خواهد بود، هر چند احتیاط غیر لازم و بهتر این است که آن را نیز بکشد. و چنانچه قربانی اول بعد از کشته شدن قربانی دوم پیدا شد، بنابر احتیاط واجب باید اولی را نیز بکشد.

مسأله 572: اگر سه روز روزه گرفت سپس قربانی پیدا شد کشتن آن بر او واجب نیست، گرچه بهتر است.

مسأله 573: اگر قربانی گمشده ای را پیدا کرد، باید تا روز دوازدهم اعلان و تعریف کند، و چنانچه صاحبش پیدا نشد، عصر روز دوازدهم آن را از طرف صاحبش بکشد.

مسأله 574: کسی که پول قربانی را دارد و قربانی نیابد، باید پول را نزد شخص امینی امانت

بگذارد که تا آخر ماه ذی الحجة با آن پول، قربانی بخرد و ذبح کند. و چنانچه ماه ذی الحجه گذشت، نباید آن را بکشد مگر در سال بعد. و اگر این نیز ممکن نشد، عوض قربانی باید ده روز روزه بگیرد.

مسأله 575: کسی که نه قربانی دارد و نه پول آن را، باید به جای قربانی کرده ده روز روزه بگیرد، سه روز را در حج (روز هفتم، هشتم و نهم ذی الحجه) و هفت روز دیگر را در وطن خود. و بنابر احتیاط لازم باید هفت روز پی در پی باشد. و سه روز اول را می تواند پس از آغاز اعمال عمره تمتع، از اول ماه ذی الحجه روزه بگیرد و باید پی در پی باشد. و چنانچه به وطن خود برنگشت و در مکه اقامت نمود، باید تا يك ماه صبر نموده و بعد از آن هفت روز روزه بگیرد.

مسأله 576: کسی که به جای قربانی روزه می گیرد، چنانچه نتواند روز هفتم ذی الحجه را روزه بگیرد، باید روز هشتم و نهم را روزه گرفته و روز دیگر را پس از بازگشت از منی روزه بگیرد. و اگر روز هشتم ذی الحجه را نیز نتواند روزه بگیرد، باید هر سه روز را تا برگشتن از منی به تأخیر بیندازد. و احتیاط غیر لازم این است که پس از بازگشت، هرچه زودتر روزه ها را بگیرد و بدون عذر تأخیر ننماید. و اگر پس از بازگشت از منی نتوانست روزه بگیرد، این سه روز را در راه بازگشت به وطن یا در وطن خود روزه بگیرد، ولی نباید بین این سه روز و هفت روز بقیه جمع نماید. و چنانچه تا اول محرم، این سه روز روزه را نگرفت، روزه از او ساقط است و باید در سال بعد قربانی نماید.

مسأله 577: کسی که نه قربانی داشت و نه پول آن را و در حج سه روز روزه گرفت، سپس قربانی برای او ممکن شد، بنابر احتیاط واجب باید قربانی نماید.

مسأله 578: کسی که نمی تواند به تنهایی قربانی تهیه کند و می تواند با دیگری شرکت نماید، بنابر احتیاط واجب باید بین شرکت در قربانی و ده روز روزه گرفتن جمع کند.

مسأله 579: اگر از قربانی و بدل آن (که روزه است) معذور بود، چیزی براو نخواهد بود.

مسأله 580: هرگاه قربانی یا پول آن را به کسی داد و او را در کشتن قربانی وکیل کرد و بعد شك

کرد که آیا وکیل قربانی را انجام داده یا نه، باید بنا را بر این بگذارد که انجام نداده، ولی اگر وکیل راست گو و مورد وثوق باشد و بگوید قربانی کردم کفایت می کند.

مسأله 581: در کفاره، شرایط ذکر شده در قربانی شرط نیست، هر چند احتیاط غیر لازم رعایت آن شرایط است.

مسأله 582: لازم نیست کسی شخصاً در کشتن قربانی و یا کفاره مباشرت کند، بلکه جایز است دیگری را نایب قرار دهد، هر چند در حال تمکن و اختیار، ولی باید نیت قربانی از صاحب قربانی تا هنگام کشتن مستمر باشد و کشنده لازم نیست نیت کند، گرچه احتیاط غیر لازم و بهتر آن است که او نیز نیت کند.

### مصرف قربانی

مسأله 583: بنابر احتیاط واجب باید قربانی سه قسمت شود: يك قسمت را به فقیر مؤمن صدقه بدهد و قسمتی را به مؤمنین هدیه نماید و قسمت باقی مانده را خود بخورد. واجب نیست ثلث فقیر را به خود فقیر بدهد، بلکه جایز است به وکیل فقیر داده شود، گرچه وکیل، صاحب قربانی باشد، و وکیل در آن قسمت بر حسب اجازه موکل خود تصرف می نماید هر تصرفی را که گفته، چه بخشیدن به دیگری، چه فروش، چه اعراض و رها کردن و غیر اینها.

مسأله 584: جدا کردن هر قسمتی از قسمت دیگر لازم نیست و همین که يك سوم مشاع را به عنوان صدقه و يك سوم مشاع را به عنوان هدیه داده و از مقدار باقی مانده بخورد، کافی است.

مسأله 585: کسی که صدقه یا هدیه را می گیرد، هر طور بخواهد می تواند در آن تصرف کند، و بنابر احتیاط لازم آن را به غیر مؤمن نبخشد.

مسأله 586: چنانچه قربانی را ذبح کرد و قبل از صدقه دادن و هدیه نمودن، دزدی آن را دزدید یا ظالمی آن را به زور گرفت، صاحب قربانی ضامن نیست، ولی اگر به اختیار خود آن را تلف نمود یا به غیر مؤمن بخشید، دو سوم هدیه و صدقه را ضامن است.

### 6- حلق یا تقصیر

مسأله 587: ششمین واجب حج تمتع و سوم واجب منی، حلق (تراشیدن سر) یا تقصیر (گرفتن مقداری از موی ناخن) است و باید

1- با نیت حاجی و قربه الی الله باشد.

2- در منی انجام شود.

3- و بنا بر احتیاط واجب باید ترتیب مراعات گردد و در روز انجام شود و جایز است آن را تا آخرین روز از ایام تشریق، به تأخیر بیاندازد، اما مضطر می تواند در شب این کار را انجام دهد.

مسأله 588: رمی جمره عقبه باید در روز عید (دهم ذی الحجة) باشد، ولی قربانی و حلق یا تقصیر را می تواند تا آخر ایام تشریق به تأخیر بیاندازد. بنابراین حلق یا تقصیر باید بعد از رمی جمره و قربانی باشد و اگر از روی فراموشی یا ندانستن حکم آن را بر رمی جمره یا قربانی یا هردوی آنها مقدم کرد، چنانچه ممکن است بنا بر احتیاط واجب باید آن را بعد از رمی و قربانی اعاده کند و احتیاط غیر لازم این است که در صورت عدم امکان نیز اعاده کند.

مسأله 589: تراشیدن سر برای زنان جایز نیست و در حق آنان تقصیر متعین است.

مسأله 590: مردان بین حلق و تقصیر منحیر هستند، و هر کدام را خواسته باشند می توانند اختیار کنند. و سر تراشیدن (حلق) بهتر است. و کسی که موی سر خود را جمع کرده و در هم پیچیده و گره زده یا بافته، باید حلق را اختیار کند. و ضرورت (کسی که برای اولین بار حج می نماید) باید. بنا بر احتیاط لازم. حلق را اختیار کند.

مسأله 591: مردان لازم نیست حلق را با تیغ انجام دهند، بلکه با ماشین های اصلاح (شماره صفر) نیز کفایت می کند.

مسأله 592: کسی که بخواهد سر بتراند و بداند سلمانی سر او را زخمی خواهد کرد، باید اول تقصیر کند و مقداری از موی سر خود را بچیند، سپس سلمانی سرش را بتراند.

مسأله 593: خنثای مشکل اگر موی سر خود را نبافته است، باید تقصیر نماید، و گرنه باید هم تقصیر را انجام دهد و هم حلق را. و بنا بر احتیاط لازم تقصیر را بر حلق مقدم بدارد.

مسأله 594: بعد از حلق یا تقصیر، آنچه بر محرم به واسطه احرام حرام شده بود، حلال می شود، جز نزدیکی با زن و استعمال بوی خوش، بلکه شکار کردن بنا بر احتیاط لازم. بلی برای مردان پوشیدن لباس دوخته و پوشاندن سر، پیش از انجام سعی مکروه است.

مسأله 595: هرگاه از روی فراموشی یا ندانستن حکم، حلق یا تقصیر نکرد تا از منی بیرون رفت، باید به منی برگشته و در آن جا حلق یا تقصیر نماید. و چنانچه بازگشت به منی غیر ممکن یا دشوار باشد، همان جا که هست حلق یا تقصیر کند، و اگر می تواند موی سر خود را به منی بفرستد تا در آن جا دفن شود.

مسأله 596: اگر از روی فراموشی یا ندانستن حکم، حلق یا تقصیر نمود و پس از فراغت از اعمال حج یادش آمد و تدارك کرد، بنا بر احتیاط واجب طواف و سعی را اعاده کند، خصوصا اگر از مکه بیرون نرفته باشد.

مسأله 597: در مواردی که به جای قربانی بخواهد روزه بگیرد، با حلق یا تقصیر حلیت از محرّمات حاصل می شود حتی اگر سه روز روزه را نگرفته باشد. و همچنین اگر وظیفه اش این بود که پول قربانی را نزد شخص امینی بگذارد و گذاشت، گرچه هنوز آن شخص قربانی را تهیه نکرده و ذبح نموده است، با حلق یا تقصیر محرّمات احرام حلال خواهد شد.

## 7- طواف زیارت

مسأله 598: هفتم، هشتم و نهم از واجبات حج تمتع بعد از منی، طواف حج و نماز طواف و سعی سفا و مروه است و کیفیت و شرایط این سه، همان کیفیت و شرایطی است که در طواف و نماز و سعی عمره تمتع بیان شد.

مسأله 599: هفتم از واجبات حج تمتع، طواف حج تمتع است که طواف زیارت نام دارد و این طواف در کلیه واجبات و شرایط آن مانند طواف عمره تمتع است، مگر در نیت که چنین قصد می کند: طواف زیارت بجا می آورم برای حج تمتع قرّبه إلى الله تعالی. و باید پس از حلق یا تقصیر باشد و چنانچه دانسته و عمدتاً طواف را جلو بیاندازد، واجب است طواف را بعد از حلق

یا تقصیر اعاده نماید و يك گوسفند کاره بدهد.

مسأله 600: مستحب و احتیاط غیر لازم آن است که بعد از بجا آوردن اعمال منی (رمی جمره عقبه و قربانی و حلق یا تقصیر) در روز عید قربان، حاجی به مکه معظمه برود و اعمال مکه (طواف، نماز طواف و سعی) را هرچه زودتر انجام دهد و تأخیر آن تا روز یازدهم و انجام آن در روزهای دوازدهم و سیزدهم ذی الحجه مکروه است و احتیاط لازم آن است که پس از سیزدهم تا آخر ماه ذی الحجه بجا نیاورد. و انجام اعمال مکه بعد از ذی الحجه جایز نیست.

مسأله 601: در حج تمتع، جلو انداختن طواف حج و نماز آن و سعی، بروقفین، در حال اختیار جایز نیست، مگر برای افراد معذور مانند زنی که از حیض و نفاس ترس داشته باشد، همچنین بیمار و پیرمرد و پیرزنی که بر اثر ازدحام، انجام این اعمال بعد از منی بر آنها مشقت داشته باشد. شخص مضطر نیز می تواند آنها را بر وقوفین مقدم بدارد، و احتیاط لازم این است که سعی را مقدم داشته و در وقتش نیز اعاده نماید. و اگر می تواند بهتر است طواف و نماز آن را، در ایام تشریق (یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذی الحجه) یا بعد از آن تا آخر ماه اعاده کند.

مسأله 602: کسی که از رفتن به مکه بر جان خود می ترسد، می تواند طواف حج و نماز آن و سعی . بلکه طواف نساء . را بر وقوفین مقدم بدارد. و احتیاط غیر لازم آن است که بعد از برگشتن، اگر بتواند طواف حج و طواف نساء و سعی را دوباره بجا آورد.

مسأله 603: کسی که عارضه ای برایش رخ داده که نمی تواند طواف کند، مانند زنی که حائض یا نفساء شود و نتواند تا پاك شدن در مکه بماند تا طواف کند، لازم است برای طواف و نماز نایب بگیرد. و پس از طواف نایب شخصا سعی را انجام دهد.

مسأله 604: وقتی متمتع، طواف حج و نماز آن را بجا آورد و سعی را انجام داد، محرمات احرام براو حلال می شود، مگر زن و استعمال بوی خوش ( که این دو بعد از طواف نساء و نماز آن حلال می شود)، و بنابر احتیاط لازم شکار. اما می تواند بعد از طواف و سعی عقد نماید ولی جماع جایز نیست، بلکه بنابر احتیاط لازم مطلق لذت بردن جایز نیست.

مسأله 605: کسی که تقدیم طواف و سعی بروقفین برایش جایز است، هرگاه طواف و سعی را بجا آورد، بوی خوش براو حلال نمی شود تا وقتی که مناسک منی (رمی و قربانی و حلق یا تقصیر) را بجا آورد.

### 8- دو رکعت نماز طواف

مسأله 606: هشتم از واجبات حج تمتع: دو رکعت نماز طواف حج تمتع، نزد مقام ابراهیم علیه السلام یا پشت آن است و این نماز یا نماز طواف عمره تمتع فرقی ندارد مگر در نیت، که چنین نیت می کند: دو رکعت نماز طواف حج تمتع بجا می آورم قربة الی الله تعالی.

### 9- سعی بین صفا و مروه

مسأله 607: نهم از واجبات حج تمتع: سعی بین صفا و مروه است و کیفیت و شرایط آن مانند کیفیت سعی در عمره تمتع است و تنها در نیت تفاوت دارد که چنین قصد می کند: سعی بین صفا و مروه انجام می دهم برای حج تمتع قربة الی الله تعالی.

مسأله 608: بعد از این سعی، برخلاف سعی در عمره، تقصیر نیست.

### 10- طواف نساء

### 11- نماز طواف نساء

مسأله 609: دهم و یازدهم از واجبات حج تمتع: طواف نساء و نماز طواف نساء است. طواف نساء و نماز آن در کیفیت و شرایط، مانند طواف حج و نماز آن است فقط در نیت فرق است، که در اینجا چنین قصد می نماید: طواف نساء بجا می آورم برای حج تمتع قرب الی الله تعالی، و نماز طواف نساء بجا می آورم برای حج تمتع قربة الی الله تعالی.

مسأله 610: با انجام طواف نساء و نماز آن، زن نیز حلال می شود و این طواف با نمازش برزن و مرد، کوچک و بزرگ واجب است.

مسأله 611: طواف نساء همان طوری که بر مردان واجب است، بر زنان نیز واجب است، چه بالغ یا ممیزو عاقل باشند و چه غیر بالغ یا دیوان های که ولی آنها آنان را محرم کرده است. پس اگر مرد بجا نیاورد، زن براو حرام می شود، و چنانچه زن ترك نماید، مرد بر او حرام می شود. و کسی

به نیابت دیگری حج می نماید، طواف نساء را برای او بجا بیاورد نه برای خود .

مسأله 612: کسی که به خاطر بیماری و مثل آن به تنهایی نمی تواند طواف نساء را بجا بیاورد، باید از دیگری کمک بگیرد و طواف نماید، هرچند بر دوش انسان یا پشت حیوانی سوار شود. و چنانچه قدرت بر این را هم ندارد، لازم است نایب بگیرد. و این حکم در نماز طواف نیز هست.

مسأله 613: کسی که عمدا طواف نساء را بجا نیاورد، هرچند از روی ندانستن حکم باشد، تا وقتی که شخصا تدارك نکرده، زن بر او حرام است. و کسی که از روی فراموشی بجا نیاورده، چنانچه مباشرتش برای انجام طواف نساء غیر ممکن یا دشوار باشد، می تواند نایب بگیرد. و هر وقت نایب طواف نساء را بجا آورد، زن بر او حلال می شود. و تارك طواف نساء اگر قبل از تدارك فوت نماید، واجب است برای او قضا نمایند، چه تبعی و چه از ترکه اش.

مسأله 614: تقدیم طواف نساء بر سعی جایز نیست و کسی که دانسته و عمدة طواف نساء را جلو اندازد، لازم است بعد از سعی آن را اعاده کند. و هم چنین است اگر از روی ندانستن حکم یا فراموشی آن را جلو بیاندازد، بنابر احتیاط لازم.

مسأله 615: کسی که از روی عذر، طواف نساء را قبل از وقوفین انجام دهد، تا وقتی مناسك منی (رمی و قربانی و حلق یا تقصیر را بجا نیاورده، زن و یا شوهر بر او حلال نمی شود.

مسأله 616: زن حیضی که قافله تا وقت پاك شدن او منتظرش نمی ماند، می تواند طواف نساء را ترك نموده و با قافله همراه شود. و باید برای طواف نساء و نمازش نایب بگیرد. و چنانچه مشغول طواف بوده و پس از بجا آوردن نصف آن حیض شود، می تواند باقی را ترك و یا قافله برود و باید برای باقیمانده طواف و نماز طواف نایب بگیرد.

مسأله 617: حکم فراموش نمودن نماز طواف نساء مانند حکم فراموش کردن نماز طواف حج است که گذشت.

مسأله 618: هرگاه متمتع، طواف نساء و نمازش را بجا آورد، اگر مرد است زن بر او حلال می شود و اگر زن است مرد بر او حلال می شود و تنها چیزی که از محرمات احرام باقی می ماند شکار



است که بنا بر احتیاط لازم تا ظهر روز سیزدهم حرام است. و اما حرمت کندن گیاه و درخت حرم و شکار در حرم، اختصاص به محرم ندارد و بر غیر محرم نیز حرام است.

## 12- بیتوته در منی

مسأله 619: دوازدهم از واجبات حج تمتع: بودن در منی در شب یازدهم و دوازدهم است. و قصد بیتوته و تقرب به خدا در آن معتبر است. و چنانچه کسی روز عید را جهت بجا آوردن طواف و سعی به مکه برود، واجب است به منی برگشته و شب را در آن جا بماند. و کسی که در حال احرام از شکار خودداری نکرده، واجب است شب سیزدهم را نیز در منی بماند. و همچنین است کسی که با زن خود نزدیکی کرده یا از محرّمات دیگر اجتناب نکرده، بنا بر احتیاط لازم.

مسأله 620: هرگاه آماده حرکت و کوچ از منی شده و از جای خود حرکت نمود، ولی به جهت ازدحام جمعیت و مانند آن نتوانست قبل از غروب روز دوازدهم از منی خارج شود، چنانچه بودن در منی برایش ممکن باشد، واجب است شب سیزدهم را نیز تا بعد از نصف شب بماند و اگر ممکن نباشد یا دشوار باشد، جایز است شبانه از منی خارج شود و بنا بر احتیاط لازم باید يك گوسفند بکشد.

مسأله 621: کسی که بودن در منی بر او واجب است، بودن روز در منی بیش از مقداری که بتواند رمی جمرات کند بر او واجب نیست. و واجب نیست تمام شب را در منی باشد و می تواند از سر شب تا بعد از نیمه شب، یا از قبل از نیمه شب تا طلوع فجر در آن جا بماند. و برای کسی که نصف اول شب را در منی مانده و بعد بیرون رفته بهتر است که پیش از طلوع فجر وارد مکه نشود.

مسأله 622: چند طایفه از وجوب بیتوته در منی مستثنی هستند:

اول: مریض و پرستارش، و یا کسی که بر جان و مال خود در آن جا بترسد.

دوم: کسی که در مکه تمام شب مشغول عبادت بوده و به جز حاجت ضروری مانند خوردن و آشامیدن و تطهیر، کار دیگری نداشته است.

سوم: کسی که طواف نموده و آن قسمت از شب را که در مکه مانده، مشغول عبادت بوده،

سپس از مکه بیرون رفته و از عقبه مدینین (اهل مدینه) گذشته باشد، می تواند در راه بیتوته نماید و لازم نیست خود را به منی برساند.

مسأله 623: کسی که بیتوته منی را عمدا ترک کرد، برای هر شب، باید یک گوسفند کفاره بدهد. همچنین اگر بیتوته در منی را فراموش کرد یا حکم را ندانست یا عذر داشت، بنابر احتیاط لازم باید یک گوسفند کفاره بدهد. اما بر کسی که به خاطر عبادت در مکه، بیتوته را ترک نموده، کفاره نیست. همچنین کسی که بعد از طواف و سعی به سوی منی رهسپار شده ولی بر اثر راه بندان، پیش از فجر به منی نرسیده، واجب نیست کفاره بدهد.

مسأله 624: کسی که قبل از غروب روز دوازدهم از منی کوچ کرد و بعد از این که شب شد، برای کاری به منی بازگشت، واجب نیست شب سیزدهم را در منی بیتوته کند.

### 13- رمی (پرتاب سنگ ریزه) جمرات

مسأله 625: سیزدهم از واجبات حج تمتع: رمی جمرات سه گانه (جمره اولی، جمره وسطی، جمره عقبه) است. رمی در روز یازدهم و دوازدهم واجب است. و هرگاه شب سیزدهم در منی بیتوته کند، رمی روز سیزدهم نیز به قصد قربة إلی الله تعالی واجب خواهد شد، بنابر احتیاط لازم. رمی جمرات باید به مباشرت خود شخص انجام شود. و نایب گرفتن بدون این که خودش عذری داشته باشد جایز نیست. و چنین نیت می کند: رمی می کنم این جمره را با هفت سنگ ریزه برای حج تمتع قربة إلی الله تعالی.

مسأله 626: شخص مختار واجب است شخصاً رمی را انجام دهد و تا زمانی که مضطر نباشد نمی تواند نایب بگیرد و واجباتی را که در رمی جمره عقبه در روز عید ذکر شد اینجا نیز باید رعایت کند.

مسأله 627: موالات و پی در پی بودن در رمی هفت سنگ ریزه شرط نیست، بلی در فاصله زیاد باید اعاده کند، اما استراحت مختصر در بین آنها مانعی ندارد و بین جمره صغری و وسطی و عقبه فاصله زیاد اشکال ندارد و می تواند اولی را اول صبح و دومی را ظهر و سومی را نزدیک

مسأله 628: در رمی واجب است اول جمره اولی را رمی کند، سپس وسطی و در آخر جمره عقبه را. و چنانچه خلاف این ترتیب عمل شود، واجب است به طوری که ترتیب حاصل شود، دوباره رمی کند، گرچه مخالفت از روی ندانستن حکم یا فراموشی باشد. ولی اگر بعد از این که جمره سابق را چهار ریگ زد، فراموش کرد و به جمره بعدی رفت، واجب نیست رمی را تمام اعاده کند، بلکه اگر سه ریگ دیگر به جمره قبلی بزند، کفایت می کند.

مسأله 629: واجباتی که در رمی جمره عقبه در اعمال روز عید قربان ذکر شد، در جمرات سه گانه نیز واجب است.

مسأله 630: رمی جمرات باید در روز (از ابتدای طلوع آفتاب تا هنگام غروب آفتاب) انجام شود و کسی که در روز نتواند رمی کند، جایز است رمی را شب آن روز انجام دهد، مانند پیرمرد و زن و بچه و ضعیف که از ازدحام بر جان خود می ترسند. و همچنین است غلام و چوپان و بدهکاری که می ترسند گرفتار شوند و هرکس که بر جان و مال و ناموس و آبروی خود بترسد.

مسأله 631: کسی که رمی روز یازدهم را فراموش کند، واجب است روز دوازدهم آن را قضا نماید و کسی که رمی روز دوازدهم را فراموش کند، واجب است روز سیزدهم قضا نماید. احتیاط لازم این است که بین ادای همان روز و قضای روز قبل فاصله بیندازد و قضای روز قبل را، پیش از ادای همان روز بجا آورد و قضای روز قبل طرف صبح و ادای همان روز هنگام زوال باشد.

مسأله 632: کسی که رمی را فراموش کرد و بعد از کوچ به مکه یادش آمد، واجب است به منی برگشته و رمی نماید. و چنانچه رمی دو یا سه روز را فراموش کرده باشد، احتیاط لازم این است که بین وظیفه هر روز و روز دیگر، یک ساعت فاصله بیندازد. و چنانچه بعد از خروج از مکه یادش آمد، واجب نیست به من برگردد، بلکه در سال بعد خودش یا نایش آن را قضا نماید.

مسأله 633: بیماری که امید ندارد تا مغرب خوب شود، باید برای رمی نایب بگیرد و چنانچه اتفاقاً قبل از غروب آفتاب، حالش خوب شد، بنابر احتیاط لازم خودش نیز باید رمی کند.

همچنین اگر شب بهبودی یافت، خودش نیز باید رمی کند.

مسأله 634: ترک رمی هر چند عمدی باشد موجب بطلان حج نمی شود و بنا بر احتیاط لازم، واجب است در سال بعد قضای آن را خودش یا نایش بجا آورد، و اگر از روی جهل یا فراموشی و اضطرار یا عذر دیگری بود، معصیت نکرده و کفاره ندارد، ولی در تمام اقسام باید آن را قضا کند.

ص: 126

احکام عمره مفرده

مسأله 635: عمره مفرده مانند حج، گاهی بالاصالة و گاهی بالعرض واجب می شود و گاهی مستحب می باشد.

مسأله 636: عمره مانند حج، بر هر مستطیعی که دارای شرایط است واجب می شود و وجوبش مانند وجوب حج، فوری است. پس کسی که برای عمره مستطیع شد، هر چند برای حج مستطیع نباشد، بنابر احوط واجب است همان وقت عمره مفرده را بجا آورد.

مسأله 637: کسی که استطاعت حج ندارد ولی از طرف شخص دیگری برای حج تمتع اجیر شده، وقتی اعمال حج نیابی تمام شد، چنانچه در مکه استطاعت عمره مفرده را داشت گرچه برای حج استطاعت ندارد، علی الأحوط واجب است پس از پایان اعمال حج نیابی، فوراً برای خود عمره مفرده انجام دهد.

مسأله 638: اگر کسی برای انجام «حج افراد» یا «قران» استطاعت داشت اما برای عمره مفرده آنها مستطیع نبود، واجب است «حج افراد» یا «قران» را انجام دهد و هر وقت برای عمره استطاعت پیدا کرد، عمره را انجام دهد.

مسأله 639: کسی که برای حج تمتع اجیر شده و خودش برای حج مستطیع نبوده، اگر پس از پایان اعمال حج نیابی، عمره مفرده را - که علی الأحوط واجب بوده- به انجام نداد، واجب است قضای آن را بجا آورد و اگر عمره را مفرده انجام داد و برای سال های بعد استطاعت حج پیدا کرد، عمره تمتع و حج تمتع بر او واجب می شود.

مسأله 640: مستحب است عمره مفرده را مکرراً انجام دهد و اولی این است که با فاصله یک ماه بجا آورده شود و ظاهراً فاصله بین دو عمره به ده روز کفایت می کند، در صورتی که هر دو عمره برای یک نفر باشد، البته با فاصله کمتر هم علی الأقرب مانعی ندارد.

مسأله 641: اگر عمره مفرده برای دو نفر یا بیشتر باشد، مثلاً برای چند نفر نایب شده، رعایت

فاصله لازم نیست.

مسأله 642: همان طوری که عمره به استطاعت واجب می شود، به نذر، عهد، قسم، شرط ضمن عقد، اجاره، صلح و امثال اینها نیز واجب می گردد، لکن باید عمره مفرده باشد نه عمره تمتع، چون عمره تمتع همراه با حج تمتع انجام می شود و به تنهایی صحیح نیست.

## اعمال عمره مفرده

### اشاره

مسأله 643: اعمال عمره مفرده عبارت است از

1- نیت.

2- احرام.

3- طواف.

4- نماز طواف.

5- سعی.

6- تقصیر یا حلق.

7- طواف نساء.

8- نماز طواف نساء.

مسأله 644: عمره مفرده با عمره تمتع چند فرق دارد:

1- در نیت، که در عمره مفرده چنین نیت می نماید: عمره مفرده بجا می آورم قربة إلى الله تعالی، و در اعمال آن نیت می کند: احرام می بندم برای عمره مفرده قربة إلى الله تعالی، طواف بجا می آورم برای عمره مفرده قربة إلى الله تعالی، نماز طواف بجا می آورم برای عمره مفرده قربة إلى الله تعالی، سعی بین صفا و مروه انجام می دهم برای عمره مفرده قرب إلى الله تعالی، تقصیر می کنم برای عمره مفرده قربة إلى الله تعالی، طواف نساء بجا می آورم برای عمره مفرده قرب إلى الله تعالی، دو رکعت نماز طواف نساء می خوانم برای عمره مفرده قربة إلى الله تعالی.

2- در عمره مفرده، طواف نساء و نماز طواف نساء لازم است، ولی در عمره تمتع لازم نیست. 3- عمره تمتع به جز در ماه های حج (شوال و ذی القعدة و ذی الحجة) واقع نمی شود و صحیح

نیست، ولی عمره مفرده را می توان در تمام ماه های سال انجام داد، اما افضل ماه رجب و بعد از آن ماه رمضان است.

4- بیرون آمدن از احرام در عمره تمتع منحصر به تقصیر است و بیرون آمدن از احرام عمره مفرده هم به تقصیر و هم به سر تراشیدن محقق می شود.

5- عمره و حج تمتع باید در یک سال باشد، ولی عمره مفرده و «حج افراد» چنین نیست، و کسی که «حج افراد» بر او واجب باشد، اگر حج را در یک سال و عمره را در سال بعد بجا آورد، صحیح است.

6- میقات عمره تمتع یکی از میقات هایی است که قبلاً گذشت، اما عمره مفرده هم از آنها و هم خارج از محدوده حرم (تنعیم یا جعرانه و حدیبیه و غیرش) می تواند باشد. مسأله

645: عمره بر کسی که بخواهد وارد مکه معظمه شود واجب است، یعنی دخول در محدوده حرم بدون احرام، حرام است، به استثنای کسانی که قبل از گذشت یک ماه، با احرام وارد مکه شده بودند و همچنین کسانی که مقتضای شغل آنها رفت و آمد زیاد باشد، مانند راننده وسایل نقلیه.

ص: 129





مسأله 646: مصدود کسی را گویند که پس از محرم شدن برای عمره یا حج، از انجام اعمال آن جلوگیری و منع شود.

مسأله 647: مصدود از عمره در جای خود به قصد بیرون آمدن از احرام، قربانی کرده و از احرام درمی آید و احتیاط واجب این است که حلق یا تقصیر را هم انجام دهد.

مسأله 648: مصدود از حج، چنانچه از موقف عرفات و مشعر یا از خصوص مشعر مصدود باشد، وظیفه اش قربانی در محل صد (جلوگیری و بیرون آمدن از احرام است). و احتیاط واجب این است که علاوه بر قربانی، حلق یا تقصیر نیز بنماید و اگر بعد از مؤقفین و اعمال منی، از طواف و سعی مصدود باشد، اگر نتواند نایب بگیرد، وظیفه اش قربانی در محل صد است و اگر نتواند نایب بگیرد، بنابر احتیاط لازم باید هم قربانی کند و هم برای سعی و طواف نایب بگیرد. و چنانچه فقط از اعمال منی مصدود باشد نه از رفتن به مکه، در این صورت اگر نتواند برای رمی و قربانی نایب بگیرد حش صحیح است و خود حلق یا تقصیر نموده و از احرام خارج شده، سپس بقیه مناسک را بجا آورد. و اگر نتواند نایب بگیرد، باید پول قربانی را نزد کسی بگذارد که به جای او قربانی کند و در جای خود حلق یا تقصیر نموده و برای بجا آوردن بقیه اعمال به مکه برود و پس از انجام اعمال آن جا (سعی و طواف)، تمام چیزهایی که با احرام بر او حرام شده حلال می شود حتی زن و حش صحیح است و باید در سال بعد بنابر احتیاط لازم رمی را اعاده نماید.

مسأله 649: در صورتی که مصدود از سال های قبل مستطیع بوده یا استطاعتش تا سال بعد باقی بماند، واجب است در سال بعد حج نماید، هر چند قربانی را که ذکر شد انجام دهد.

مسأله 650: اگر از کسی که میخواهد به منی برگردد جلوگیری شود تا بقیه اعمال حج خود (بیتوته و رمی) را انجام دهد، حش تمام است. و چنانچه نتواند باید همان سال برای رمی نایب بگیرد و گرنه سال آینده بنابر احتیاط لازم. و حکم مصدود بر او جاری نیست. مسأله 651: قربانی موارد بالا، چه گاو باشد چه شتر و چه گوسفند، فرقی ندارد. و در صورت

عدم تمکن از قربانی، بنا بر احتیاط لازم بدل آن را که روزه است. به ترتیبی که گذشت. انجام دهد.

مسئله 652: کسی که حتی خود را به تفصیلی که گذشت باطل کند و بعد مصدود شود، حکم صد براو جاری می شود، ولی باید علاوه بر قربانی، کفاره افساد حج را نیز بدهد.

مسئله 653: کسی که قربانی را همراه خود برده و مصدود شده، کشتن همان قربانی کافی است و قربانی دیگری بر او واجب نیست.

## احکام محصور

مسئله 654: محصور کسی را گویند که پس از محرم شدن در اثر بیماری، نتواند اعمال عمره یا حج را انجام دهد.

مسئله 655: کسی که در عمره مفرده محصور شده، باید یک قربانی بفرستد و با دوستان خود قرار بگذارد که در وقت معین قربانی نمایند و خودش در آن وقت از احرام خارج می شود. و می تواند در همان جا که هست، به قصد بیرون آمدن از احرام قربانی نماید و از احرام بیرون آید و بر چنین شخصی بعد از قربانی - چه خودش قربانی کند و چه بفرستد و دیگری برای او قربانی کند - تمام محرمات احرام حلال می شود، به جز زن که بر او حلال نمی شود مگر بعد از آن که بیماری اش خوب شده یا عذرش برطرف شود و عمره مفرده را بجا آورد. و محصور در عمره تمتع نیز باید به همین ترتیب عمل کند، با این فرق که با قربانی، زن هم بر او حلال می شود.

و هم چنین است وظیفه کسی که در حج محصور شده، ولی بنا بر احتیاط لازم زن بر او حلال نیست تا آن که طواف حج و سعی و طواف نساء را در حج یا عمره مفرده بجا آورد. و اگر در وقتی محصور بوده که دو موقف عرفات و مشعر از او فوت شده و خود در مکه یا در راه به سوی دو موقف بوده، حجش را با نیت به عمره مفرده تبدیل کند و باید طواف و سعی نماید یا طواف داده شود یا کسی به جای او طواف نماید. و هم چنین سعی و طواف نساء را خودش یا با کمک دیگری یا نایش بجا آورد و به تقصیر از احرام خارج می شود. و تمام محرمات احرام حتی زن براو حلال می شود.

مسئله 656: هرگاه محصور شد و قربانی خود را فرستاد و بعد از آن مرضش سبک تر شد،

چنانچه گمان کند یا احتمال دهد که حج را درک خواهد کرد، واجب است خود را برساند. و چنانچه هر دو موقف یا فقط موقف مشعر را درک نمود، حج را درک نموده است. و اگر هیچ یک از مؤقفین را درک نکند، چنانچه قربانی اش کشته نشده، حجش را با نیت به عمره مفرده تبدیل کند و اگر کشته شده باشد، از احرام بیرون آمده است و تمام محرمات بر او حلال شده مگر زن. و بنا بر احتیاط واجب باید طواف حج و نماز آن و سعی و طواف نساء و نماز آن را بجا آورد تا زن نیز بر او حلال شود.

مسأله 657: هرگاه فقط از مناسک و واجبات منی محصور شود، حکم محصور بر او جاری نمی شود، بلکه باید برای رمی و قربانی نایب بگیرد و خود حلق یا تقصیر نماید و به مکه برود و مناسکش را بجا آورد. و چنانچه نایب پیدا نکرد، پول قربانی را نزد شخصی امین، امانت می گذارد که به جای او قربانی کند و خود حلق یا تقصیر نموده و به مکه رفته و اعمال مکه را بجا آورد. و احتیاط لازم این است که رمی را در سال بعد خودش یا نایبش انجام دهد. و هرگاه بعد از درک و قوفین و اعمال منی، از رفتن به مکه و بجا آوردن مناسک آن محصور شود، واجب است برای انجام مناسک مکه، نایب بگیرد و پس از عمل نایب، تمام محرمات احرام حتی زن بر او حلال می شود.

مسأله 658: هرگاه از جمیع مناسک منی و مکه محصور شود باید قربانی کند و از احرام بیرون بیاید و چنانچه تا سال دیگر در استطاعت باقی بماند یا این که از قبل بر عهده او حج مستقر بوده باشد باید حج را در سال بعد بجا آورد.

مسأله 659: هرگاه محرم محصور شد و قربانی خود را فرستاد، ولی تا قربانی به جای خود برسد، سراو از گرما اذیت می شود، جایز است خودش گوسفندی کشته یا سه روز روزه بگیرد یا شش مسکین را اطعام نماید (به هر کدام دو مد طعام بدهد) و حلق نماید.

مسأله 660: اگر استطاعت محصور تا سال بعد باقی بماند یا از سال های قبل حج بر او واجب باشد با فرستادن قربانی و درآمدن از احرام، حج از او ساقط نشده و باید سال بعد حج نماید.

مسأله 661: هرگاه شخص محصور نه قربانی دارد نه قیمت آن را، باید به ترتیبی که گذشت ده روز روزه بگیرد. یعنی سه روز در حج و هفت روز پس از بازگشت به وطن روزه بگیرد.

مسأله 662: مستحب است هنگامی که می خواهد نیت احرام کند، بر خدا شرط کند که هر جا نتواند اعمال را ادامه دهد از احرام بیرونش بیاورد، هر چند بیرون آمدن از احرام متوقف بر این نیست، زیرا هر جا که نتوانست و عذر یا مانعی پیدا کرد، خود به خود از احرام بیرون خواهد آمد، چه این شرط را کرده باشد یا نه.

مسأله 663: کسی که به خاطر پیش آمدن مانعی غیر از صد و حصر نتواند حج خود را ادامه دهد، احتیاط واجب است که در جای خود قربانی نماید و از احرام خارج شود.

### نماز در شهرهای مدینه و مکه

مسأله 664: مسافر می تواند نماز خود را در شهر مدینه و شهر مکه تمام بخواند و فرق بین شهر قدیم و جدید نیست.

و صلی الله علی محمد وآله الطاهرين و لعنة الله علی أعدائهم أجمعين.

تم بید الفقیر إلى رحمة الله تعالى عبدالزهرء علیها السلام

حیدر حسین حیدر الترتبی الکربلائی عفی الله عن والديه و عنه و غفر لهم

عید الله الأكبر یوم الغدیر سنة 1430

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109





مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

